



جمهوری اسلامی افغانستان

د افغانستان اسلامي جمهوریت

وزارت مالیه
اداره پالیسی تدارکات

آ

<p>TESTING: A phase of inspection involving the determination, by technical means, of the physical, chemical and/ or other properties of items, or compounds thereof, requiring laboratory or other Similar tests.</p>	<p>آزمایش: مرحله ای از معاینه است که شامل تشخیص از طریق امکانات تخنیکي، فزیکي، کیمیاوی و یا سایر ویژه گی های اقلام یا ترکیباتي که ایجاب آزمایشات لابراتواری یا سایر آزمایشات مشابه را نماید.</p>
<p>BID: A tender/ an offer, proposal or price quotation given by a bidder, in response to an invitation or request for the provision of goods, works or services. see also: Offer</p>	<p>آفر¹: ارائه آفر، پیشنهاد یا نرخ که توسط داوطلب در جواب به دعوت یا درخواست برای تهیه اجناس، امور ساختمانی یا خدمات داده شده باشد. همچنان: به آفر مراجعه شود</p>
<p>ALL-OR-NONE BID: A bid/ an offer submitted for a number of different goods or services in which the bidder stipulates that the bid/ offer is valid only if the contract is awarded for all items included in his bid/ offer.</p>	<p>آفر برای اعطای تمام اقلام شامل در آفر یا هیچ: آفری است که داوطلب برای تعداد اجناس یا خدمات مختلف ارائه و در آن تصریح نموده است که آفر مذکور صرف در صورتی که قرارداد برای تمام اقلام شامل در آفری اعطا گردد، قابل اعتبار میباشد.</p>
<p>TOKEN BID: A perfunctory bid/ offer submitted by a bidder with no serious intent of being awarded with the contract; often submitted when the bidder wishes only to continue to be kept on the procuring entity's eligibility list, or as a part of a collusive deal with other bidders.</p>	<p>آفر تقلبی: آفر سرسری ارائه شده توسط یک داوطلب که بدون تصمیم جدی برای اعطای قرارداد ارائه شده باشد؛ اکثراً داوطلب به خاطر بیکه درلست داوطلبان واجد شرایط اداره تدارکاتی شامل و باقی بماند و یا طور تبانی میان سایر داوطلبان آفر ارائه می نماید.</p>
<p>FIRM BID/ OFFER: A definite price proposal, as differentiated from an estimated cost bid/ offer. It binds the bidder for the validit2y time of his bid/ offer. see also: Bid</p>	<p>آفر ثابت: پیشنهاد قطعی قیمت که با قیمت تخمینی آفر تفاوت داشته باشد. این پیشنهاد داوطلب را مکلف به پایبندی به اعتبار زمانی پیشنهاد شده در آفرش میسازد. همچنان: به آفر مراجعه شود.</p>

¹ جزء 4 ماده سوم 3 قانون و جزء 3 حکم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه

<p>RESPONSIVE BID: A bid that offers to provide goods, works or services in accordance with the requirements for the procurement of the same as they are described in the bid document, a request for proposals, or request for quotation. see also: Non-responsive bid</p>	<p>آفر جوابگو²: آفری است که تهیه و تدارک اجناس، امور ساختمانی یا خدمات در مطابقت با ضروریات تدارکاتی مندرج شمرطنامه، مطالبه پیشنهادات یا درخواست نرخ دهی ارائه شده باشد. همچنان: به آفر غیر جوابگو مراجعه شود.</p>
<p>OFFEROR: A supplier who makes a bid or an offer in response to a purchase or an invitation to bid. see also: Bid, Offer, Offeree</p>	<p>آفر دهنده: شخصیکه در جواب به دعوت برای داوطلبی یا خریداری آفر ارائه نماید. همچنان: به آفر و شخص آفرگیرنده مراجعه شود.</p>
<p>NON-RESPONSIVE BID: A bid/ offer made by a bidder which does not conform to the essential requirements of the tender. see also: Responsive bid</p>	<p>آفر غیر جوابگو: آفری ارائه شده توسط داوطلب که با شرایط لازم داوطلبی مطابقت نداشته باشد. همچنان: به آفر جوابگو مراجعه شود.</p>
<p>OFFEREE: A person (a buyer) to whom a supply offer is made. see also: Bid, Offer, Offeror</p>	<p>آفرگیرنده: شخص (خریدار) که پیشنهاد تهیه با او صورت میگیرد. همچنان: به آفر و آفر دهنده مراجعه شود.</p>
<p>COUNTER OFFER: Is the acceptance of a bidder's offer by the procuring entity but with modification in one or more terms and conditions of offer. In legal terms it amounts to a new proposal to the bidder which will be construed as contract only if he accepts the revised proposal of the procuring entity without any qualifications. see also: Acceptance of bid/ offer</p>	<p>آفر متقابل: قبول آفر داوطلب از طرف اداره تدارکاتی اما با وارد نمودن تعدیلات دریک یا بیشتر شرایط آن میباشد. از لحاظ قانونی این امر منجر به پیشنهاد جدید برای عقد قرارداد به داوطلب میگردد در صورتیکه او این پیشنهاد تجدید نظر شده توسط اداره تدارکاتی را بدون کدام شرط بپذیرد، می باشد. همچنان: به قبولی آفر مراجعه شود.</p>
<p>IDENTICAL BID: An offer from a bidder in response to an invitation to bid which is similar in all respects to another submitted by another bidder.</p>	<p>آفر مشابه تصادفی: عبارت از آفر ارائه شده در جواب به دعوتنامه داوطلبی که در تمام موارد با آفریکه توسط داوطلب دیگر ارائه شده است، مشابهت داشته باشد.</p>
<p>JOINT BID: A bid/ offer submitted by a group of companies and/ or individuals which have formed a grouping (consortium) to bid for and (if awarded) implement a specific project. One lead company has to represent and act on behalf of all other members of the consortium towards the procuring entity. Nevertheless each member of the consortium remains jointly and severally liable for the fulfilment of the tender respectively the implementation of the contract.</p>	<p>آفر مشترک: ارائه آفر توسط یک گروهی از شرکت ها و یا افراد که گروه یا (کنسرسیوم) را به منظور آفر دهی تشکیل نموده و (در صورت اعطای قرارداد) پروژه مشخص را طور مشترک اجرا نمایند. یک شرکت منحصی رهبر به نمایندگی از تمام اعضای کنسرسیوم باید در مقابل اداره تدارکاتی اجراءات نماید. علی رغم آن هر عضو کنسرسیوم طور مشترک و جداگانه در اجرای داوطلبی یا قرارداد مسئول می باشد.</p>
<p>IF UNSOLD: A conditional offer made by a bidder to supply the goods if these are not sold elsewhere between the time of the bid/ offer is made and the award of the contract.</p>	<p>آفر مشروط: عبارت از آفری است که جهت تهیه اجناس در وسط زمان آفر دهی و عقد قرارداد، در صورتیکه در جای دیگری به فروش نرسیده باشد، توسط داوطلب ارائه می گردد.</p>
<p>LATE BID: A bid/ offer received after the closing time</p>	<p>آفر ناوقت رسیده: عبارت از آفری است که بعد از ختم</p>

واژه نامه اصطلاحات تدارکاتی، اداره پالیسی تدارکات جمهوری اسلامی افغانستان - حمل سال 1390

<p>and date indicated in the bidding documents issued. A late bid shall always be returned unopened to the bidder.</p>	<p>تاریخ و زمان معینه در شرطنامه دریافت شود. آفر ناوقت رسیده همیشه باید بدون اینکه باز شود، مسترد گردد.</p>
<p>COLLUSIVE BIDS/ OFFERS: Bids/ offers by two or more bidders who have joined together to circumvent the intention of the procuring entity to secure competitiveness by submitting bids/ offers the terms and conditions of which are decided (and are therefore known to each) jointly even when these are submitted separately. see also: Competitive bidding</p>	<p>آفرهاییکه درتبتانی تهیه شده: آفرهای ارائه شده توسط دو یا بیشتر داوطلبان که به منظور گمراه کردن اداره تدارکاتی در تصمیم گیری ها جهت حفظ مراحل رقابتی آفرهایی را با شرایط پیشنهاداتی که قبلاً میان همدیگر تصمیم گرفته شده (و روی همین منظور درمورد آفرهای همدیگر معلومات دارند) حتی در صورتیکه طور جداگانه هم باشد، ارائه می نمایند. همچنان: به داوطلبی رقابتی مراجعه شود.</p>
<p>AWARD AUTHORITY: A person with authority to award a contract or approve a contract modification concerning the procurement of goods, services or works, in accordance with the levels of authority set in the public procurement Law.</p>	<p>آمر اعطاء³: شخصی است که صلاحیت منظوری یا تعدیل قرارداد درمورد تهیه اجناس، تدارک خدمات و امور ساختمانی را طبق حدود صلاحیت های تعیین شده در قانون تدارکات عامه دارا میباشد.</p>
<p>FIRST GRADE AWARD AUTHORITY: Is a Minister of other Head of a procuring entity having the award authority indicated in the Public Procurement Law Annex A.</p>	<p>آمر اعطای درجه اول⁴: عبارت از وزیر یا سایر رؤسای ادارات تدارکاتی مندرج ضمیمه 1 قانون تدارکات عامه افغانستان منتشره جریده رسمی شماره 865 که صلاحیت اعطای قرارداد را دارد، میباشد. نوت: از قانون جدید حذف شده است.</p>
<p>1</p>	
<p>EXPRESSION OF INTEREST: A note received from a bidder, usually in response to a public advertisement invitation to bid or prequalification, for the supply of specific goods, works or services.</p>	<p>ابراز علاقمندی: یادداشت دریافت شده از داوطلب که معمولاً در جواب به یک اعلان عام دعوت به داوطلبی یا ارزیابی قبلی، جهت تهیه اجناس، امور ساختمانی یا خدمات مشخص ارائه میگردد.</p>
<p>ADVICE OF SHIPMENT: A notice informing the procuring entity that the goods have been shipped. The notice usually gives details of packing.</p>	<p>ابلاغیه درمورد محموله: اطلاعیه به اداره تدارکاتی مبنی بر اینکه اجناس انتقال داده شده است می باشد. این اطلاعیه معمولاً حاوی جزئیات درمورد بسته بندی اجناس میباشد.</p>
<p>VOYAGE CHARTER: A charter-party involving the lease of a ship (with crew) for carriage of a named cargo between specified ports. A variation of this is a consecutive voyage chartering. It involves the performance of the same or different voyages, one after the other, without interruption within one contract of affreightment.</p>	<p>اجاره دربست کشتی جهت سفر خاص: عبارت از شخص شامل درکرایه کشتی (همراه با کشتی بان) برای انتقال محموله میان بندر های معین می باشد. عکس آن کرایه دوامدار کشتی برای انتقال محموله میباشد. این امر شامل اجرای آن یا کرایه گیری متفاوت کشتی، یکی پی دیگر بدون انقطاع یک قرارداد کرایه کشتی میباشد.</p>
<p>LICENSING: The word is used in many different contexts. Essentially it means a document giving right to a person or a firm which it would not otherwise have. In business it may mean a legal arrangement</p>	<p>اجازه نامه: این کلمه برای معانی و مفاهیم مختلف استفاده میشود. اساساً عبارت از سندی است که به یک شخص حقی را میدهد که در غیر آن نمیتواند داشته باشد. این کلمه</p>

³ جزء دوم 2 ماده سوم 3 قانون و حکم سوم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه
⁴ این حکم در قانون تدارکات شماره 865 سال 1384 بوده و در قانون جدید حذف شده است.

<p>transferring the rights to manufacture, or to market, a product or service rights to another. Such an arrangement is usually formalised by a document. There might be a consideration, perhaps in the form of a regular fee, or of a commission or royalty. In many countries, licensing is used as a method of deciding who should sell what. see also: Import licence</p>	<p>میتواند در مفهوم تجارتی خود به معنی ترتیبات قانونی انتقال حقوق تولید یا عرضه خدمات به ساخت، به یک شخص یا بازار میباشد. همچو ترتیبات معمولاً توسط یک سند رسماً صورت میگیرد. ملاحظاتی به شکل فیس منظم، کمیشن و یا حق الامتیاز شاید وجود داشته باشد. در بسیاری از کشورها، دادن جواز یا اجازه نامه منحیث روش تصمیم گیری در مورد اینکه چه کسی باید چه چیز را بفروشد، استفاده میشود. همچنان: به جواز وارداتی مراجعه شود.</p>
<p>COERCIVE PRACTICE: defines harming or threatening to harm, directly or indirectly, persons or their property to influence their participation in the procurement process or affect the execution of a contract.</p>	<p>اجبار: آسیب یا ضرر رساندن یا تهدید به آسیب یا ضرر رسانیدن به شخص یا اموال او، خواه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به منظور تحت تاثیر قرار دادن عملکرد جانب دیگر در مراحل تدارکات یا اجرای قرارداد.</p>
<p>GOODS: Objects of every kind and description including raw materials, products and equipment, and objects in solid, liquid or gaseous form, and electricity, and encompasses services incidental to the provision of the goods if the value of those incidental services does not exceed that of the goods themselves.</p>	<p>اجناس⁵: عبارت هر نوع اشیا اعم از مواد خام، تولیدات، تجهیزات و اشیای جامد، مایع یا گاز، برقی، و خدمات ضمنی شامل در تهیه اجناس در صورتیکه ارزش آن خدمات ضمنی از قیمت خود اجناس متجاوز نباشد.</p>
<p>DANGEROUS/ HAZARDOUS GOODS: Any cargo which under normal conditions of transportation can pose an unreasonable risk to health and safety of crew, other cargo and the ship, aircraft, etc. This includes goods classified as explosive, flammable, corrosive, combustible, oxidative, poisonous, compressed gases, toxics, unduly magnetised, biological and radiological, and substances associated therewith.</p>	<p>اجناس خطرناک: هر آن محموله ای که تحت شرایط نورمال حمل و نقل باعث یک خطر غیر موجه و مضر بالای صحت و سلامت راننده کشتی، سایر محموله و کشتی، هواپیما و غیره شود. این موضوع شامل اجناس دسته بندی شده در اشیای منفجره، قابل اشتعال، فاسد شونده، قابل احتراق، فسفردار، زهری، گازهای به هم فشار داده شده، سمی، طور غیر متوازن مقناطیسی شده، بیولوژیکی و رادیولوژیکی، و مواد آلوده شده با آنها میباشد.</p>
<p>FUNGIBLE GOODS: Goods of which any one unit is similar to other units or where the qualities marketed by various producers are treated as equivalent or nearly similar, e.g. grains.</p>	<p>اجناس قابل تعویض: اجناسیکه یک واحد به واحد دیگر شباهت داشته یا از لحاظ کیفیت های عرضه شده به بازار توسط تولید کننده گان مختلف معادل ی تقریباً مشابه هم مثلاً حبوبات دانسته شود.</p>
<p>RULES: Means the Afghan rules of procedures for public procurement prepared and issued by PPU in accordance with the provisions of PPL.</p>	<p>احکام: عبارت از احکام طرز العمل تدارکات عامه که طبق احکام قانون تدارکات توسط اداره پالیسی تدارکات تهیه و صادر گردیده است.</p>
<p>PROCUREMENT POLICY UNIT (PPU): Is the central policy and monitoring unit established pursuant to the Law.</p>	<p>اداره پالیسی تدارکات⁶ (PPU): اداره یا واحد مرکزی پالیسی ساز و نظارتی است که طبق قانون تدارکات ایجاد شده است.</p>
<p>PROCURING ENTITY: The entity responsible for</p>	<p>اداره تدارکاتی: اداره یا نهادی که مسؤلیت تطبیق احکام</p>

⁵ جزء شانزدهم 16 ماده سوم 3 قانون تدارکات عامه

⁶ ماده هشتادم قانون تدارکات عامه

applying the provisions of the PPL to procurement, within the limits of its authority. see also: Buyer, Contracting authority, Procurement	این قانون را حین تهیه و تدارک اجناس، امورساختمانی و خدمات در حدود صلاحیت خویش به عهده دارد. همچنان: به خریدار، اداره قرارداد کننده، و تدارکات مراجعه شود.
PUBLIC ENTITY: Any Ministry, Independent Head of departments, State owned enterprises, other budgetary unit or instrument of the State, or a company in which the share of State ownership exceeds 25 percent.	اداره عامه ⁷ یا اداره: وزارت ها، ریاست های عمومی مستقل، تصدی های دولتی و سایر واحد های بودجوی و همچنان شاروالی ها، شرکت های دولتی و شرکت های مختلط است که سهم دولت در آن بیشتر از (25) فیصد باشد.
DECLARED VALUATION: Is the valuation placed on a consignment of goods before being delivered to a carrier.	ارزش اعلان شده: ارزش گذاری که قبل از تحویلی به انتقال دهنده در سند ارسال اجناس درج شده باشد.
INSURED VALUE: Is the monetary value of the insured property as shown in the policy plus insurance charges. To cover renewed acquisition and other costs involved with the loss of material often 110% of the value is insured as a standard international practise.	ارزش بیمه: ارزش پولی ملکیت بیمه شده که در پالیسی بیمه نشان داده شده است، جمع مصارفات میباشد. به منظور تحت پوشش قرارداد خریداری های جدید و سایر مصارف شامل در خساره مواد، کثراً 110% این قیمت منحیت تعاملات معیاری بین المللی بیمه میشود.
BID EVALUATION: Analysis of all bids/ offers received by the procuring entity to appraise and assess the most advantageous and competitive bid/ offer. see also: Analysis of bids/ offers, Life-cycle costing, Tabulation of bids/ offers	ارزیابی آفر: تحلیل تمام آفرهای دریافتی توسط اداره تدارکاتی جهت ارزیابی و بررسی مفیدترین و رقابتی ترین آفرها میباشد. همچنان: به تحلیل آفرها، مصارف دوران کارایی و جدول بندی آفرها مراجعه شود.
TENDER EVALUATION: see Bid Evaluation	ارزیابی پیشنهاد: به ارزیابی آفر مراجعه شود
PRE-QUALIFICATION: The process described in the PPL Art.18 (as amended January, 2009) see also: Restricted tender, Registration of interest, Short list	ارزیابی قبلی: عبارت مراحل مندرج ماده هجده هم 18 قانون تدارکات عامه (که در ماه دول سال 1387 تعدیل و توسط فرمان شماره 142 رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان توشیح و درجریده رسمی شماره 971 نشر گردیده است، میباشد. همچنان: به داوطلبی مقید، ثبت علاقمندی و شارت لست مراجعه شود.
CONSIGNMENT: Goods shipped to a consignee in terms of a sales contract or for future sale or other purpose (in the latter case the title remaining with the shipper/ consignor).	ارسال: اجناسیکه عنوانی گیرنده بار در جریان مدت قرارداد فروش یا برای فروشات در آینده یا مقصد دیگر (که در این صورت عنوان با انتقال دهنده یا تسلیم گیرنده باقی می ماند) فرستاده میشود.
CONSIGNOR: The supplier who ships the goods to be delivered to the party named by him on the bill of lading. see also: Consignee	ارسال کننده اجناس: اکمال کننده ایکه اجناس را به قصد تحویلی به شخصیکه نام او را در بارنامه کشتی خود ذکر نموده، ارسال می نماید. همچنان: به گیرنده بار مراجعه شود.
ENQUIRY: An invitation from a procuring entity to bidders to submit their price quotes and other terms and conditions for supply of a product (or products) as	استعلام: عبارت از دعوتنامه یی که از طرف اداره تدارکاتی به منظور ارائه نرخ ها و سایر شرایط جهت تهیه

specified.	یک جنس یا (تولیدات) طوریکه در آن مشخص شده است، به داوطلبان صورت میگیرد.
CURRENCY: means the Afghani (AFN).	اسعار⁸: عبارت از واحد پولی افغانی میباشد
SOLICITATION DOCUMENTS: Means bidding documents, requests for proposals documents, requests for quotations documents and any other document on the basis of which bidders prepare and submit a bid for the supply of goods, works or services.	اسناد درخواست: عبارت از اسناد مانند شرطنامه، مطالبه پیشنهادات، درخواست نرخ دهی وسایر اسنادی میباشد که طبق آن داوطلبان آفرهای خویش را جهت تهیه اجناس، امور ساختمانی و یا خدمات ارائه مینمایند.
CONTRACT DOCUMENTS: Is a set of documents that are derived from contract and now convey the meaning of the agreement between the procuring entity and the supplier in such a way as to minimise misunderstanding. They could include: (a) the instrument of the contract - the actual document signed by both parties; (b) general conditions of contract; (c) special conditions of contract; (d) specifications/ terms of reference/ drawings/ bills of quantities/ time tables/ schedules of rates/ terms of delivery/ etc.; (e) copies of any relevant meeting minutes or letters which have been exchanged; (f) curricula vitae of staff selected to carry out the activities; and (g) specimen of bonds.	اسناد قرارداد: مجموعه اسناد گرفته شده از قرارداد بوده که حالا به معنی موافقتنامه میان اداره تدارکاتی و تهیه کننده به گونه ای که غلط فهمی میان جانبین را کم نماید. این اسناد شامل: (الف) سند قرارداد: سند واقعی امضا شده توسط جانبین؛ (ب) شرایط عمومی قرارداد؛ (ج) شرایط خاص قرارداد؛ (د) مشخصات یا لائحة وظایف، نقشه ها، بل احجام کاری، جدول های زمانی، جدول نرخ ها، شرایط تحویلی وغیره؛ (ه) کاپی های رویدادهای تمام جلسات مربوطه یا مکاتبات رد و بدل شده؛ (و) سوانح مختصر کارمندان انتخاب شده جهت پیشبرد فعالیت ها؛ و (ز) نمونه از اوراق بهادار بوده می تواند.
ADVICE NOTE: A communication sent by the supplier to the procuring entity informing him that the goods are ready for dispatch and await forwarding instructions (in case of ex-works contracts) or shipment instructions (in case of FOB contracts).	اطلاع: مخابره یا مکتوب ارسالی از طرف تهیه کننده به اداره تدارکاتی حاوی این مطلب که اجناس برای ارسال آماده بوده و منتظر هدایت (در صورت قرارداد تحویلی در محل کار) یا هدایات انتقالات (در صورت قرارداد تحویلی کشتی) می باشد.
ARRIVAL NOTICE: An intimation sent by the carrier to the consignee advising of the arrival of shipment.	اطلاعیه ورود اجناس: آگهی در مورد ورود محموله است که از طرف انتقال دهنده به گیرنده بار داده میشود.
QUALITY ASSURANCE: A planned and systematic pattern of all actions necessary to provide adequate confidence that the product or services will perform satisfactorily. It may consist of the procuring entity satisfying himself that the system of quality control the supplier has instituted is satisfactory by examining or evaluating it, or the procuring entity or his agent undertaking inspection of the product in the process of production or at the pre-shipment or the post-shipment stage respectively monitors the implementation of the services by verifying results. see also: Acceptable quality level, Quality control	اطمینان از کیفیت: عبارت از طرح اصولی یا سیستماتیک و پلان شده تمام اقدامات ضروری جهت حصول رضایت کافی در مورد اینکه تولید جنس یا خدمات طور قناعت بخش اجرا میگردد. این طرح میتواند شامل قناعت اداره تدارکات مبنی بر اینکه سیستم کنترل کیفیت را که اكمال کننده ایجاد نموده است از طریق آزمایش و ارزیابی آن قابل قبول بوده است بوده، یا اداره تدارکات و نماینده او که مسؤلیت تفتیش محصول درپروسه تولید یا مرحله قبل از انتقال ویابعد از آن را دارد، اجرای خدمات را به صورت منظم از طریق ارزیابی نتایج تفتیش مینماید. همچنان به سطح کیفیت قابل قبول و کنترل کیفیت مراجعه شود.

<p>BILL OF ENTRY: A detailed form or statement filled by an importer giving information on the nature and value of goods being imported for submission to the customs authorities before goods are cleared for entry into the country. see also: Customs duties, Customs tariff, Import duties</p>	<p>اظهارنامه ورودی: فورمه یا سند خانه پری شده توسط شخص وارد کننده با توضیح معلومات در مورد ماهیت و قیمت اجناس، قبل از اینکه اجناس تصفیه و به کشور وارد شود، به مقامات گمرکات ارائه میگردد. همچنان: به مالیات گمرکی، تعرفه های گمرکی و مسؤلیت های وارداتی مراجعه شود.</p>
<p>DOCUMENTARY CREDIT: see Letter of credit (L/C)</p>	<p>اعتبار اسنادی: به اعتبارنامه مراجعه شود</p>
<p>LETTER OF CREDIT (L/C): An order from a banker (or other person) at one place to his agent abroad (a foreign bank) authorising him to pay a given sum to the person or company named therein. Commercial letters of credit are extensively used as means of overseas payments. This requires the procuring entity to request his banker to open a letter of credit for a specified amount favouring the supplier and negotiable by a supplier's bank in his country. The procuring entity indicates in the application of credit to the opening bank the conditions which should be fulfilled by the supplier (e.g. submission of bill of lading and other documentation) and upon the fulfilment of which only should the negotiating bank release the money. see also: Confirmed letter of credit</p>	<p>اعتبارنامه (L/C): دستور یک بانکدار (یا شخص دیگر) در یک جای به نماینده خارجی خود (یک بانک خارجی) با تفویض صلاحیت به وی مبنی بر پرداخت مبلغ داده شده به شخص یا شرکت مذکور در آن نامه می باشد. اعتبار نامه های تجارتي طور وسیع به منظور پرداخت های خارجی استفاده می شوند. بناءً ایجاب می نماید که اداره تدارکاتی از بانکدار درخواست نماید تا یک اعتبار نامه مبلغ معین را برای اكمال کننده که در کشور او قابل مذاکره است، باز نماید. اداره تدارکاتی در درخواست برای اعتبار به بانک مورد نظر شرایطی را که باید توسط اكمال کننده انجام یابد (مثال، تسلیمی بل بارگیری و سایر اسناد) و به انجام آن که صرف بانک مذاکره شونده پول را ترخیص نماید، ذکر می نماید. همچنان: به اعتبارنامه تائید شده مراجعه شود.</p>
<p>CONFIRMED LETTER OF CREDIT: A letter of credit in which the bank guarantees payment to the beneficiary after all conditions mentioned therein are fulfilled. see also: Letter of credit (L/C), List price, Price discrimination, Rebate</p>	<p>اعتبارنامه تائید شده: عبارت از اعتبارنامه ای که در آن بانک پرداخت به شخصی را که به وی تادیه صورت میگیرد، بعد از اینکه تمام شرایط ذکر شده تکمیل شود، را تضمین مینماید. همچنان: به اعتبارنامه، است قیمت، تفکیک قیمت و تخفیف مراجعه شود.</p>
<p>AWARD: The action taken by the procuring entity, after examining and comparing the bids/ offers received, through which it: (i) selects the bid/ offer that is determined to be substantially responsive to the bidding documents and is the most advantageous (i.e., the best evaluated bid with respect to the evaluation grid set up); and (ii) officially notifies the bidders of the decision as to the award of the contract. It is the most important stage of the procurement cycle, since it accomplishes its main objective, that is, selection of the bidder which is to carry out the works or services or provision of the goods that were the object of the procurement. In effect, the award completes the contract; the bid/ offer made by the bidder is accepted by the procuring entity in making the award.</p>	<p>اعطاء: اقداماتی که بعد از آزمایش و مقایسه آفرهای دریافتی توسط اداره تدارکاتی صورت میگیرد و از طریق آن (1): آفریکه کلاً با شرطنامه جوابگو بوده و مفیدترین آفر باشد (مثال بهترین آفر ارزیابی شده طبق معیارات تعیین شده بوده)؛ و (2) اطلاع رسمی داوطلبان در مورد تصمیم بر اعطای قرارداد. این مرحله یکی از مهمترین مراحل تدارکاتی بوده، از آنجاییکه این موضوع با اهداف عمده مطابقت داشته باشد، انتخاب داوطلب برای انجام امور ساختمانی یا خدمات یا تهیه اجناسی که هدف تدارکات است، میباشد. در نتیجه، اعطای قرارداد را تکمیل مینماید؛ آفر پیشنهادی داوطلب، با اعطای قرارداد توسط اداره تدارکاتی به معنی قبولی آن میباشد.</p>
<p>MULTIPLE AWARD: The award of separate contracts</p>	<p>اعطای چند گانه: اعطای قراردادهای جداگانه به دو یا</p>

<p>to two or more bidders for the same product where a single bidder does not offer to supply the entire quantity required or where the procuring entity wants to split a demanded quantity as part of his long-term purchasing strategy. see also: Multiple Source Buying</p>	<p>بیشتر داوطلبان برای عین جنس یا تولید، در صورتیکه یک داوطلب پیشنهاد تهیه تمام مقدار لازم را ننماید یا اداره تدارکاتی میخواهد مقدار درخواست شده را منحیث بخشی از استراتیژی درازمدت خریداری خویش از هم جدا سازد. همچنان: به خریداری چندین منبعی مراجعه شود.</p>
<p>COMMON-USE ITEMS: Material that is often used by a number of users and fulfils certain standards set up. The term is generally used in the context of government procurement of such items as stationery, vehicles, typewriters, and other office equipment, machines or accessories.</p>	<p>اقلام مورد استفاده عام: عبارت از موادی می باشد که طور مکرر توسط تعدادی از استفاده کننده گان مورد استفاده قرار گرفته و معیارات معینه را تکمیل نماید، میباشد. این شیوه عموماً در زمینه تدارکات اقلام دولتی مانند قرطاسیه باب، وسایط نقلیه، ماشین های تایپستی، سایر لوازم دفتر، ماشین آلات و غیره میباشد.</p>
<p>SUPPLIER: see Contractor</p>	<p>اکمال کننده: به قراردادی مراجعه شود</p>
<p>INTELLECTUAL PROPERTY: Property of a non-physical nature capable of being transferred from one party to another.</p>	<p>امتیازات فکری: امتیازیکه دارای ماهیت غیر فیزیکی قابل انتقال از یک شخص به شخص دیگر میباشد.</p>
<p>FRANCHISE: A percentage shown in a cargo policy which has to be attained before a partial loss claim becomes admissible for payment. Once the franchise is attained the claim is paid in full.</p>	<p>امتیاز: عبارت از فیصدی نشان داده شده در پالیسی محموله می باشد که قبل از مطالبه زیان قسمی برای پرداخت قابل قبول می شود، گرفته می شود. بعد از اینکه امتیاز حاصل شده، مطالبه به صورت مکمل پرداخت میگردد.</p>
<p>PROPRIETY ARTICLE: An article manufactured and sold by a patentee or by his licensee. see also: Patent</p>	<p>امتیاز مواد: تولید و فروش جنس توسط شخص مخترع یا فروش آن تحت لیسنس یا اجازه نامه موصوف. همچنان: به مخترع مراجعه شود.</p>
<p>STANDING ORDER: see Blanket order</p>	<p>امر خریداری جاری: به دستور کلی مراجعه شود</p>
<p>ECONOMIC ORDER QUANTITY (EOQ): That order quantity which gives lowest total variable costs, including both costs of procurement and of stock holding. see also: Inventory control</p>	<p>امر اقتصادی مقدار (EOQ): دستور یا امر خریداری که مصارف کم قابل تشخیص به شمول مصارف تدارکاتی و گدام داری در آن در نظر گرفته شود. همچنان: به کنترل موجودی مراجعه شود.</p>
<p>SURPLUS STOCK: Material assessed to be in excess of the procurement agency's own requirements and set aside for disposal.</p>	<p>اموال مازاد: عبارت از اموالیکه منحیث مواد اضافی از ضروریات خود دفتر تدارکاتی بررسی شده و برای نیلام کنار گذاشته شود، میباشد.</p>
<p>WORKS: All work associated with the construction, reconstruction, demolition, repair or renovation of a building, structure or works, such as site preparation, excavation, erection, building, installation of equipment or materials, decoration and finishing, as well as services incidental to construction such as drilling, mapping, satellite photography, seismic investigations and similar services provided pursuant to the</p>	<p>امور ساختمانی: تمام امور ساختمانی مشترک با ساختن، بازسازی، تخریب، ترمیم یا نوسازی یک ساختمان، ساختار یا امور ساختمانی، مانند آماده سازی سایت، حفركاری، نصب، بلدنگ، نصب تجهیزات یا مواد، تزئینات و تکمیل، همچنان خدمات ضمنی ساختمان مانند برمه کاری، نقشه برداری، عکاسی از طریق قمر مصنوعی، تحقیقات در مورد زمین لرزه و خدمات مشابه</p>

<p>procurement contract, if the value of those services does not exceed that of the construction itself</p>	<p>که در مطابقت به قرارداد تدارکاتی بوده، مشروط بر آنکه ارزش آن خدمات متجاوز از قیمت اصلی خود ساختمان نباشد.</p>
<p>BUFFER STOCK: A certain quantity of a material held in stock to meet any unforeseen supply delays or disruptions of scheduled deliveries, increase in prices and/ or unexpected up-surge in demand.</p>	<p>انبار احتیاطی: عبارت از یک مقدار معین مواد می باشد که به منظور رفع نیازمندی های غیر قابل پیش بینی در انبار یا گدام نگهداری شده و در صورت تاخیر در تهیه یا قطع تحویلی های جدول بندی شده، بلندرفتن قیمت و یا تقاضای غیر قابل پیش بینی که بسیار سریع پیش می آید، بکار می رود.</p>
<p>CPT: see Carriage paid to</p>	<p>انتقال با هزینه حمل CPT: به متن ذیل مراجعه شود.</p>
<p>CARRIAGE PAID TO (CPT): INCOTERM, defines that the supplier pays the freight for the carriage of the goods to the named destination. The risk of loss of or damage to the goods, as well as any additional costs due to events occurring after the time the goods have been delivered to the carrier, is transferred from the supplier to the procuring entity when the goods have been delivered into the custody of the carrier. The CPT term requires the supplier to clear the goods for export. This term may be used for any mode of transport including multimodal transport. see also: Incoterms</p>	<p>انتقال با هزینه حمل (CPT): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت (اینکوترمز)، این مطلب را واضح میسازد که اكمال کننده کرایه کشتی برای انتقال اجناس تا محل معین تحویلی را پردازد. مسئولیت خطر زیان یا ضرر در اجناس و تمام مصارف اضافی با در نظر داشت رخدادهای، بعد از اینکه اجناس از اكمال کننده به انتقال دهنده و تحت محافظت انتقال دهنده قرار داده شد، بر عهده اداره تدارکاتی می باشد. طبق شرایط انتقال با هزینه حمل که اكمال کننده باید حساب اجناس برای صادرات را تصفیه نماید. این شرایط برای تمام روش های ترانسپورتی به شمول ترانسپورت چندین طریقه یی استفاده شده میتواند. همچنان: به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>
<p>CARRIER: A person or a firm who contracts to carry goods by any method of transport.</p>	<p>انتقال دهنده: شخص یا نهادیکه قرارداد مینماید تا اجناس را از طریق یکی از روش های ترانسپورتی انتقال دهد.</p>
<p>FAS: see Free alongside ship</p>	<p>انتقال رایگان تا کشتی (FAS): به انتقال رایگان تا لنگرگاه کشتی مراجعه شود</p>
<p>FCA: see Free carrier</p>	<p>انتقال رایگان: به انتقال رایگان مراجعه شود</p>
<p>FREE CARRIER (FCA): INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when he has handed over the goods, cleared for export, into the charge of the carrier named by the procuring entity at the named place or point. If no precise point is indicated by the procuring entity, the supplier may choose within the place or range stipulated where the carrier shall take the goods into his charge. When, according to commercial practice, the supplier's assistance is required in making the contract with the carrier (such as in rail or air transport) the supplier may act at the procuring entity's risk and expense. This term may be used for any mode of transport, including multi modal transport. If the procuring entity instructs</p>	<p>انتقال رایگان: شرایط بین المللی تجارت واضح میسازد که تهیه کننده زمانی مکلفیت های تحویل دهی خود را انجام می دهد که اجناس را تحویل داده، مالیات صادراتی را به مصرف انتقال دهنده که توسط اداره تدارکاتی در محال یا نقطه معین معرفی شده است، تصفیه نموده باشد. در صورتیکه از طرف اداره تدارکاتی نقطه یا محل معین تعیین نشده باشد، اكمال کننده میتواند وسط محل تصریح شده را در نظر گرفته مصارف انتقال تا آن جا را خودش پردازد. هرگاه طبق روش های تجاری، نیاز به کمک اكمال کننده در عقد قرارداد با انتقال دهنده (مثلاً از طریق قطار یا انتقالات هوایی) باشد، اكمال کننده میتواند با پذیرش خطر و مصرف از جانب اداره تدارکاتی، اداره را</p>

<p>the supplier to deliver the cargo to a person, e.g. a freight forwarder who is not a carrier, the supplier is deemed to have fulfilled his obligation to deliver the goods when they are in the custody of that person. Transport terminal defines a railway terminal, a freight station, a container terminal or yard, a multi-purpose cargo terminal or any similar receiving point. see also: Incoterms</p>	<p>کمک نماید. این اصطلاح در هر نوع ترانسپورته به شمول انتقالات چندین روشی استفاده شده میتواند. در صورتیکه اداره تدارکاتی به اكمال کننده دستور بدهد تا محموله را به شخصی مثلاً فرستنده کشتی که او انتقال دهنده نیست، تحویل بدهد، مکلفیت اكمال کننده در جهت تحویلی اجناس بعد از اینکه تحت حفاظت آن شخص قرار می گیرد، انجام یافته تلقی میگردد. ترمینال ترانسپورته به معنی ترمینال قطار، ایستگاه کشتی، ترمینال کانتینر یا میدان، یک ترمینال محموله چندین هدفی و یا هر نقطه مشابه دریافت اجناس میباشد. همچنان: به شرایط بین المللی تجارت مراجعه شود.</p>
<p>ASSIGNMENT: Refers to transfer of a right on or a title to goods or know how to another party. For example, title to goods may be transferred by assignment on a Bill of Lading by the original consignee (referred to as the assignor), to another, the assignee.</p>	<p>انتقال قانونی: انتقال قانونی یک حق یا عنوان به اجناس یا چگونگی شناخت شخص دیگر میباشد. به گونه مثال، عنوان اجناس با تعیین در بارنامه کشتی توسط گیرنده اصلی بار منحصیث توظیف کننده، به شخص دیگر میباشد.</p>
<p>FREE TIME: The period allowed loading or unloading transportation equipment before demurrage or storage charges begin to accrue. see also: Demurrage, Detention, Lay days</p>	<p>اوقات فراغت: مدت مجاز برای بارگیری و یا تخلیه اجناس قابل انتقال قبل از اینکه مخارج معطلی یا گدام داری شروع شود. همچنان: به مصارف معطلی، توقیف و روزهای بیکاری مراجعه شود.</p>
<p>ب</p>	
<p>WAYBILL: A carrier's document listing goods being carried, showing the point of origin, destination, consignor, consignee and transportation charges. see also: Airway bill, bill of lading, clean bill of lading</p>	<p>بارنامه: عبارت از سند اكمال کننده حاوی معلومات در مورد اجناسیکه انتقال داده میشود، با ارائه معلومات در مورد نقطه اصلی، منزل نهایی، فرستنده، گیرنده بار و مصارف ترانسپورته میباشد. همچنان: به بارنامه هوایی، بارنامه کشتی، سند تصفیه حساب بار کشتی مراجعه شود.</p>
<p>BILL OF LADING (BOL): A document which is an acknowledgement and a receipt, issued by a master of the ship as agent of the owner, for cargo received on board for shipment. Although not a contract of carriage in itself it serves as evidence of the same. Salient points incorporated in a bill of lading are: (a) the name of the shipper; (b) ship's name; (c) full description of cargo (unless it is bulk cargo) including markings, packing numbers, etc.; and (d) port of embarkation and of destination. A bill of lading is prepared in sets, usually of three originals. One copy is retained by the master of the ship, another by the shipper (forwarding agent) and the third is sent to the consignee enabling him to take delivery on arrival of goods. see also: Airway bill, Clean bill of lading, Waybill</p>	<p>بارنامه (BOL): سند تصدیق و رسید است که توسط آمرکشتی منحصیث نماینده مالک، در مقابل محموله دریافتی از بندرگاه صادر میشود. اگرچه یک قرارداد محموله به خودی خود منحصیث مدرک آن بکار نمی رود. نکات برجسته شامل دریک بارنامه عبارتند از: (الف) نام انتقال دهنده؛ (ب) نام کشتی (ج) توضیح مکمل در مورد محموله (مگر اینکه محموله بزرگ باشد) به شمول علامه گذاری، شماره های بسته بندی و غیره؛ و (د) بندر بارگیری و محل تحویل دهی. بارنامه به صورت دسته جمعی، معمولاً در سه کاپی اصلی آماده میشود. یک نقل آن توسط آمرکشتی، و دیگری توسط انتقال دهنده (نماینده حم و نقل) حفظ میشود و نقل سومی آن به کسیکه مسؤلیت تسلیم گیری را به عهده دارد جهت معلومات او بعد از رسیدن اجناس</p>

	<p>برای تحویلی فرستاده میشود. همچنان: به بارنامه هوایی، تصفیة بل بارگیری و بارنامه مراجعه شود.</p>
<p>MANIFEST: A detailed list of cargo being carried on board by a carrier (e.g. vessel or aircraft), including quantity, identifying marks, consignor and consignee of each item. This is made or signed by the captain of the vessel or aircraft. A copy is handed over to the customs. Copies of the manifest are also sent to the ship's agents at ports of call. see also: Consist</p>	<p>بارنامه (مانیفست): لست مفصل محموله که شامل مقدار، علامات تشخیص، ارسال کننده و گیرنده گان هر قلم از اموال که انتقال دهنده (مثلاً کشتی یا هواپیما)، آن را با خود دارد. این جدول معلومات توسط کپیتان کشتی یا پیلوت هواپیما ساخته و یا امضا میشود. کپی از آن به دفتر گمرکات تحویل داده می شود. کاپی های جدول معلومات همچنان به نماینده کشتی در بندرهای مورد نظر فرستاده می شود. همچنان: به محتوی مراجعه شود.</p>
<p>STRAIGHT BILL OF LADING: A non-negotiable bill of lading which provides that a shipment be delivered direct to the consignee named therein. The delivery of goods is not contingent on surrendering the bill of lading but only on its being produced by the consignee as means of identification. see also: Bill of lading, Clean bill of lading</p>	<p>بارنامه غیر قابل مذاکره: سند بارگیری غیر قابل مذاکره برای یک محموله ایکه باید به گیرنده بار به صورت مستقیم تحویل داده شود، میباشد. تحویل اجناس در بارنامه تسلیمی شامل نمی باشد مگر صرف به منظور تولید آن توسط تسلیم گیرنده منحصراً وسیله تشخیص می باشد. همچنان: به بارنامه و بارنامه بی قید و شرط مراجعه شود.</p>
<p>BUYER'S MARKET: A "buyer's market" is said to exist when supply exceeds demand so that goods can easily be secured and when the procuring entity can exert some pressure on prices and acquire economies in purchase.</p>	<p>بازار مشتری: بازار مشتری زمانی وجود داشته باشد که تقاضای اكمال به اندازه زیاد میشود که اجناس به آسانی تامین و قتیکه اداره تدارکاتی بتواند یک اندازه فشار بالای قیم آورده و استفاده درست و اقتصادی را از خریداری نموده بتواند.</p>
<p>TENDER OPENING: see Bid Opening</p>	<p>بازگشایی داوطلبی: به بازگشایی آفرها مراجعه شود</p>
<p>CLASSIFICATION CLAUSE: A clause in a cargo insurance contract which lays down the minimum class of vessel required to carry the insured goods. Use of a vessel below the specified class entails additional premium towards insurance</p>	<p>بخش مربوط به دسته بندی: قسمتی از قرارداد بیمه محموله می باشد که حداقل غرغه لازم کشتی برای انتقال اجناس بیمه شده را تعیین مینماید. استفاده یک کشتی پائین از کلاس مشخصه شامل وثیقه اضافی به جانب بیمه میشود.</p>
<p>WITHOUT ENGAGEMENT: A phrase incorporated by a bidder in his quotation indicative of no commitment to accept a contract at the price quoted; a safeguard against prices rising between the time of giving the bid/ offer and the contract being placed.</p>	<p>بدون تعهد: عبارتی است که توسط یک داوطلب در سند نرخ خود بدون بیان تعهد به قبول قرارداد به قیمت نرخ داده شده درج شده است؛ محافظت در مقابل قیم بالاشده میان زمان ارائه آفر و قرارداد، می باشد.</p>
<p>COST ESTIMATE: A cost estimate prepared by the technical and commercial departments of the procuring entity for goods, works or services which provides a bench mark or a basis for evaluation and/ or negotiations when bids/ offers are received from bidders. It also serves as an instrument of project planning and budgeting.</p>	<p>برآورد تخمینی قیمت: برآورد ابتدائی می باشد که توسط ریاستهای تخنیکی و تجارتي اداره تدارکاتی جهت تهیه اجناس، تدارک امور ساختمانی یا خدمات که بر اساس ارزیابی ویا مذاکرات در هنگام دریافت آفرها از داوطلبان صورت میگیرد. این برآورد همچنان منحصراً سند پلان گذاری و تخصیص بودجه نیز بکار میرود.</p>
<p>ASSESSOR: A person who is appointed or designated to estimate the value of goods for the purpose of apportioning the sum payable in the settlement of an</p>	<p>بررسی کننده: شخصی است که به منظور برآورد ابتدائی قیمت اجناس جهت تقسیم مبلغ قابل پرداخت به اقساط بیمه</p>

insurance or any other claim.	یا سایر مطالبات، تعیین میشود.
REVIEW BOARD10: Refers to the three-person Board appointed by the Chairman of the Administrative Review Committee from among the members of the Administrative Review Committee pursuant to the Provisions of article 72.1 & article 72.2 public procurement Law (as amended January, 2009) for the purposes of considering and deciding upon individual applications for review that are brought before the Administrative Review Committee.	بورده تجدید نظر: عبارت از سه نفر اشخاصی میباشد که توسط شخص رئیس کمیته اداری بررسی از میان اعضای این کمیته مطابق فقره (1 و 2) تعدیل شده ماده هفتاد و دوم (72) قانون تدارکات عامه به منظور رسیده گی و اتخاذ تصمیم در مورد عرایض اشخاص که به منظور تجدید نظر به کمیته ارائه میگردد، می باشد.
KNOCKED DOWN (CKD): Articles procured as parts and in unassembled form and referred to as in knocked down condition.	به هم ریخته (CKD): عبارت از موادیکه به شکل بخش ها و یا پراکنده تهیه و منحصیث مواد به هم ریخته دانسته میشود.
OPEN POLICY: A cargo insurance policy designed to cover all consignments forwarded by the assured subject to a limit in any one vessel and, usually, a time limit during which declarations must attach. Unlike the floating policy it does not have an aggregate limit, but the underwriter can invoke a cancellation clause if he wishes to withdraw cover. see: Floating policy	بیمه نامه باز: عبارت از بیمه نامه طرح شده توسط بیمه گذار جهت تحت پوشش قرار دادن تمام اجناس پیشنهادی بادر نظر داشت حدود در هر یک کشتی و معمولاً محدوده زمانی که در آن اظهارنامه باید ضمیمه گردد، می باشد. برخلاف بیمه نامه دریایی این بیمه نامه یک حدود مجموعی ندارد، اما متعهد می تواند در صورت انصراف از بیمه، احکامی را در ارتباط به فسخ مطالبه نماید. همچنان: به بیمه نامه دریایی مراجعه شود.
VALUED POLICY: An insurance policy which in the event of total loss, pays out the sum insured irrespective of the value of the policy.	بیمه نامه با قیمت معین: عبارت از سندی می باشد که مبنی بر آن در موقع خساره مجموعی، مبلغ بیمه شده بدون در نظر داشت قیمت پرداخت می گردد.
FLOATING POLICY: Is a cargo insurance policy similar to an open cover. It is issued with a sum insured to cover a number of consignments on a running basis. As and when a consignment is made and declared the valuation in the policy is reduced by the value of the goods until the value of the policy is exhausted. see also: Open policy	بیمه نامه متغیر: عبارت از بیمه نامه محموله دریایی مشابه بیمه نامه باز میباشد. این بیمه نامه حاوی مبلغ بیمه شده که تعدادی از مرسوله ها را به صورت دوامدار تحت پوشش قرار دهد، صادر میگردد. همزمان با اینکه چگونه و چه زمان یک مرسوله آماده و نرخ آن در بیمه نام ذکر میگردد، توسط قیمت اجناس تازمانیکه مبلغ بیمه تمام می شود، کسر میگردد. همچنان: به بیمه نامه باز مراجعه شود
OPEN COVER: Standard arrangement by an exporter with his marine insurer, whereby all his shipments are automatically insured. By agreement, whereas the assured is obliged to inform the insurer of all his shipments the latter insures all those shipments. The arrangement may be cancelled by a notice period as provided for in the policy.	بیمه نامه باز: ترتیبات معیاری توسط یک صادرکننده با بیمه کشتی خود، که تمام محموله ها را به صورت اتوماتیک بیمه مینماید، میباشد. طبق این موافقتنامه، بیمه شده مکلف به اطلاع دادن بیمه کننده در مورد تمام محموله های خود که بعدی تمام آن محموله ها را بیمه مینماید. این ترتیبات با دادن آگهی طبق مندرجات پالیسی لغو شده میتواند.
پ	
PAYMENT: The contractually agreed equivalent to the	پرداخت: معادل موافقه شده اجناس، امور ساختمانی و

<p>goods, works and/ or services supplied by the supplier, provided by the procuring entity usually in terms of money. Payment can be done in stages: advance payment, progress payments, final payment; upon evidence (presentation of vouchers) or as a lump sum or on the basis of an agreed rate per unit multiplied with the number of units justified. see also: Advance payment, Cash on delivery (COD), Cash with order, Progress payments, Terms of payment</p>	<p>خدمات اكمال شده توسط قراردادى، كه معمولاً به شكل پول توسط اداره تداركاتى فراهم میگردد. پرداخت ها طور مرحله وار صورت گرفته میتواند، مثلاً پرداخت پیشكى، پرداخت های پیشرفت كار، پرداخت نهایی؛ بعد از ارائه اسناد (صورت حساب ها) یا به شكل پرداخت بالمقطع یا براساس نرخ فی واحد ضرب شده در تعداد واحدهای تعدیل شده كه بالای آن موافقه صورت گرفته است. همچنان: به پیش پرداخت، پول نقد درمقابل تحویلی، حواله پول نقد، پرداخت های پیشرفت كار و شرایط پرداخت مراجعه شود.</p>
<p>PROGRESS PAYMENTS: Periodic payments, in advance of delivery or completion of the full contract. Such payments are usually linked, contractually, to different stages in the manufacturing process of a product (equipment) and civil construction or the services rendered. see also: Advance payment, Cash on delivery (COD), Cash with order, Payment</p>	<p>پرداخت های پیشرفت كار: عبارت از تادیات دوره یی قبل از تحویلی یا تکمیل مکمل قرارداد میباشد. همچون پرداخت هاعمولاً طبق قرارداد با مراحل مختلف ساخت یا تولید (تجهیزات) امورساختمانی یا خدمات عرضه شده میباشد. همچنان: به پیش پرداخت، پول نقد در موقع تحویلی، حواله پول نقد و پرداخت مراجعه شود.</p>
<p>EARNEST MONEY: A sum of money given by one contracting party to another on entering into the contract, to be forfeited by the giver if he fails to carry out his obligations under the contract. see also: Performance security</p>	<p>پول بیعانه: پولیکه توسط یک قراردادى به جانب دیگر به منظور عقد قرارداد، كه درصورت عدم موفقیت پول دهنده در اجرای مکلفیت ها، مبلغ مذکور طبق قرارداد ضبط میگردد. همچنان: به تامین اجرا مراجعه شود</p>
<p>CASH AGAINST DOCUMENTS (CAD): INCOTERMS, means that the documents which will enable a consignee to get delivery of his goods (such as a bill of lading) are handed over to him only when he has paid for the goods. In international trade, when the contract stipulates that payment be made before goods are released, the commercial practice is to send the bill of lading and/ or other documents to a bank (located in the consignee's country) with instructions to release the documents only when payment has been made. see also: Incoterms</p>	<p>پول در مقابل اسناد (CAD): اینکوترمز: اسناد (مانند بارنامه) گیرنده بار را برای تحویل گیری اجناس قادر ساخته، صرف زمانیکه پول اجناس را پرداخت نموده باشد، به او تحویل داده می شود. درتجارت بین المللی، هرگاه در قرارداد تصریح شده باشد كه پرداخت قبل از اینکه اجناس تحویل داده شود صورت میگردد، عملکرد تجارتي ایجاب می نماید كه سند بارگیری ویا سایر اسناد به بانكى كه (دركشورگیرنده بارموقعیت دارد) با توضیح این مطلب كه این اسناد صرف درصورتی ترخیص می شوند كه پرداخت صورت گرفته باشد. همچنان: به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت بین المللی مراجعه شود</p>
<p>CASH ON DELIVERY (COD): The expression stipulates that payment is to be made before delivery of goods. In other words the carrier will not release goods unless there is evidence that payment has been effected or else the payment is made to the carrier at the time of delivery (e.g. to the post office when collecting the consignment). see also: Advance payment, cash with order, Payment, Progress payment</p>	<p>پول نقد در موقع تحویلی (COD): در این اظهارنامه تصریح میگردد كه پرداخت باید قبل از تحویلی اجناس صورت گیرد. به عباره دیگر انتقال دهنده اجناس را تحویل نمی دهد مگر اینکه مدرک دال بر اینکه پرداخت قابل اجرا ویا در هنگام تحویلی (مثلاً درپسته خانه در هنگام جمع آوری محموله) صورت میگردد، وجود داشته باشد. همچنان: به پیش پرداخت، حواله نقدی،</p>

<p>ADVANCE PAYMENT: A payment to a supplier in case of a major infrastructure or an industrial project or a longterm arrangement, either to enable the supplier to procure materials for fabrication and to meet his other costs or in token of the sheer ability of the supplier to exert his selling power. In either case such payments would always be as per terms and conditions of contract. Advance payments are to be distinguished from progress payments which are related to contract performance. Normally advance payments are secured by bonds/ guarantees for the same amount on behalf of the supplier. see also: Cash on delivery, Cash with order (COD), Payment, Progress payments</p>	<p>پرداخت و پرداخت پیشرفت کار مراجعه شود. پیش پرداخت: پرداخت پول به اكمال کننده در صورت قرارداد زیربناها یا پروژه های عمده ویا ترتیبات درازمدت، به منظور قادر ساختن موصوف درجهت پرداخت ها و تهیه مواد برای ساخت و یا سایر مصارف از قبیل تادیات تعرفه وی قابل پرداخت که توسط وی صورت میگیرد. در هر یک از دو حالت، همچون تادیات باید همیشه طبق شرایط قرارداد صورت گیرد. پیش پرداخت ها باید از پرداخت های پیشرفت کار که مربوط به اجراءات میباشند، تفکیک شوند معمولاً پیش پرداخت ها با عین مبلغ به شکل ضمانت نامه یا تضمینات توسط اكمال کننده تامین میشوند. همچنان: به پول نقد در موقع تحویلی، پول نقد به شکل حواله، پرداخت و پرداخت های پیشرفت کار مراجعه شود.</p>
<p>SHORT SALE: The sale of a commodity for future delivery which the supplier does not possess but intends to purchase prior to the required delivery date, expecting that the market price will be no higher or will decline during the intervening period.</p>	<p>پیش فروش: فروش اجناس برای تحویلی در آینده که اكمال کننده مالک آن نبوده مگر قصد دارد تا قبل از تاریخ تحویلی، با داشتن این انتظار که قیمت ها در بازار بلندتر ویا در مدت وقفه نازلتر خواهد شد، خریداری نماید.</p>
<p>MARKET LEADER: Brand and/ or product with the largest market share. Often refers to the company producing and marketing the brand/ product concerned. see also: Price leadership</p>	<p>پیشقدم در بازار: علامت ویا محصول دارای سهم بزرگ در بازار. اکثر اوقات، به شرکت تولید کننده و نشان بازاری محصول مربوط اطلاق میشود. همچنان: نرخ پیشتاز مراجعه شود.</p>
<p>DRAFT CONTRACT: A contract specimen filled in and signed by the bidder and submitted to the procuring entity as part of his bid. see also: Bid, Offer</p>	<p>پیش نویس قرارداد: سند نمونوی قرارداد توسط داوطلب که منحیت بخشی از آفر خود به اداره تدارکاتی خانه پری و ارائه شده است، میباشد. همچنان: به آفر مراجعه شود.</p>
<p>PROPOSAL: see Bid, Offer, Quotation</p>	<p>پیشنهاد: به آفر، نرخگیری مراجعه شود</p>
<p>FOLLOW-UP: In procurement, to monitor the implementation of the contract and to take necessary action if warranted. see also: Contract scheduling, Expedite</p>	<p>پیگیری: در تدارکات، نظارت از اجرای قرارداد و اقدام ضروری در زمینه در صورتیکه تضمین شده باشد. همچنان: به جدول اجرای قرارداد و تسریع کردن مراجعه شود.</p>
<h2>ت</h2>	
<p>COMMODITY EXCHANGE: Specialised markets in which titles to ownership of commodities are freely traded. Physical exchange of commodities in general does not take place, although samples of these may be examined. Many of the well organised exchanges now provide for both spot as well as futures trading. Bids/ offers for these commodities might not show prices but only the percentage of the surplus asked for by the</p>	<p>تبادلۀ اجناس: بازارهای خاص میباشند که در آنها عناوین مالکیت اجناس آزادانه تجارت میشوند. اگرچه نمونه های از اجناس مورد آزمایش قرار گرفته میتواند، اما تبادلۀ فزیکتی اجناس به صورت عموم صورت نمی گیرد. بسیاری از تبدالات خوب تنظیم شده در حال حاضر برای هردو نقطه و تجارت در آینده حاوی احکام می باشد. آفرهای این امتعه نباید نرخ ها را نشان دهد اما صرف</p>

<p>bidders on top of the market price fixed on the day the contract comes into effect. see also: Futures, Spot purchase</p>	<p>فیصدی اضافی تقاضا شده توسط داوطلبان به قیمت تعیین شده بازار که در روز عقد قرارداد تعیین شده است را نشان میدهد. همچنان: به آینده و خریداری مکان مراجعه شود.</p>
<p>COLLUSIVE PRACTICE: defines a scheme or arrangement between two or more bidders, with or without the knowledge of the Purchaser, designed to establish bid prices at artificial, non-competitive levels.</p>	<p>تبانی¹⁰: سازش میان دو یا بیشتر اشخاص با و یا بدون آگاهی فرمایش دهنده جهت تعیین نرخ های ساختگی آفر طور غیر رقابتی طرح ریزی شده باشد.</p>
<p>COUNTER-TRADE: A trade arrangement in which import obligations are generally cleared in goods without the use of monetary and banking instruments of exchange in whole or part of the transaction.</p>	<p>تجارت متقابل: تزییبات تجارتي که در آن مکلفیت های وارداتی در اجناس عموماً بدون استفاده از وجوه پولی و اسناد بانکی تبادل معاملات در کل یا قسماً تصفیه میشود.</p>
<p>REORDER POINT STOCK: A pre-specified stock quantity level of an item in a store at which requisition action is initiated to avoid stock out. see also: Order point control</p>	<p>تجدید اكمال گدام: سطح مقدار از قبل تعیین شده گدام یک جنس در ذخیره گاه که اقدام عملی خریداری جهت اجتناب از خالی ماندن ذخیره صورت میگیرد. همچنان: به کنترل نقطه فرمایش مراجعه شود.</p>
<p>PRICE REVISION: A provision in a contract for prices of products (usually a piece of equipment to be fabricated) or services to be increased or decreased if the costs of materials to be used (or the wages of labour) increase or decrease during the period of delivery. Generally, the contracts incorporate a formula for such price adjustments. A civil construction contract usually links wage costs of unskilled workers to any changes in a minimum wage laws or union wage settlements. see also: Composite price index</p>	<p>تجدید نظر در قیمت: احکام مندرج در یک قرارداد برای نرخ تولیدات (عمولاً قطعه ای از تجهیزات که ساخته میشود) یا خدمات افزون یا کسر شده در صورتیکه قیمت مواد قابل استفاده (یادست مزد یک کارگر) در جریان مدت تحویلی افزایش یا کاهش یابد، می باشد عموماً، در قراردادهای یک فورمول برای همچو تعدیل قیمت درج می باشند. یک قرارداد ساختمانی معمولاً مصارف دست مزد کارگران بی تجربه را در جهت هر نوع تغییرات در حد اقل قوانین معاشات یا پرداخت معاشات ارتباط میدهد. همچنان: به فهرست قیمت مرکب مراجعه شود.</p>
<p>EQUIPMENT: see Goods</p>	<p>تجهیزات: به اجناس مراجعه شود</p>
<p>IN BOND: Goods on which import duty has not been paid are held in warehouses supervised by customs officials till such time the duty is paid or goods are reexported, or otherwise dealt with as directed by the authorities. see also: Airway bill, Bonded warehouse, Clearance of goods, Waybill</p>	<p>تحت تضمین: اجناسیکه مالیات وارداتی آن پرداخت نشده و یا تحت نظر کارمندان ریاست گمرکات تا زمانیکه مکلفیت های وارداتی آن تأدیه یا اجناس دوباره صادر میگردند، یا به عباره دیگر طبق هدایت مقامات مربوطه بآنها معامله صورت گیرد، در تحویلخانه یا گدام نگهداری می شود. همچنان: به سند انتقالات هوایی، تحویلخانه های تحت تضمین، تصفیه حساب های اجناس و بارنامه ها مراجعه شود.</p>
<p>ANALYSIS OF BIDS/ OFFERS: The tabulation and evaluation of bids/ offers submitted by bidders and to reduce these to a comparable basis so as to facilitate comparison and enable the procuring entity to select the best bid/ offer. see also: Bid evaluation, Life-cycle costing, Tabulation</p>	<p>تحلیل و تجزیه آفرها: جدول بندی و ارزیابی آفرهای ارائه شده توسط داوطلبان و کم ساختن آنها به منظور سهولت در اجرای مقایسه آنها و قادر ساختن اداره تدارکاتی در انتخاب بهترین آفر میباشد. همچنان: به ارزیابی آفرها، مصارف کارایی و جدول بندی</p>

of bids/ offers	آفر هامر ارجعه شود.
<p>NETWORK ANALYSIS: Breaking down a complex project into a series of activities, arranging these with precedence ordering, putting against each of the activities the estimated completion time and depicting the sequence on a diagram to facilitate the identification of inter-relationships and critical areas of activity a delay in any one of which is likely to delay the implementation of the project. It is a technique of contract monitoring and administration.</p>	<p>تحليل وتجزیه شبکه ارتباطی: طبقه بندی یک پروژه پیچیده به تعدادی از فعالیت ها با در نظر داشت تقدم ترتیب، با گذاشتن در مقابل هریک از این فعالیت ها، میعاد تخمینی تکمیل و ترسیم مراحل آن در یک نما به منظور سهل سازی تشخیص روابط بین هم و ساحات حساس فعالیت، تاخیر احتمالی در هریک از آنها که باعث تاخیر در اجرای پروژه شود، میباشد. این یک تخنیک نظارت و اداره یک قرارداد میباشد.</p>
<p>VALUE ANALYSIS: Is a systematic examination and analysis of the cost of each component or constituent part of a product (including raw materials used, finish, packaging, etc.) which can be eliminated without impairing its capacity to satisfy the intended need or use.</p>	<p>تحليل وتجزیه قیمت: امتحان و تحلیل قیمت هریک جزء یا قسمت اساسی یک محصول (به شمول مواد خام استفاده، دست کاری، بسته بندی شده و غیره) که می تواند بدون ضرر به ظرفیت جهت برآورده ساختن ضرورت یا استفاده مورد نظر از بین برده شود.</p>
<p>ECONOMIC ANALYSIS: In purchasing, it refers to economic evaluation of offers, particularly in case of capital equipment of high value, where different bidders may offer different payment and/ or financing terms with an impact on the total cost of acquisition. Also refers to evaluation of when and how much to buy taking into account the level of inventories, the likely demand, ordering and holding costs as well as the present and the likely international market situation.</p>	<p>تحليل اقتصادی: در مراحل خریداری، این اصطلاح به معنی ارزیابی اقتصادی آفرها به خصوص در تجهیزات عمده دارای قیمت بلند، که داوطلبان مختلف میتوانند پرداخت ها و یا شرایط مالی مختلف را که بالای قیمت مجموعی خریداری اثرگذار باشد پیشکش نمایند. همچنان: ارزیابی اینکه چه وقت، چطور و چه مقدار خریداری بادر نظر داشت سطح موجودی، تقاضای احتمالی، امر و نگهداشت مصارف و وضعیت احتمالی بازار بین المللی میباشد.</p>
<p>MARKET ANALYSIS: Information required to make an assessment of market conditions such as demand and supply conditions, prices, discounts, etc., to enable a procuring entity to make the right purchase decision. Besides information through formal channels or a survey it also includes information through informal channels such as agents, other buyers, etc. see also: Sourcing</p>	<p>تحليل بازار: معلومات لازم به منظور راه اندازی بررسی شرایط بازار مانند تقاضا و شرایط اکمالات، قیمت، تخفیفات، و غیره جهت قادر ساختن اداره تدارکاتی در اتخاذ تصمیم درست برای خریداری می باشد. علاوه بر معلومات از طریق چینل یا نهاد های رسمی یا سروی آن همچنان شامل معلومات از طریق چینل های نهاد های غیررسمی مانند نماینده گان، خریدار های دیگر، و غیره میباشد. همچنان: به منبع مراجعه شود.</p>
<p>DES: see Delivered ex ship</p>	<p>تحویلی از کشتی (DES): به تحویل از کشتی مراجعه شود.</p>
<p>DELIVERED EX SHIP (DES): INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been made available to the procuring entity on board the ship uncleared for import at the named port of destination. The supplier has to bear all the costs and risks involved in bringing the goods to the named port of destination. This term can only be used for sea or inland waterway transport.</p>	<p>تحویلی از کشتی (DES): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت (اینکوترمز) واضح میسازد که اکمال کننده مکلفیت های خود در قبال تحویلی اجناس را، هنگامیکه اجناس برای اداره تدارکاتی در کشتی موجود و بدون اینکه مالیات وارداتی در بندر مورد نظر تضافیه شده باشد، تکمیل نموده است. این اکمال کننده باید تمام</p>

<p>see also: Incoterms</p>	<p>مصارف و خطرات شامل در انتقال اجناس را تا بندر نامگذاری شده مورد نظر بپذیرد. این اصطلاح صرف برای انتقالات زمینی و دریایی استفاده شده میتواند. همچنان: به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت بین المللی مراجعه شود</p>
<p>DELIVERED DUTY UNPAID (DDU): INCOTERM, defines that supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been made available at the named place in the country of importation. The supplier has to bear the costs and risks involved in bringing the goods thereto (excluding duties, taxes and other official charges payable upon importation as well as the costs and risks of carrying out customs formalities). The procuring entity has to pay any additional costs and to bear any risks caused by his failure to clear the goods for import in time. If the parties wish the supplier to carry out customs formalities and bear the costs and risks resulting thereof, this has to be made clear by adding words to this effect. If the parties wish to include in the supplier's obligations some of the costs payable upon importation of the goods (such as value added tax (VAT)), this should be made clear by adding words to this effect: Delivered duty unpaid, VAT paid, [name place of destination]. This term may be used irrespective of the mode of transport. see also: Incoterms</p>	<p>تحويل بدون پرداخت مالیات (DDU): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت (اینکوترمز) واضح میسازد که اكمال کننده مكلفیت های خویش در قبال تحويل اجناس را زمانی تکمیل می نماید که در محل مورد نظر کشوریکه وارد میشود رسانیده باشد. اكمال کننده باید مصارف و خطرهای شامل در انتقال اجناس تا آنجا را به استثنای پرداخت مالیات گمرک، مالیات و سایر مصارف رسمی قابل پرداخت بعد از ورود و مصارف و خطرهای انتقالات و مكلفیت های پرداخت مالیات گمرکی بپذیرد. اداره تدارکاتی مسؤلیت پرداخت تمام مصارف اضافی را بر عهده داشته و وقوع تمام خطرها در اثر عدم موفقیت او برای تصفیة به موقع اجناس وارداتی را نیز بر عهده دارد. در صورتیکه طرفین خواهان این باشند که تهیه کننده باید مسؤلیت های پرداخت گمرکی را بر عهده بگیرد و مصارف و خطرهای ناشی از آن را متحمل شود، این موضوع باید با علاوه نمودن همچو عبارات واضح ساخته شود. در صورتیکه جانبین خواهان این باشند که بعضی از مصارف قابل پرداخت بعد از ورود اجناس مانند مالیات شامل در قیمت اكمال کننده علاوه شود، این (VAT) اضافه شده به مالیات باید با علاوه نمودن عباراتی همچون: تحويلی بدون پذیرش مالیات، VAT پرداخت مكلفیت های پرداخت گمرکی، پرداخت مقصود، واضح ساخته شود. این اصطلاح بدون در نظر داشت شیوة انتقالات استفاده شده می تواند. همچنان: به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود</p>
<p>DDU: see Delivered duty unpaid</p>	<p>تحويل پس از پرداخت مالیات گمرک (DDU): به تحويلی بدون پرداخت مالیات گمرک مراجعه شود.</p>
<p>DDP: see Delivered duty paid</p>	<p>تحويلی پس از پرداخت عوارض مربوطه (DDP): به تحويلی پس از پرداخت مالیات گمرکی مراجعه شود.</p>
<p>DELIVERED DUTY PAID (DDP): INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been made available at the named place in the country of importation. The supplier has to bear the risks and costs, including duties, taxes and other charges of delivering the goods thereto, cleared for importation. Whilst the EXW term represents the</p>	<p>تحويل پس از پرداخت حقوق گمرکی (DDP): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت واضح میسازد که اكمال کننده زمانی مكلفیت های خود در قبال تحويل اجناس را تکمیل می نماید که در محل معینه در کشور وارد شونده رسانیده شده باشد. اكمال کننده باید تمام خطرها و مصارف مانند پرداخت مالیات گمرک، سایر مالیات و پرداخت های</p>

<p>minimum obligation for the supplier; DDP represents the maximum obligation. This term should not be used if the supplier is unable directly or indirectly to obtain the import licence. If the parties wish the procuring entity to clear the goods for importation and to pay the duty, the term DDU should be used. If the parties wish to exclude from the supplier's obligations some of the costs payable upon importation of the goods (such as value added tax (VAT)), this should be made clear by adding words to this effect: Delivered duty paid, VAT unpaid [name place of destination]. This term may be used irrespective of the mode of transport. see also: Incoterms</p>	<p>قابل تادیه تا آنجا را بر عهده داشته باشد، در حالیکه شرایط (EXW) مبین حد اقل مکلفیت ها برای اكمال کننده می باشد. شرایط (DDP) مبین حد اکثر مکلفیت ها می باشد. در صورتیکه اكمال کننده توانایی بدست آوردن لیسنس یا اجازه نامه وارداتی را نداشته باشد، این شرایط نباید استفاده شود. هرگاه طرفین خواهان این باشند که اداره تدارکاتی باید اجناس وارداتی را تصفیه و مکلفیت پرداخت یا تحویلی بدون پرداخت حقوق را بر عهده بگیرد، شرایط DDU باید بکار برده شود. اگر طرفین خواهان خارج ساختن بعضی از مصارف قابل پرداخت بعد از ورود اجناس از سر جمع مکلفیت های اكمال کننده مانند مالیات شامل در قیمت (VAT) باشند، این موضوع باید با علاوه نمودن عبارات مانند: تحویل با پرداخت مالیات گمرک، مالیات شامل در قیمت، تحویل بدون پرداخت مالیات {محل مورد نظر} واضح ساخته شود. این شرایط بدون در نظر داشت روش انتقال استفاده شده می تواند. همچنان: به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>
<p>DEQ: see Delivered ex quay</p>	<p>تحویل دربندر (DEQ): به تحویلی دربندر مراجعه شود</p>
<p>DELIVERED EX QUAY (DUTY PAID) (DEQ): INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when he has made the goods available to the procuring entity on the quay (wharf) at the named port of destination, cleared for importation. The supplier has to bear all risks and costs including duties, taxes and other charges of delivering the goods thereto. This term should not be used if the supplier is unable directly or indirectly to obtain the import licence. If the parties wish the procuring entity to clear the goods for importation and pay the duty the words "duty unpaid" should be used instead of "duty paid". If the parties wish to exclude from the supplier's obligations some of the costs payable upon importation of the goods (such as value added tax (VAT)), this should be made clear by adding words to this effect: "Delivered ex quay, VAT unpaid [name port of destination]". This term can only be used for sea or inland waterway transport. see also: Incoterms</p>	<p>تحویل دربندر (DEQ): اینکوترمز، واضح میسازد که اكمال کننده زمانی مکلفیت های خود در قبال تحویل اجناس را انجام داده است که او این اجناس را در دسترس اداره تدارکاتی دربندر (لنگرگاه مورد نظر) رسانده و برای تصفیه آماده نموده است. این اكمال کننده تمام خطر ها و مصارف به شمول مکلفیت های پرداخت مالیات گمرکی، مالیات و سایر پرداخت های ناشی از تحویل اجناس تا آنجا را بپذیرد. در صورتیکه اكمال کننده توانایی آن رانداشته باشد که مستقیم و یا غیر مستقیم اجازه نامه ورود را بدست بیاورد، این شرایط نباید بکار برده شود. هرگاه طرفین خواهان این باشند که اداره تدارکاتی باید تصفیه حساب ورودی اجناس و مکلفیت های پرداخت گمرکی را بپذیرد، به عوض عبارت تحویل بدون پرداخت مالیات گمرک "عبارت" تحویلی با پرداخت مالیات گمرک استفاده شود. اگر طرفین خواهان آن باشند که بعضی از مصارف قابل پرداخت بعد از ورود اجناس از جمله مکلفیت های اكمال کننده مانند بهای مالیات را خارج سازند، این موضوع باید با علاوه کردن اضافه نمودن عبارات همچون "تحویل دربندر، (VAT) تحویل بدون پرداخت مالیات {محل مورد نظر} واضح ساخته شود. این شرایط صرف برای انتقالات دریایی و زمینی استفاده شود. همچنان: به قرارداد</p>

	<p>های بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>
<p>FOB: see Free on board</p>	<p>تحویلی در کشتی (FOB): به تحویلی در کشتی مراجعه شود</p>
<p>FREE ON BOARD (FOB): INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have passed over the ship's rail at the named port of shipment. This defines that the procuring entity has to bear all costs and risks of loss of or damage to the goods from that point. The FOB term requires the supplier to clear the goods for export. This term can only be used for sea or inland waterway transport. When the ship's rail serves no practical purpose, such as in the case of roll-on/ roll-off or container traffic, the FCA term is more appropriate to use. see also: Incoterms</p>	<p>تحویلی در کشتی (FOB): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت واضح میسازد که تهیه کننده مکلفیت های خویش در قبال تحویلی اجناس را زمانیکه در نقطه نامگذاری شده در بندرگاه کشتی یا قطار رسید تکمیل می نماید. این شرایط بیان میدارد که اداره تدارکاتی باید تمام مصارف و خطرات مفقودی یا خساره اجناس از آن نقطه ببعد را متحمل می شود. طبق شرایط تحویلی در کشتی، تصفیه اجناس برای صادر کردن بر عهده اکمال کننده میباشد. از این شرایط صرف در انتقالات دریایی و یا زمینی استفاده میشود. زمانیکه قطار کشتی هدف عملی، مثلاً در صورت غلط خوردن یا ازدحام کانتینر را نداشته باشد، شرایط تحویل به انتقال دهنده FCA برای استفاده بسیار مناسب میباشد. همچنان: به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>
<p>FREE ALONGSIDE SHIP (FAS): INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been placed alongside the vessel on the quay or in lighters at the named port of shipment. This defines that the procuring entity has to bear all costs and risks of loss of or damage to the goods from that moment. The FAS term requires the procuring entity to clear the goods for export. It should not be used when the procuring entity cannot carry out directly or indirectly the export formalities. This term can only be used for sea or inland waterway transport. see also: Incoterms</p>	<p>تحویل در کنار کشتی (FAS): شرایط بین المللی واضح میسازد که اکمال کننده مکلفیت های خود در قبال تحویلی اجناس زمانی تکمیل می نماید که نزدیک کشتی در ساحل یا در قایق های باربری در بندر نامگذاری شده برای بارگیری برساند. این شرایط واضح میسازد که اداره تدارکاتی تمام مصارف و خطر مفقودی یا خساره اجناس را سر از همان لحظه خود متحمل می شود. طبق این شرایط، اداره تدارکاتی باید تصفیه حساب صادراتی اجناس را ادا نماید. این شرایط در صورتیکه اداره تدارکاتی نتواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم رسمیات صادراتی را انجام دهد، نباید استفاده شود. این اصطلاح صرف در انتقالات یا ترانسپورت های زمینی و دریایی قابل استفاده میباشد.</p>
<p>DAF: see Delivered at frontier</p>	<p>تحویلی در مرز DAF: به تحویلی در مرز مراجعه شود</p>
<p>DELIVERED AT FRONTIER (DAF): INCOTERM, defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when the goods have been made available and cleared for export, at the named point and place at the frontier, but before the customs border of the adjoining country. The term frontier may be used for any frontier including that of the country of export. Therefore, it is of vital importance that the frontier in question be defined precisely by always naming the point and place in the term. The term is primarily intended to be used</p>	<p>تحویلی در مرز (DAF): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت (اینکو ترمز) واضح میسازد که اکمال کننده مکلفیت های خود در قبال تصفیه تحویلی اجناس را زمانی تکمیل می نماید که قابل دسترس و آماده برای صدور به نقطه یا محل تعیین شده در سرحد، اما در مقابل سرحد گمرکی کشوری که به آن مواصلت میوزد، قرارداد شده باشد. اصطلاح سرحد برای هر نوع سرحد به شمول سرحد کشوری که صادرات از آن صورت میگیرد، استفاده شده میتواند. به همین منظور، این</p>

<p>when goods are to be carried by rail or road, but it may be used for any mode of transport. see also: Incoterms</p>	<p>موضوع بسیار مهم است که سرحد مورد نظر به صورت دقیق با علاوه نمودن نام نقطه یا جاییکه به آن انتقال میابد، واضح ساخته شود. این اصطلاح نخست از همه برای انتقال اجناس از طریق قطاریاسرک قابل استفاده بوده، اما برای تمام راه های انتقالاتی استفاده شده میتواند. همچنان : به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>
<p>EX WORKS (EXW): INCOTERM defines that the supplier fulfils his obligation to deliver when he has made the goods available at his premises (i.e. works, factory, warehouse, etc.) to the procuring entity. In particular, he is not responsible for loading the goods on the vehicle provided by the procuring entity or for clearing the goods for export, unless otherwise agreed. The procuring entity bears all costs and risks involved in taking the goods from the supplier's premises to the desired destination. This term thus represents the minimum obligation for the supplier. This term should not be used when the procuring entity cannot carry out directly or indirectly the export formalities. In such circumstances, the FCA term should be used. see also: Incoterms</p>	<p>تحويل در محل کار (EXW): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت (اینکوترمز) واضح میسازد که اكمال کننده زمانی مکلفیت های خود درقبال تحويلی اجناس (مثال :امور ساختمانی، کارخانه، تحویلخانه یاگدام، و غیره) را برای اداره تدارکاتی در محوطه خود آماده دسترسی نموده باشد، تکمیل می نماید. علی الخصوص، مسؤلیت بارگیری اجناس درموتور را که اداره تدارکاتی آماده نموده ویا تصفیه حساب اجناس برای صادرات بر عهده او نمی باشد، مگر اینکه طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد. اداره تدارکاتی تمام مصارف و خطرهای ناشی از انتقال اجناس از محوطه اكمال کننده به محل تعیین شده برای تخلیه را خود متحمل میشود. این شرایط همچنان حد اقل مکلفیت ها برای اكمال کننده را پیشنهاد مینماید. این شرایط در صورتیکه اداره تدارکاتی نتواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مسؤلیت های رسمی صادراتی را انجام دهد، نباید استفاده شود. در همچو حالات، باید شرایط FCA مورد استفاده قرار گیرد. همچنان :به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>
<p>PHASED DELIVERIES: Scheduling shipments of material or supplies at specific intervals of time as per contract terms.</p>	<p>تحويلی های مرحله وار : جدول بندی محموله مواد یا اكمالات دروقفه های مشخص از میعاد منحیث شرایط قرارداد میباشد.</p>
<p>REBATE: A sum of money abated by the bidder to a procuring entity in consideration of the purchase of a stipulated quantity or value of goods within a stated period. see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, Quantity discount, Trade discount</p>	<p>تخفیف: مبلغیکه با در نظر داشت خریداری مقدار تصریح یا ارزش اجناس در مدت ذکر شده از طرف داوطلب به اداره تدارکاتی تخفیف داده می شود. همچنان : به تخفیف نقدی، تخفیف پنهانی، تخفیف، تخفیف کمی و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>
<p>DISCOUNT: Price deduction granted by the supplier to the procuring entity, usually when certain stipulated conditions are met by the procuring entity such as prompt payment, bulk order quantity, etc. Discounts are also granted by a supplier on nominal list prices which may vary from one procuring entity to another because of order size, payment terms, relationship or as an element of marketing strategy of the supplier.</p>	<p>تخفیف : تخفیف قیمت پیشنهادی از جانب تهیه کننده، معمولاً زمانیکه با شرایط معین تصریح شده مانند پرداخت های فوری، امر خریداری های عمده و غیره، از جانب اداره تدارکاتی مطابقت داشته باشد. تخفیفات توسط اكمال کننده در لست جزئی نرخ ها که از یک اداره تدارکاتی تا اداره تدارکاتی دیگر به خاطر مقدار امر خریداری، شرایط پرداخت، روابط یا</p>

<p>see also: Cash discount, Quantity discount, Concealed discount, List price, Price discrimination, Rebate, Trade discount</p>	<p>منحیث یک عنصر استراتژیکی بازار اكمال کننده تفاوت داشته باشد، نیز صورت میگیرد. همچنان: به تخفیف در پول نقد، تخفیف در مقدار، تخفیف لغو شده، جدول نرخ ها، کاهش و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>
<p>CASH DISCOUNT: Reduction, usually expressed as a percentage, of the price of a product, or to the amount of a bill, if payment is made in cash or promptly or within a specified period of time. see also: Discount, Quantity discount, Concealed discount, List price, Price discrimination, Rebate, Trade discount</p>	<p>تخفیف پول نقد: در صورتیکه پرداخت به پول نقد یا به صورت فوری یا در مدت مشخص انجام شود، تخفیف معمولاً با فیصدی قیمت تولید یا مبلغ بل مصرفی بیان میشود. همچنان: به تخفیف، تخفیف در مقدار، تخفیف لغو شده، نرخنامه، تفاوت نرخ ها، کم کردن و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>
<p>TRADE DISCOUNT: A percentage deduction from an established price for goods (percentage often varying in accordance with volume of transaction), made by the supplier to others in the distribution chain (stockists, wholesalers, retailers, etc.). see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, List price, Price discrimination, Quantity discount, Rebate</p>	<p>تخفیف تجارتي: تخفیف فیصدی از قیمت تعیین شده برای اجناس (بسیاری اوقات فیصدی در مطابقت با حجم معاملات تغییر میکند)، توسط اكمال کننده به دیگران در زنجیره توزیع (لست ذخیره، عمده فروشان، پرچون فروشان، و غیره) میباشد. همچنان: به تخفیف پول نقد، تخفیف لغو شده، تخفیف، فهرست قیمت، تفاوت قیمت، تخفیف کمیت، و کم کردن مراجعه شود.</p>
<p>QUANTITY DISCOUNT: A price reduction granted by a bidder linked to the quantity of a proposed purchase. see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, Rebate, Trade discount</p>	<p>تخفیف کمی: تخفیف قیمت که با در نظر داشت مقدار توسط داوطلب صورت میگیرد. همچنان: به تخفیف نقدی، تخفیف پنهانی، تخفیف و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>
<p>PROCUREMENT: The acquisition by any contractual means, including but not limited to purchase, leasing of goods, works or services, and includes but is not limited to any acquisition on which any public funds are utilized.</p>	<p>تدارکات¹¹: خریداری توسط امکانات مربوط به قرارداد، که شامل اما نه محدود به اجاره، خریداری اجناس، امور ساختمانی یا خدمات بوده و شامل اما نه محدود به هر نوع خریداری که با استفاده از وجوه عامه صورت میگیرد، میباشد</p>
<p>DIRECT PROCUREMENT: A procurement procedure where required goods, services or works are obtained by the procuring entity without any competition through a contract with a supplier, directly selected. International procurement refers to direct contracting for the same procedure. see also: Single-source procurement, Direct contracting</p>	<p>تدارکات مستقیم: روش تدارکاتی است که اجناس، خدمات یا امور ساختمانی مورد نظر بدون روند رقابتی از طریق عقد قرارداد با شخص اكمال کننده منتخب که به صورت مستقیم توسط اداره تدارکات تهیه و تدارک می شود. در تدارکات بین المللی برای قرارداد مستقیم، عین طرز العمل استفاده میشود. همچنان: به تدارک از منبع واحد و قرارداد مستقیم مراجعه شود.</p>
<p>SINGLE-SOURCE PROCUREMENT: The method of procurement, provided by the public procurement Law, by which the procuring entity awards the procurement contract directly, without holding a competitive proceeding as provided for in the PPL. see also: Direct</p>	<p>تدارک از منبع واحد¹²: روش تدارکاتی مندرج قانون تدارکات عامه است که بدون طی مراحل رقابتی اداره تدارکات، قرارداد تدارکات را طوریکه در قانون توضیح داده شده است، با یک شخص مستقیماً عقد می نماید.</p>

¹¹ جزء 18 حکم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه

¹² جزء 16 حکم 3 احکام طرز العمل و جزء ماده 3 قانون تدارکات عامه

<p>contracting, Direct procurement</p>	<p>همچنان: به قرارداد مستقیم و تدارکات مستقیم مراجعه شود.</p>
<p>EXPEDITE: Action taken, or to be taken, to ensure that the work (of fabrication, construction, etc.) is proceeding according to schedule and that the supplier will be able to deliver the product or complete the project as per delivery or completion date mentioned in the contract. In large-scale projects where activities are interdependent and certain activities have to precede others, delays by one contractor or subcontractor can disrupt the implementation schedule of the project. Expediting in such cases is of special importance. see also: Contract scheduling, Follow-up</p>	<p>تسریع کردن: اقدام یا عملی که به منظور اطمینان از روند پیشرفت کار ساخت یا اجرای امور ساختمانی، و غیره طبق جدول زمانی که آیا اكمال کننده توانایی تحویلی اموال یا تکمیل پروژه را به تاریخ ذکر شده در قرارداد دارد و یاخیر، میباشد. در آنده از پروژه های بزرگ که فعالیت ها مربوط به یکدیگر و فعالیت های معین نسبت به دیگر پیشتر صورت میگیرد، عطالت از طرف قراردادی یا قراردادی فرعی میتواند جدول اجرایی پروژه را منقطع سازد. تسریع در همچون شرایط از اهمیت خاص برخوردار می باشد. همچنان: به جدول قرارداد و پی گیری آن مراجعه شود.</p>
<p>CERTIFICATE OF ORIGIN: A document indicating the country of origin of goods being imported. It is usually issued by exporting countries, official authorities or by other agencies (e.g. chambers of commerce) designated by the governments.</p>	<p>تصدیق اصل: سند نشاندهنده کشور اصلی اجناس که از آنجا وارد میشود. این سند معمولاً توسط کشورهای صادرکننده، مقامات رسمی یا سایر نماینده گی ها صادر میگردد. (مثال: اطاق تجارت) که توسط حکومت ها تدوین میگردد.</p>
<p>CERTIFICATE OF DAMAGE: A printed document issued by dock companies in regard to goods found to be in a damaged condition on being unloaded from a ship.</p>	<p>تصدیق خساره: سند چاپی است که توسط شرکت های بندری در ارتباط به اجناسیکه به حالت خراب شده در موقع تخلیه از کشتی دیده شده اند، صادر میشود.</p>
<p>SELF-CERTIFICATION: A form of conformity certification in which one or more manufacturers are responsible for conformity certification of their products with no surveillance from any certification body. see also: Certificate of quality, Express warranty, Technical specification</p>	<p>تصدیق خودی: یک نوع تصدیق که در آن یک یا بیشتر از تولید کننده گان اجناس مسؤلیت تصدیق و تائید تولیدات خود را بدون کدام نوع نظارت از جانب کسی دیگر خودش بر عهده می گیرند. همچنان: به گواهینامه کیفیت، اظهار ضمانت و مشخصات تخنیکی مراجعه شود.</p>
<p>QUALITY CERTIFICATION: Scheme set up by exporting countries, by law or practice, for certifying specifications. An importer must determine the independence and prove reliability of inspection and certification institutions operating under such systems, which may be government departments or private sector bodies. see also: Certification body</p>	<p>تصدیق کیفیت: روش تعیین شده از طرف کشورهای صادرکننده، طبق قانون یا مقرر به منظور تصدیق مشخصات میباشد. یک وارد کننده باید استقلال را تشخیص و قابل اعتماد بودن معاینه از رهنمودهای تصدیق تحت همچو سیستم را که توسط ریاست های حکومتی یا سکتور های خصوصی فعالیت مینمایند ثابت نماید. همچنان: به بدنه تصدیق مراجعه شود.</p>
<p>CERTIFICATE OF QUALITY: A certificate issued by a supplier to the effect that the goods being supplied conform to the quality specifications agreed to in the contract. The certificate forms part of the invoice and other documents sent by the supplier to the procuring entity. see also: Characteristics, Certificate of inspection, Design specification, Express warranty, Inspection, Provisioning, Self-certification, Specification, Technical</p>	<p>تصدیق کیفیت: گواهینامه صادر شده توسط یک اكمال کننده با بیان این مطلب که اجناس تهیه شده در مطابقت با مشخصات کیفیتی موافقه شده در این قرارداد میباشد. این گواهینامه بخشی از صورت حساب و سایر اسناد فرستاده شده توسط اكمال کننده به اداره تدارکاتی را تشکیل میدهد. همچنان: به خصوصیات، تصدیق معاینه، مشخصات</p>

specification, Terms of Reference	دیزاین، ضمانت صریح، معاینه، تأمین ذخیره، تصدیق خودی، مشخصات، مشخصات تخنیکي و لائحه وظایف مراجعه شود.
CERTIFICATE OF CONFORMITY: A document attesting that a product or a service is in conformity with specific standards or technical specifications.	تصدیق مطابقت: سند مؤید مطابقت تولید یا خدمت با معیارات مشخص یا مشخصات تخنیکي، میباشد.
CERTIFICATE OF COMPLIANCE: Supplier's written certification that goods being supplied are in conformity with those specified in the contract.	تصدیق مطلوبیت: تصدیق تحریری اكمال کننده مبنی بر اینکه اجناس تهیه شده در مطابقت با مشخصات قرارداد میباشد.
CERTIFICATE OF INSPECTION: A testimony on the findings of an authorised inspection agency on the quality of the goods based on the specification laid down in the respective contract document. see also: Characteristics, Certificate of quality, Design specification, Express warranty, Inspection, Provisioning, Self-certification, Specification, Technical specification, Terms of Reference	تصدیق معاینه: تصدیق در مورد یافته های معاینه یک نماینده گی با صلاحیت در ارتباط به کیفیت اجناس مبنی بر مشخصات تعیین شده در سند قرارداد مربوطه میباشد. همچنان: به خصوصیات، تصدیق کیفیت، مشخصات دیزاین، ضمانت صریح، معاینه، تأمین ذخیره، تصدیق خودی، مشخصات، مشخصات تخنیکي و لائحه وظایف مراجعه شود.
CUSTOMS CLEARANCE: see Clearance of goods	تصفیه حساب گمرکی: به تصفیه حساب اجناس مراجعه شود
CLEAN BILL OF LADING: Is that bill of lading which does not carry any remarks as to indicate that goods received were not in apparent good order and condition. If the goods or packages are damaged or defective the master of the ship will put an endorsement to this effect on the bill of lading. see also: Airway bill, Bill of lading (BOL), Waybil	تصفیه حساب سند بارنامه: آن بل بارگیری که حاوی هیچ گونه تذکر مانند اینکه اجناس دریافت شده ظاهراً در حالت و شرایط خوبی قرار نداشته، نباشد. هرگاه اجناس یا بسته ها ناقص یا خراب شده باشند، آمرکشتی باید ظهرنویسی یا تحریرمطالب تائیدی در پشت بارنامه را انجام دهد. همچنان: به بارنامه هوایی، سند بارگیری کشتی و بارنامه مراجعه شود.
CLEARANCE OF GOODS: The procedures involved in clearing the goods received from abroad through customs. see also: Bonded warehouse, In bond	تصفیه حساب اجناس: طرز العمل های شامل در تصفیه حساب اجناس دریافتی از بیرون کشور از طریق گمرکات میباشد. همچنان: به گدام تضمین شده و در تضمین مراجعه شود.
CONFLICT OF INTEREST: A situation where personal or business interests of a party could affect the outcomes of a business transaction through the non-declaration of that interest. For example bidders should never be involved in the preparation of bidding documents or evaluation of the same tender.	تضاد منافع: حالتی که منافع شخصی یا تجارتي یک شخص نتایج معاملات تجارتي را به نسبت عدم اظهار همچون منافع، تحت تاثیر قرار دهد. به طور مثال داوطلبان هرگز نباید در تهیه شرفنامه یا ارزیابی آن شامل ساخته شوند.
GUARANTEE: Is a surety by which one person undertakes to be answerable to another for the performance of some act by a third person. Usually guarantees are issued by banks. Guarantee is also used as synonymous for warranty.	تضمین: وثیقه یی است که توسط آن یک شخص تعهد میسپارد تا در مقابل اجرا یا اقدام توسط شخص سومی به شخص دیگر جوابگو باشد معمولاً تضمینات توسط بانک ها صادر میگردد. همچنان ضمانت هم معنی تضمین یا بجای آن استعمال میشود.
BID BOND: see Securities	تضمین آفر: به تامینات مراجعه شود

<p>BID DEPOSIT: A specified sum of money which a bidder is asked to deposit with the procuring entity as a guarantee that the bidder will, if selected, sign the contract as per his bid/ offer. A bidder who fails to sign the contract forfeits the amount of the deposit.</p>	<p>تضمین آفر: مبلغ مشخص پول تقاضا شده از یک داوطلب میباید که منحصراً تضمین مبنی بر اینکه موصوف در صورتیکه انتخاب شود، قرارداد را مطابق شرایط آفر خود امضا نماید نزد اداره تدارکاتی به امانت گذاشته میشود. داوطلبیکه قرارداد را امضا ننماید، این مبلغ تضمین او ضبط میشود.</p>
<p>PERFORMANCE SECURITY: A guarantee (bank guarantee or bond) executed by a seller/ contractor as security towards the performance and fulfilment of the contract within the terms and conditions agreed upon. Such guarantee can be issued as a bank guarantee or bond. see also: Earnest money</p>	<p>تضمین اجرا¹³: تضمین (تضمین یا ضمانت بانکی) می باشد که توسط فروشنده یا قراردادی منحصراً تضمین برای اجرا و تکمیل قرارداد در محدوده شرایط و مقرراتیکه بالای آن موافقه صورت گرفته است، میباید. این تضمین به شکل تضمین یا ضمانت بانکی صادر شده می تواند. همچنان: به پول بیعانه مراجعه شود.</p>
<p>SECURITIES: The funds in cash or in kind, immovable property, or bank guarantee or any other such instrument that the bidder provides to secure his obligations in the tender proceedings and that the contractor provides in fulfilling its obligations under procurement contract.</p>	<p>تضمینات¹⁴: وجوه مالی نقدی یا جنسی، اموال غیر منقول یا تضمین بانکی است که از طرف داوطلب و قراردادی به منظور تضمین اجرای مکلفیت هایش در مراحل داوطلبی و اجرای قرارداد به تضمین گذاشته می شود.</p>
<p>ESCALATION: see Price revision</p>	<p>تعدیل قیمت: به تجدید نظر در قیمت مراجعه شود</p>
<p>CONTRACT MODIFICATION: Any change in the provision of any one or more of the terms and conditions of a contract, proposed by one party and carried out with the agreement of the other party. Legally a modification in a contract amounts to agreeing to a new contract unless the intended modifications are provided for in the contract, e.g. plus/ minus option on quantities, lot sizes, etc. see also: Buyer's option, Change order</p>	<p>تعدیل قرارداد: هرگونه تغییر یا تعدیل در یکی یا بیشتر شرایط قرارداد که توسط یکی از جانبین پیشنهاد و توسط جانب دیگر موافقه شود. تعدیل قانونی در یک قرارداد منجر به موافقه قرارداد جدید شده میتواند مگر اینکه تعدیلات مذکور، به طور مثال، اختیار کم یا زیاد نمودن در مقدار، اندازه قرارداد و غیره در قرارداد درج شده باشد. همچنان: به اختیار خریدار و تغییر فرمایش خریداری مراجعه شود.</p>
<p>CUSTOMS TARIFF: Schedules or rates of customs duties laid down for different goods imported or exported from the country. Schedules of duties for imports and exports are usually issued separately or as two sections in the same document. see also: Bill of entry, Customs duties, Import duties</p>	<p>تعرفه گمرکی: جدول یا نرخ پرداخت های گمرکاتی تعیین شده برای اجناس مختلف وارداتی یا صادراتی از و یا به کشور میباید. جدول های پرداخت وارداتی و صادراتی معمولاً طور جداگانه یا به دو قسمت در عین سند صادر میشوند. همچنان: به سند ورود، مکلفیت های پرداخت گمرکی و وارداتی مراجعه شود.</p>
<p>UNITIZATION: The process by which optimum unit loads are planned and analysed. see also: Unit load</p>	<p>تعیین واحد: مرحله است که از طریق آن واحد مطلوب اوزان پلان و بررسی می شود. همچنان: به واحد وزن مراجعه شود.</p>
<p>CHANGE ORDER: A written request by the procuring entity or the supplier indicating changes in his</p>	<p>تغییر حواله: درخواست تحریری توسط اداره تدارکاتی یا اکمال کننده مبنی بر تغییر ضروریات در مقایسه با آنهایکه</p>

¹³ ماده چهل و چهارم 44 قانون تدارکات عامه

¹⁴ جزء 15 ماده سوم 3 قانون تدارکات عامه

<p>requirements compared to those specified in the contract. May involve renegotiation of the contract except when the contract contains a change clause that provides for options in regard to scope of work, quantity or quality of goods or delivery schedule. see also: Buyer's option, Contract modification</p>	<p>در قرارداد مشخص شده اند، میباید. ایجاب مذاکره مجدد در قرارداد را به استثنای اینکه قرارداد حاوی مندرجاتی باشد که در ارتباط به ساحه کار، مقدار، یا کیفیت اجناس یا جدول تحویلی باشد، نموده میتواند. همچنان: به اختیار خریدار و تعدیل قرارداد مراجعه شود.</p>
<p>PRICE DISCRIMINATION: The system, followed by a bidder, of charging different prices to different markets or classes of procuring entities. May be based on procuring entity-supplier relationship, volume of purchases/ orders, also as part of sales strategy or any other factor. see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, List price, Quantity discount, Trade discount</p>	<p>تفاوت قیمت: سیستمی است که توسط یک داوطلب در مورد تغییر قیمت مختلف در بازارهای متفاوت یا صنوف ادارات تدارکاتی آن را رعایت می نماید. این با در نظر داشت روابط میان اداره تدارکاتی و اکمال کننده، حجم خریداری و یا فرمایشات، نیز منحیت بخشی از استراتژی فروشات یا هر نوع عامل دیگر بوده می تواند. همچنان: به تخفیف پول نقد، تخفیف لغوشده، تخفیف، فهرست نرخ، تخفیف کمیت و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>
<p>TOLERANCE: The specified permissible variation of the specified value of quantity according to needs.</p>	<p>تفاوت مجاز: اختلافات مشخص مجاز قیمت مشخص مقدار طبق ضروریات میباشد.</p>
<p>RECURRING DEMAND: Procurement request(s) made by a user (department) on the basis of continuing requirements. see also: Non-recurring demand</p>	<p>تقاضای مجدد: درخواست از طرف استفاده کننده (دیپارتمنت) مبنی بر ضرورت های دوامدار، میباشد. همچنان: به تقاضای غیر جاری مراجعه شود.</p>
<p>NON-RECURRING DEMAND: A request made by a user (department) on a one-time basis for a special purpose or use. see also: Recurring demand</p>	<p>تقاضای یک مرتبه یی: درخواست از طرف استفاده کننده (دیپارتمنت) بر اساس یک مرتبه به مقصد یا استفاده خاص میباشد. همچنان: به تقاضای مجدد مراجعه شود.</p>
<p>FRAUDULENT PRACTICE: Defines a misrepresentation or omission of facts in order to influence a procurement process or the execution of a contract.</p>	<p>تقلب¹⁵: جعل یا فروگذاری حقایق به منظور تحت تاثیر قرارداد مراحل تدارکاتی یا اجرای قرارداد می باشد.</p>
<p>PATENT INFRINGEMENT: Unauthorised use by a manufacturer of a product or process invented by someone else and over which the latter has a patent right. The procuring entity, to protect himself against patent infringement by a supplier, usually has an appropriate clause inserted to this effect in the purchase contract. see also: Patent</p>	<p>تقلید بدون اجازه: استفاده نادرست و بدون اجازه تولید کننده که توسط کسی دیگر اختراع یا تولید شده و حق امتیاز آن را دارد، میباشد. اداره تدارکاتی به منظور اینکه خود را در مقابل حق امتیاز تهیه کننده حفظ نموده باشد، معمولاً یک ماده یا بند جداگانه درین مورد را در قرارداد خریداری علاوه مینماید. همچنان: به حق امتیاز مراجعه شود.</p>
<p>APPROPRIATE TECHNOLOGY: Technology deemed to meet specific requirements of, and operating conditions in, a particular country or location.</p>	<p>تکنالوژی مناسب: تکنالوژی که با مشخصات و شرایط عملیاتی یک کشور یا موقعیت خاص مطابقت داشته باشد.</p>
<p>ث</p>	
<p>REGISTRATION OF INTEREST: To register all bidders being interested in the tender or prequalification</p>	<p>ثبت علاقمندی: ثبت نام تمام داوطلبان علاقمند در داوطلبی یا ارزیابی قبلی دریک پروژه مشخص میباشد.</p>

<p>of a specific project. The register compiled is basis for the preparation of a short list and/ or invitations to bid. see also: Pre-qualification, Restricted tender, Short list</p>	<p>این ثبت اساس برای آماده گی برای یک شار ت لست ویا دعوت به آفردهی می باشد. همچنان به ارزیابی قبلی، داوطلبی مقید و شار ت لست مراجعه شود.</p>
<h3>ج</h3>	
<p>INDEMNITY: An undertaking which affords protection against loss or damage. Cargo insurance is an indemnity in as much as in the event of loss or damage the insurance company indemnifies (makes good) the loss to the consignees or consignor.</p>	<p>جبران خساره: تعهدنامه ای میباشد که محافظت در مقابل زیان یا خساره را پیشنهاد مینماید. بیمه محموله در حدی میباشد که به هر اندازه که در هنگام خساره یا زیان، شرکت بیمه آن را به ارسال کننده یا مر سول جبران می نماید.</p>
<p>TABULATION OF BIDS/ OFFERS: The recording of bids/ offers in tabular form to facilitate evaluation. see also: Analysis of bids/ offers, Bid evaluation, Life cycle costing</p>	<p>جدول بندی آفرها: ثبت آفرها در فورمه جدول جهت سهولت در ارزیابی آنها میباشد. همچنان به تحلیل، ارزیابی آفرها و مصارف دوران کارایی مراجعه شود.</p>
<p>CONTRACT SCHEDULING: Is a systems approach to help monitor contract implementation particularly useful for contracts for large projects where different activities have to be carried out in a sequence within a time frame and where delay in the completion of one segment of project is likely to delay the execution of the whole project. see also: Expedite, Follow-up</p>	<p>جدول بندی قرارداد: سیستم دسترسی به کمک جهت بررسی اجرای قرارداد به خصوص برای قرارداد پروژه های بزرگ که از طریق آنها فعالیت های مختلف در یک چهارچوب زمانی صورت میگیرد که طبق آن تاخیر در تکمیل یک بخش مثل تاخیر در اجرای تمام پروژه به حساب می رود. همچنان به تسریع و پی گیری مراجعه شود.</p>
<p>DELIVERY SCHEDULE: The date and/ or the rate of delivery of the goods or works or services by the supplier to the procuring entity as incorporated in a contract. see also: Delivery terms, Incoterms</p>	<p>جدول تحویل: تاریخ ویا نرخ تحویل اجناس، امور ساختمانی ویا خدمات توسط اكمال کننده به اداره تدارکاتی طوریکه در قرارداد ذکر شده است، می باشد. همچنان به شرایط تحویل و قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود</p>
<p>DEMURRAGE: Is a penalty imposed by a vessel owner or carrier on a consignee/ consignor for delays in loading/ unloading of cargo beyond the time specified in the charter-party. Demurrage charges may be also claimed for storage or use of shipper's owned containers beyond a specified period. see also: Detention, Free time, Lay days</p>	<p>جریمه تاخیر: جبران خساره ای است که توسط مالک کشتی یا انتقال دهنده بالای گیرنده بار یافرستنده به خاطر عطلت وی در بارگیری و تخلیه محموله ناوقت از وقت معینه در قرارداد کرایه درستی وضع میشود. خساره معطلی برای ذخیره یا استفاده کانتینر های مالک کشتی بیشتر از مدت معینه نیز مطالبه شده میتواند. همچنان: به توقیف، وقت وروزهای بیکاری مراجعه شود.</p>
<p>CONTAINER: A generic term used to describe any form of pack or receptacle containing goods, liquid or solid. However, in the context of marine transportation of goods it refers to special or specific type of steel receptacle. For facilitating their use universally, the International Organisation for Standardisation (ISO) has laid down their dimensional standards.</p>	<p>جعبه/کانتینر: اصطلاح کلی بیانگر هر نوع بسته بندی یا ظرف حاوی اجناس به شکل مایع یا جامد میباشد. به هر حال، در مفهوم انتقال اجناس از طریق کشتی به معنی نوع خاص یا مشخص ظرف فولادی میباشد. برای سهولت استفاده جهانی آنها، مؤسسه بین المللی برای معیاری سازی، معیارات ابعادی گذاشته اند.</p>
<p>IMPORT LICENCE: A permit granted, usually by a designated government authority, authorising the</p>	<p>جواز وارداتی: اجازه ورود، معمولاً توسط یک مقام باصلاحیت که از طرف دولت تعیین شده، که حامل آن را</p>

<p>holder to import the particular article indicated in the permit. The permit may also indicate the quantity and/ or the value limit of import and at times the country or the geographical region/ monetary area from which imports may be made. see also: licensing</p>	<p>اجازه ورود مواد خاص را که در آن اجازه نامه از آن نام برده شده است، می دهد. این اجازه نامه همچنان مقدار و یا حدود قیمت واردات و زمان، کشور یا موقعیت جغرافیایی یا واحد پولی ساحه ای را که واردات از آن جا صورت میگیرد، تعیین می نماید. همچنان به اجازه نامه مراجعه شود.</p>
<p>چ</p>	
<p>BLUEPRINT: Detailed design and specifications, indicated by a drawing, of the required product.</p>	<p>چاپ روشن (بلو پرینت): نوع چاپ میباشد که برای نقشه و رسامی های فنی بکار می رود : دیزاین و مشخصات مفصل که با ترسیم محصول مورد ضرورت بیان می شود.</p>
<p>ح</p>	
<p>FORCE MAJEURE: An expression which implies circumstances beyond one's control the occurrence, accidents caused by unforeseeable circumstances, natural catastrophes which could not have been prevented or avoided, including government decrees, edicts, strikes, etc., of which can be pleaded as a legal excuse for non-fulfilment of contract. No one can be held liable for damage to or loss of goods due to force majeure.</p>	<p>حالات غیر مترقبه: وقوع حالات خارج از کنترل، مانند حوادث در اثر حالات غیر قابل پیش بینی، آفت های طبیعی که جلوگیری و این حالات شامل فرامین دولتی، احکام، تظاهرات و غیره که در عدم تکمیل قرارداد تاثیرگذار و غیر قابل اجتناب اند، منحیث معذرت قانونی پذیرفته میشود. هیچ کسی در مقابل خساره یا مفقودی در حالات غیر مترقبه مقصر دانسته نمیشود.</p>
<p>TURNOVER: In supply management, is the quantity and/ or value of stock issued in a given period, usually one year.</p>	<p>حجم معاملات: در مدیریت اکمالات، مقدار و یا قیمت ذخیره در میعاد معینه، معمولاً یک سال صادر میشود.</p>
<p>ACCEPTABLE QUALITY LEVEL (AQL): System of material inspection based on statistical probability (sampling) theory - checking only a certain percentage of the lot delivered, and accepting the lot if the number of defectives in the sample is less than or equal to the acceptable number. see also: Inspection lot-sampling, Quality assurance, Quality control</p>	<p>حد قابل قبول کیفیت: سیستم معاینه مواد مبنی بر نظریه احتمالی (نمونه گیری) احصائیوی - بررسی تنها فیصدی معین بخش تحویل داده شده و قبول آن بخش در صورتیکه تعداد نواقص در نمونه کمتر از تعداد قابل قبول و یا مساوی به آن باشد. همچنان به معاینه نمونه گیری بخش، اطمینان از کیفیت، کنترل کیفیت مراجعه شود.</p>
<p>BUYER'S OPTION: The right of a procuring entity to modify within a specified period of time any one or more of the terms of contract as agreed in advance (e.g. to increase or decrease the quantity indicated in a purchase contract by a specified percentage). Buyer's option may be open on other terms and conditions in the contract, if so provided (e.g. port of discharge, delivery lot size or time, etc.). see also: Change order, Contract modification</p>	<p>حق اختیار فرمایش دهنده: حق اداره تدارکاتی مبنی بر تعدیل یک و یا تعداد بیشتری شرایط قرارداد در یک مدت معین طوریکه قبلاً بالای آن موافقه صورت گرفته است (به گونه مثال زیاد و یا کم کردن فیصدی مشخص مقدار ذکر شده در یک قرارداد) میباشد. حق اختیار فرمایش دهنده میتواند در صورتیکه قبلاً در قرارداد ذکر شده باشد (مثال : بندر تخلیه، مقدار قابل تحویل یا زمان و غیره) در مورد سایر مقررات و شرایط قرارداد باز بوده می تواند. همچنان به تغییر فرمایش و تعدیل قرارداد مراجعه شود.</p>
<p>PATENT: A right or authority granted by a</p>	<p>حق امتیاز: حق یا صلاحیتی که توسط یکی از نماینده گی</p>

<p>designated government agency to an inventor to have a sole right of making, using or selling his invention for a specified period. see also: Patent infringement, Propriety article</p>	<p>های حکومت به یک شخص تولید کننده که تنها او حق ساخت، استفاده یا فروش محصول خود را برای مدت معینه دارد، میباشد. همچنان: به تخلف از حق امتیاز و ماده ملکیت مراجعه شود</p>
<p>LIEN: A right by which one person, usually a creditor, has to retain possession (property) of the goods of another until such times as the owner of the goods does not clear the liabilities. A common instance of a lien is the right of a carrier to retain possession of the goods and not deliver these until his charges are paid.</p>	<p>حق تصرف (گروی): حق حفظ دارایی (ملکیت) اجناس یک شخص توسط شخص دیگر، معمولاً یک طلبکار، تازمانیکه مالک اصلی اجناس، قرضداری خود را تادیه می نماید، میباشد. یک مثال عام گروی عبارت از حق یک انتقال دهنده در حفظ مالکیت اجناس و عدم تحویلی آن تازمانیکه پول وی پرداخته شود میباشد.</p>
<p>CUSTOMS DUTIES: Taxes levied upon goods on entry into (import, duties) or exit from (export duties) the country. see also: Bill of entry, Customs tariff, Import duties</p>	<p>حقوق گمرکی: مالیات وضع شده بالای اجناس وارداتی (مالیات وارداتی) یا اجناسیکه از کشور صادر می شوند (مالیات صادراتی) می باشد. همچنان: به اظهارنامه ورودی، تعرفه های گمرکی و مالیات وارداتی مراجعه شود.</p>
<p>FREIGHT AT DESTINATION: A provision in a contract of afreightment implying that the freight charges will be paid by the consignee upon the arrival of goods at the specified destination.</p>	<p>حمل تا جای مورد نظر: احکامی از قرارداد در پیمان نامه کشتی مبنی بر اینکه مصارف کرایه کشتی توسط گیرنده بار، بعد از رسانیدن در محل معینه آن پرداخت میگردد، میباشد.</p>
<p>CASH WITH ORDER: Refers to a purchase agreement which requires that payment be remitted along with procuring entity order (100% advance payment). Very often the advance payment is secured by a bond. see also: Advance payment, Cash on delivery, Payment, Progress payment</p>	<p>حواله پول نقد: موافقتنامه خریداری ایجاب پرداخت همراه با حواله اداره تدارکاتی (100% فیصد پیش پرداخت) را می نماید. بسیاری اوقات این مبلغ پیش پرداخت تضمین می شود. همچنان: به پیش پرداخت، حواله پرداخت پول نقد، پرداخت و پرداخت پیشرفت کار مراجعه شود.</p>
<h2>خ</h2>	
<p>SERVICES: Means any object of procurement other than goods or works.</p>	<p>خدمات¹⁶: تدارکات غیر از اجناس و امور ساختمانی.</p>
<p>NON-CONSULTANCY SERVICES: means any object of procurement other than goods, works and consultants' services.</p>	<p>خدمات غیر مشورتی¹⁷: هر نوع تدارکات غیر از اجناس، امور ساختمانی و خدمات مشورتی میباشد.</p>
<p>CONSULTANTS' SERVICES: Activities of a professional, intellectual, and advisory nature that do not lead to a measurable physical output. Provision of materials and goods or works shall be an exception to this rule, except when the works are of an informational nature. They include design, supervision, training, auditing software development, expert proposals and</p>	<p>خدمات مشورتی¹⁸: فعالیت های دارای ماهیت تخصصی، ذهنی و مشورتی بوده که جدا از انجام کارهای فیزیکی می باشد. امور مربوط به تهیه اموال و اجناس اجرای امور ساختمانی از این امر مستثنی می باشند مگر اینکه امور مربوط جنبه معلوماتی داشته باشد. خدمات مشورتی شامل طرح دیزاین، نظارت، آموزش، تفتیش،</p>

¹⁶ اجزای 7 و 12 حکم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه

¹⁷ جزء 12 حکم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه

¹⁸ جزء 7 حکم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه

advice, and similar technical or professional services.	انکشاف نرم افزار (سافت ویرکمپیوتری)، نظریات و پیشنهادات متخصصین، و خدمات مشابهه تخنیکی و مسلکی می باشد.
BUYER: see Contracting authority, Procuring entity	خریدار: به مقامات ذیصلاح عقد قرارداد و اداره تدارکاتی مراجعه شود
PURCHASER: see Contracting authority	خریدار: به مقامات قرارداد کننده مراجعه شود
FORWARD PURCHASING: Purchasing of quantities in excess of immediate requirements, a procurement strategy which may be adopted when indications are that the supplies in the international market may become short and/ or when prices are expected to rise sharply. see also: Economies of scale	خریداری احتیاطی: خریداری اضافه از مقدار ضروریات مورد نظر، استراتژی تدارکاتی است که هرگاه از علایم طوری وانمود شود که منابع در بازارهای بین المللی کاهش یافته و یا انتظار می رود نرخ ها به سرعت بالا بروند، می تواند قابل قبول باشد. همچنان: به اقتصادی بودن مراجعه شود
MULTIPLE SOURCE BUYING: A purchasing strategy by a procuring entity to diversify sources of supply, reduce his dependence on one or few suppliers and to increase competition. see also: Multiple award	خریداری از چندین منبع: استراتژی خریداری اداره تدارکاتی از منابع مختلف اکمال کننده، کاهش وابستگی به یک یا چند اکمال کننده و افزایش رقابت میباشد. همچنان: به اعطای چند گانه مراجعه شود
HEDGING: Is a purchase made by a procuring entity to protect itself against the effect of price fluctuations over which it has no control and over which it does not wish to speculate. A basic principle of a price hedge is to take an equal but opposite position on the futures market to the physical metal's delivery position. see also: Commodity exchange, Futures, Spot purchase	خریداری تضمینی: خریداری توسط اداره تدارکاتی به منظور محافظت خود در مقابل تاثیرات تورم و بلند رفتن نرخ ها میباشد که بالای آن کنترول نداشته و چیزیکه او نمیخواهد در مورد آن تشویش داشته باشد. همچنان: به تبادل اموال، خریداری برای آینده ها و خریداری فوری مراجعه شود.
FUTURES: Contracts for the sale and purchase of commodities (or securities, currencies, etc.) for future delivery. In futures trading commodities are not intended to be delivered physically (although this is not ruled out); instead, price differences are settled. Thus, if a supplier had agreed to deliver x tons of copper to the buyer at US\$900 per ton after 90 days and the actual price after that period is US\$800, the buyer pays to the supplier a difference of US\$100 per ton. see also: Commodity exchange, Hedging, Spot purchase	خریداری سهام برای آینده: عقد قرارداد جهت خرید و فروش اموال (یا تضمینات، اسعار، وغیره) برای تحویلی در آینده میباشد. در خرید و فروش اموال در آینده، قرار بر این نیست که طور فزینگی تحویل داده شوند (اگرچه مانعی ندارد) بلکه در عوض، تفاوت قیمت تصفیه می گردد. بناء، در صورتیکه اکمال کننده موافقه نموده باشد که چندین تن مس، از قرار فی تن به قیمت 900 دالر آمریکایی را برای فرمایش دهنده بعد از 90 روز تحویل دهد و قیمت واقعی را بعد از آن مدت 800 دالر تحویل بدهد، فرمایش دهنده تفاوت 100 دالر آمریکایی از قرار فی تن را به اکمال کننده می پردازد. همچنان: تبادل اجناس، طفره رفتن و خریداری فوری مراجعه شود.
EMERGENCY PURCHASE: Procurement necessitated to meet a requirement which could not be anticipated and provided for in advance by the procuring entity; e.g. break-down of equipment and replacement of a part, natural disasters	خریداری عاجل: تدارک ضروریات پیش آمده که توسط اداره تدارکاتی که از قبل قابل پیش بینی نبوده و در نظر گرفته نشده است؛ به طور مثال: خراب شدن تجهیزات و جایابی یک سامان در آن و آفت های طبیعی میباشد.

<p>BULK BUYING: System of aggregating total requirements (generally of all users) of a product or service for a single purchase order or a series of orders for large quantities which would not have been possible if demand was met on a fragmented basis. Bulk buying may be advantageous for getting favourable terms from bidders as well as in effecting other economies. see also: Aggregation, Economies of scale</p>	<p>خریداری عمده: سیستم جمع آوری مجموع ضروریات (عموماً از تمام استفاده کننده گان) یک محصول یا خدمات برای امر واحد خریداری یا تعدادی از امر خریداری های بزرگ، که هرگاه تقاضا به شکل پراکنده صورت میگرفت ممکن بوده نمی توانست. خریداری های عمده برای بدست آوردن شرایط مورد پسند از داوطلبان و تاثیرات دیگر اقتصادی مفید بوده می تواند. همچنان: به جمع آوری و اقتصادی بودن مراجعه شود.</p>
<p>SPOT PURCHASE: Act of purchasing in the spot market (that is at prices ruling on the purchase date) for prompt delivery in contrast to forward purchase made now for future delivery at futures prices. see also: Commodity exchange, Futures</p>	<p>خریداری فوری: اقدام خریداری از بازار (به قیمت موجود همان تاریخ) برای تحویل فوری در رقابت جهت پیشکش نمودن خریداری فعلی برای تحویل در آینده به قیمت های موجوده همان وقت میباشد. همچنان: به تبادل اجناس و خریداری برای آینده مراجعه شود.</p>
<p>BUY BACK: A counter-trade arrangement whereby a supplier of plant, equipment and/ or technology agrees to accept part or full payment for supplies, in terms of the goods to be produced with the help of these facilities. It is also referred to as "COMPENSATION TRADE".</p>	<p>خرید دوباره: ترتیبات تجارتي متقابل که با استفاده از آن اكمال کننده یک کارخانه، لوازم و یا تکنالوژی موافقه می نماید تا بخشی از پرداخت برای اكمالات و یا تمام آن را، در مدتی که اجناس به کمک این تسهیلات تولید می شوند، قبول دارد. همچنان دادو ستد متقابل نیز گفته می شود.</p>
<p>AVERAGE PARTICULAR: A partial loss, not deliberately incurred, through damage to ship and/ or cargo. Such a loss, unlike a general average loss, is borne by the owner of the ship or of goods or else by the insurance company if insured. see also: Average general</p>	<p>خسارات خاص یا جزئی: خساره قسمی کشتی یا محموله که عمداً صورت نگرفته باشد. همچون خساره برخلاف خسارات عمومی، متوجه مالک کشتی یا اجناس و یا در غیر آن از طرف شرکت بیمه در صورتیکه بیمه شده باشد، تحت پوشش قرار می گیرد. همچنان: به اوسط عمومی مراجعه شود</p>
<p>GENERAL AVERAGE: see Average general</p>	<p>خساره عمومی: به خساره عمومی مراجعه شود</p>
<p>AVERAGE GENERAL: Partial loss deliberately incurred by a captain of a ship to prevent total loss and apportioned amongst interested parties in proportion to their interest in the saved property. For recognition as General Average, such loss must have been: (a) incurred intentionally; (b) should have been absolutely necessary for the preservation of the ship and some or all cargo; and (c) not as a result of negligence of any one of the interested parties. See also: Average particular</p>	<p>خساره عمومی: خساره قسمی که طور قطعی توسط کپیتان کشتی به منظور جلوگیری از خساره کلی صورت گرفته و در میان اشخاص ذینفع به اندازه سهم ایشان در اموال تقسیم میگردد. برای تشخیص خساره عمومی، همچو خساره باید: (الف) عمداً صورت گرفته باشد؛ (ب) به منظور حفاظت از کشتی و بخش یا تمام محموله قطعاً ضروری بوده باشد؛ (ج) در نتیجه بی پروایی کدام جانب ذینفع صورت نگرفته باشد. همچنان: به اوسط خاص مراجعه شود</p>
<p>CONSTRUCTION TOTAL LOSS: A claim of a total loss on a marine insurance policy either because: (a) the property has been lost and recovery is unlikely; or (b) an actual total loss appears to be unavoidable; or (c) expenses involved in preventing an actual total loss would exceed the saved value of the property. To</p>	<p>خساره مجموعی ساختمان: مطالبه حقوقی در مورد خساره مجموعی در بیمه نامه کشتی خواه بنابر: (الف) مفقودی اموال و پیدا شدن آن ناممکن به نظر می رسد؛ (ب) خساره واقعی مجموعی آشکارا بوده که غیر قابل اجتناب است؛ یا (ج) مصارف شامل در جلوگیری از خساره واقعی</p>

<p>establish a claim for constructive total loss the assured must give a notice of abandonment to the underwriters. see also: Abandonment</p>	<p>مجموعی باعث افزایش در قیمت اموال حفظ شده میگردد. ادعای حقوقی برای خساره مجموعی ساختمان بیمه شده باید اطلاعیه و انگذاری به تعهد کننده داده شود. همچنان: به و انگذاری مراجعه شود.</p>
<p>CONCEALED DAMAGE: Damage which is not apparent at the time of delivery and is discovered only after a package has been opened and the contents examined.</p>	<p>خساره مخفی: خساره ای که در هنگام تحویل معلوم نشود و صرف بعد از اینکه بسته باز شود و محتویات آن مورد آزمایش قرار گیرد، کشف میگردد.</p>
<p>ACTUAL TOTAL LOSS: In the context of an insurance policy a total loss may occur if: (a) the goods are completely destroyed., (b) the owner is irretrievably deprived of the ownership of goods; (c) goods are transformed to such an extent that they no longer can be said to be the same as those insured; (d) the subject matter of the insurance, a carrier or goods, are declared as “missing” by an accredited under-writing agency.</p>	<p>خساره کلی واقعی: از دیدگاه بیمه نامه خساره کلی زمانی واقع میشود که: (الف) اجناس طور کلی تخریب شده باشند؛ (ب) صاحب اجناس طور مطلق از مالکیت اجناس محروم شده باشد؛ (ج) اجناس طوری تغییر شکل داده که گفته نمی شود آنها بیکه بیمه شده اند، باشد؛ (د) موضوع مطرح بیمه، انتقال دهنده یا اجناس، منحیث اجناس مفقود شده که توسط نماینده گی قابل اعتبار گزارش داده شده است.</p>
<p>LIQUIDATE DAMAGES: Damages that become due to one of the parties to a contract when the other party fails to fulfil his contractual obligations, that is, there is a breach of contract on his part. Liquidated damages are usually specified in the contract itself and need not be related to an actual loss. see also: Penalty clause</p>	<p>خسارات نقدی: خساراتی است که توسط یکی از طرفین شامل در قرارداد که در اجرای مکلفیت های خود طبق قرارداد موفق نبوده، منحیث نقض قرارداد از جانب وی دانسته میشود. خساره های نقدی معمولاً در خود قرارداد مشخص و ضرورت به ارتباط دادن آن به یک خساره واقعی نیست. همچنان: به بند مجازات یا جریمه مراجعه شود.</p>
<p>CHARACTERISTICS: A performance quality characteristic of a material or product as to its physical, chemical or metallurgical property or performance index that is measurable or at least observable. see also: Certificate of inspection list, Certificate of quality, Design specification, Express warranty, Inspection, Provisioning, Self-certification, Specification, Technical specification, Terms o Reference</p>	<p>خصوصیات: خصوصیت اجرایی کیفیت مواد یا محصول مربوط به راهنمای اجرایی، دارایی فزیک، کیمیاوی و یا میتالورژیکی که قابل اندازه گیری یا حد اقل قابل مشاهده باشد. همچنان: به لست تصدیق تفتیش، تصدیق کیفیت، مشخصات دیزاین، اظهارنامه تضمین، معاینه، تهیه، تصدیق خود بخودی، مشخصات، مشخصات تخنیک و لائحہ وظایف مراجعه شود.</p>
<p>د</p>	
<p>COMPENSATION TRADE: see Buy back</p>	<p>داد و ستد متقابل: به خرید دوباره مراجعه شود</p>
<p>ARBITRATION: A method of settling a dispute between the parties involved in a contract by referring it to one or more neutral persons, selected by the parties, for a decision.</p>	<p>داوری: روش حل منازعه میان جوانب شامل در یک قرارداد، که با راجع ساختن آن به یک یا بیشتر اشخاص بی طرف انتخاب شده توسط جانبین، برای فیصله بالای آن میباشد.</p>
<p>TENDERER: A legal entity approached by the procuring entity to submit a bid/ offer for a specific project. see also: Bidder, Candidate</p>	<p>داوطلب: نهاد قانونی که توسط اداره تدارکاتی جهت ارائه آفر برای یک پروژه مشخص دعوت می شود. همچنان: به داوطلب وکاندید مراجعه شود.</p>

<p>BIDDER: A person who may participate in a procurement proceeding for purposes of submitting a bid. see also: Candidate</p>	<p>داوطلب¹⁹: شخصی است که می تواند به منظور ارائه آفرد مراحل تدارکات اشتراک نماید. همچنان به کاندید مراجعه شود</p>
<p>INELIGIBLE BIDDER: A bidder who may have been disqualified to bid/ offer for anyone of such reasons as: unsatisfactory past performance, attempts at influencing the awards, or else inability to meet the pre-qualification standards for inclusion in the list of approved bidders (holding the requested business license, nationality, etc.).</p>	<p>داوطلب غیرواجد شرایط: یک داوطلب از اشتراک در داوطلبی به دلایل مانند: اجراءات غیر قابل قبول او در گذشته، تلاش برای تاثیر قرار دادن مراحل اعطاء، یاسایر ناتوانایی ها بادر نظر داشت معیارات ارزیابی قبلی به منظور شمول در لست داوطلبان منظور شده (حامل جواز کار، ملیت، و غیره) محروم شده میتواند.</p>
<p>TENDER: see Bid, Offer</p>	<p>داوطلبی: به آفر مراجعه شود</p>
<p>BIDDING: Any formal and competitive procurement procedure through which bids/ offers are requested, received, and evaluated for the procurement of goods, works, and services, and as a consequence of which an award is made to the bidder who presented the lowest evaluated bid/ offer.</p>	<p>داوطلبی: تمام طرز العمل های رسمی و رقابتی تدارکات که از طریق آن آفردخواست، دریافت و برای تدارک اجناس، امور ساختمانی، و خدمات ارزیابی و متعاقباً اعطای قرارداد به داوطلبیکه آفر با پایین ترین نرخ را بعد از ارزیابی ارائه نموده، صورت میگیرد.</p>
<p>OPEN TENDER: The procurement method in which any contractor may submit a bid concerning the procurement of his interest, in compliance with the specifications set forth in the bidding documents, to the relevant authority.</p>	<p>داوطلبی باز: روش تدارکاتی مندرج ماده بیست دوم قانون است که به اساس آن قراردادی علاقمند میتواند با رعایت مشخصات مندرج شرطنامه، آفرخویش را به اداره مربوطه تسلیم می نماید.</p>
<p>TWO-STAGE TENDERING: Is the variant of tendering proceedings in which, in accordance with the public procurement Law, the procuring entity holds consultations with bidders in the first stage on the basis of preliminary bidding documents with a view to considering various possible technical and contractual solutions to its procurement need; thereafter, in the second stage, a tendering proceeding is held on the basis of revised bidding documents.</p>	<p>داوطلبی دومرحله یی²⁰: روشی است که به منظور تهیه و تدارک اجناس، خدمات و امور ساختمانی در مطابقت با قانون تدارکات عامه، اداره تدارکاتی مرحله مقدماتی مشاوره را با داوطلبان به منظور ملاحظه راه حل های ممکن تخنیکی و قراردادی برای ضرورت تدارکات طبق شرطنامه راه اندازی می نماید؛ بعد از آن در مرحله دوم، مراحل داوطلبی بر اساس شرطنامه تجدید نظر شده راه اندازی می شود.</p>
<p>INTERNATIONAL COMPETITIVE BIDDING (ICB): A procurement procedure where bidding is open to all local or international legal entities interested to submit a bid.</p>	<p>داوطلبی رقابتی یا باز بین المللی²¹ (ICB): مراحل تدارکاتی است که برای اشتراک تمام نهاد های داخلی و بین المللی قانونی علاقمند جهت ارائه آفر بازمی باشد.</p>
<p>COMPETITIVE BIDDING: If responsive bids were received by the procuring entity in response to an invitation to bid in cases of open tender (open to everyone) or restricted tender (open to a selected number of bidders) and where there is no evidence that the bidders have had a secret understanding. see also:</p>	<p>داوطلبی رقابتی: هرگاه آفرهای جوابگو توسط اداره تدارکاتی در جواب دعوت به داوطلبی با استفاده از روش داوطلبی باز (باز برای همه) یا داوطلبی مقید (باز برای تعداد داوطلبان منتخب) دریافت نماید و هیچ مدرکی دال بر اینکه داوطلبان کدام تفاهم پنهانی داشته اند، وجود</p>

¹⁹ جزء 3 ماده سوم قانون و جزء 4 حکم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه

²⁰

²¹

Collusive bids/ offers, Bid, Offer	نداشته باشد. همچنان: به آفرهای سازشی، و آفر مراجعه شود.
RESTRICTED TENDER³⁹ : The procurement method, provided by the public procurement Law, in which the invitation to bid may be extended to a limited number of bidders. see also: Pre-qualification	داوطلبی مقید²² : روش تدارکاتی مندرج قانون تدارکات عامه است که در آن تعداد محدود داطلبان به آفردهی دعوت میشوند. همچنان: به ارزیابی قبلی مراجعه شود.
RATING OF VENDORS : The evaluation and comparison of bidder's performance principally as regards quality, timely delivery and prices.	درجه بندی فروشنده ها : ارزیابی و مقایسه اجراءات داوطلبان اصولاً در ارتباط به کیفیت، تحویلی به موقع و نرخ ها میباشد.
REQUEST FOR QUOTATIONS (RFQ) : The document used to carry out low-value procurement of standard goods or works or non-consultancy services utilizing request-for-quotations proceedings, in accordance with the Law.	درخواست نرخ دهی²³ : سندی است که برای تقاضای نرخ اموال، تدارک ساختمان و امور ساختمانی معیاری دارای قیمت نازل با استفاده از پروسه درخواست نرخ دهی، در مطابقت با احکام این قانون صورت میگیرد، میباشد.
BLANKET ORDER : Sometimes referred to as a "master contract" for reducing the need to enter into fresh contracts for a number of orders. It provides for the procuring entity to make supplies over a certain period of time and at predetermined prices on the basis of a formula for revising prices. see also: Basic agreement, Rate contract	دستور عمومی : حیثاً به معنی " قرارداد بزرگ " به منظور کاهش نیازمندی به عقد قرارداد های تازه برای تعدادی از امر خریداری ها راجع میشود. این قرارداد اداره تدارکاتی را قادر می سازد تا برای مدت معین و به نرخ های قبلاً مشخص شده مبنی بر یک فورمول تجدید نظر قیمت ها، ضرورت های تدارکاتی خویش را اكمال نماید. همچنان: به موافقتنامه اساسی و برآوردی مراجعه شود.
SHELF LIFE : The period of time during which an item, having a limited storage life, is considered to be ready for use.	دوران کارایی : مدت زمانیکه در آن یک جنس برای مدت معین مورد استفاده قرار گرفته می تواند.
ذ	
STOCK : The quantity of all raw materials, components, parts, work in progress and finished goods held in store by an enterprise or a government agency. see also: Inventory, Warehouse	ذخیره یا گدام : مقدار تمام مواد خام، اجزاء، پرزه جات، امور ساختمانی در حال پیشرفت و اجناس تکمیل شده که توسط تصدی یا نماینده حکومت در ذخیره گاه نگهداری می شود. همچنان: به موجودی و گدام مراجعه شود.
DEAD STORAGE : Goods stored which are not likely to be used for a long period of time.	ذخیره طولانی : اجناس ذخیره شده که احتمالاً نباید برای یک مدت زمان دراز مورد استفاده قرار گیرد.
ر	
DISCREPANCY REPORT : The report indicating that the delivered goods were unsatisfactory for any reason or that the goods (their number, packages, etc.) did not correspond with those indicated in various shipping documents (e.g. the invoice).	راپور تفاوت : گزارش حاوی این مطلب که اجناس تحویل داده شده نظربه دلایلی قناعت بخش نبوده یا اینکه اجناس (شماره های آنها، بسته بندی ها، وغیره) با آنها بیکه در اسناد مختلف انتقالاتی ذکر شده است (مثال: صورت

	(حساب) جوابگو نمیشود.
COMPOSITE PRICE INDEX: Weighted average of the price indexes for major inputs entering into the composition of a finished item of procurement. Sometimes incorporated and made use of in a contract as a basis for price revision. see also: Price Revision	راهنمای جمع آوری نرخ ها: اوسط نمره داده شده راهنماهای قیمت برای منابع شامل در قلم تکمیل شده تدارکات می باشد. بعضی اوقات در یک قرارداد شامل ساخته شده و منحیت اساس برای تجدید نظر در قیمت استفاده میشود. همچنان: به تجدید نظر در قیمت مراجعه شود.
LAY DAYS: The number of days during which a vessel may load or unload without involving demurrage or dispatch. The days may be counted as running days (including weekends and other holidays), as workingdays (excluding Sundays and other holidays), or as weather working days, the days on which weather permits to proceed with loading/ unloading. see also: Free time, Demurrage, Detention	روزهای معطلی در بندر: تعداد روزهاییکه در جریان آن کشتی بدون هزینه معطلی یا ارسال، بارگیری و یا تخلیه نموده میتواند. این روزها منحیت روزهای جاری (به استثنای روزهای یکشنبه وسایر روزهای رخصتی، ویا روزهای کاری، روزهاییکه برای پیشرفت بارگیری ویا تخلیه اجازه داده میشود، حساب شده می تواند. همچنان: به اوقات فراغت، روزهای معطلی وتوقیف مراجعه شود.
PROCUREMENT CYCLE: A full procurement cycle involves the following stages: (a) identification of needs; (b) tendering; (c) contracting; (d) contract execution and monitoring.	روند تدارکات: دوران مکمل تدارکات شامل مراحل ذیل میباشد: (الف) تشخیص ضروریات؛ (ب) داوطلبی؛ (ج) قرارداد؛ (د) اجرا وتفتیش قرارداد.
PRICE LEADERSHIP: The lead taken by a company in setting a new price level. In a market with few bidders, usually the market leader takes the lead in establishing such a price level. see also: Market leader	رهبری قیمت: رهبری یک شرکت در تعیین قیمت جدید می باشد. در یک بازار دارای چند داوطلب، معمولاً رهبر بازار مسؤلیت رهبری در تعیین آن قیمت را برعهده میگیرد. همچنان: به رهبر بازار مراجعه شود.
ز	
س	
ORIGINAL EQUIPMENT MANUFACTURER (OEM): Producer who procures goods and/ or services and incorporates these (a component part) into a product, which he is manufacturing for sale without any changes in the goods procured.	سازنده اصلی تجهیزات (OEM): شخص تولید کننده که اجناس و یا خدمات را تدارک و (منحیت یک جزء) در داخل محصولیکه او برای فروش بدون تغییرات در اجناس تهیه شده جاسازی مینماید.
PRE-AWARD SURVEY: A physical survey undertaken to make an evaluation of a bidder technical, financial and managerial capability to perform the contract (i.e.. ability to supply the goods) before it is awarded, sometimes referred to as vendor survey. For service contracts bidder's references can be asked for or interviews with the key personnel proposed can be held.	سروی قبل از اعطا: سروی فزیکي به منظور ارزیابی داوطلب از لحاظ تخنیکي، مالی و قابلیت مدیریت اجرای قرارداد (مثال: توانایی تهیه اجناس) قبل از اینکه اعطا شود، بعضی اوقات منحیت سروی فروشنده اطلاق میشود. برای قراردادهای خدماتی معلومات در مورد داوطلبان تقاضا یا مصاحبه با اشخاص کلیدی پیشنهادی صورت گرفته میتواند.
LETTER OF INDEMNITY: A letter issued by the supplier to the effect that he will be responsible for losses or damage arising from any faulty packaging.	سند جبران خساره: نامه ایکه توسط اکمال کننده مبنی بر اینکه او مسؤل جبران خساره یا زیان ناشی از هر نوع

	کاستی در بسته بندی بوده است، صادر میگردد.
NEGOTIABLE INSTRUMENT: A document of title to goods/ property which on transfer (affected through delivery with or without endorsement) passes the legal right to goods/ property named therein to the transferee.	سند قابل مذاکره: سند ویا عنوان ملکیت اجناس است که بعد از انتقال (در سرتاسر تحویل با ویا بدون ظهن نویسی متأثر شده است) حق قانونی اجناس ویا ملکیت متذکره در آن را به نام کسیکه اجناس به وی انتقال میابد، منظور می نماید.
BILL OF QUANTITIES: A description and a quantitative estimate of all materials, and/ or other supplies which will be required for a proposed construction project or production of equipment (usually custom designed). Contracts are sometimes concluded on the basis of actual costs and an agreed margin when the procuring entity may seek a bill of quantity to estimate the likely cost before concluding the contract and later to make final payments when the project is completed and quantities could be exactly measured or counted when taking over works or goods.	سند کمیت: توضیح و برآورد کمی تمام مواد و یا سایر اکمالات که برای یک پروژه ساختمانی پیشنهاد شده، یا تولید تجهیزات (معمولاً طرح گمرکی) لازم می باشد. احياناً قراردادها بر اساس مصارف واقعی و حدود موافقه شده موافقه شده زمانی پایان می یابد که اداره تدارکاتی برای بدست آوردن بل احجام کاری به منظور برآورد تخمینی مصارف قبل از پایان قرارداد تلاش نموده و بعد تر برای پرداخت نهایی بعد از تکمیل پروژه و مقدار را به درستی می توان اندازه گیری، یا در زمان تسلیمی اجناس یا امور ساختمانی محاسبه نمود.
BILL OF EXCHANGE: An unconditional order in writing addressed by one person or company to another, signed by the one giving it, requiring the person or company to whom it is addressed to pay, on demand or at a fixed or determinable future time a certain sum in money to order or to bearer.	سند مبادله ای: حواله یا امرکتبی بدون قید و شرط توسط یک شخص به شخص یا شرکت دیگر که مزین با امضای موصوف و حاوی تقاضا به جانب مقابل شخص یا شکتیکه این نامه عنوان شده است، جهت پرداخت مبلغ معین به حامل آن در یک زمانیکه که تصمیم گرفته می شود، که توسط شخص تهیه کننده آن امضا شده باشد.
TWO-ENVELOPE SYSTEM: The two-envelope system is a tendering option for the selection of the most advantageous bidder. The bidders are ordered to submit their bids/ offers in two separate envelopes, both of them sealed and clearly marked. The first envelope contains the technical proposal, the second one the financial proposal.	سیستم دوپاکته: سیستم دوپاکتی عبارت از یک سیستم اجازه داوطلبی برای انتخاب بهترین داوطلبان میباشد. به داوطلبان هدایت داده میشود که آفرهای خود را در دوپاکت جداگانه که هر دوی آنها به صورت واضح علامه گذاری و مهر شده باشد تسلیم نمایند. پاکت اولی حاوی پیشنهاد تخنیکی و دومی پیشنهاد مالی میباشد.
ش	
SHORT LIST: A list of names and addresses of potential bidders maintained by a procuring entity to whom invitations to bid may be sent. Usually the elaboration of a short list is the objective of a pre-qualification procedure. see also: Pre-qualification, Registration of interest, Restricted Tender	شارت لست: لست نام و آدرس داوطلبان واجد شرایط که توسط اداره تدارکات حفظ و برای ارائه پیشنهادات دعوت می شوند. معمولاً جزئیات یک شارت لست همان طرز العمل ارزیابی قبلی اهلیت است. همچنان: به ارزیابی قبلی اهلیت، ثبت علاقمندی و داوطلبی مقید مراجعه شود.
CONSIST: A complete (itemised) list (one for each wagon) of goods carried by a train; consist is similar to a manifest for goods shipped by a vessel. see also: Manifest	شامل بودن: لست مکمل (باجزئیات) (یک دانه برای هر یک واگن) اجناسیکه توسط قطار انتقال داده میشود؛ محتویات شبیه بارنامه اجناسی می باشد که توسط کشتی انتقال داده می شود. همچنان: به اظهارنامه مراجعه شود
ELIGIBILITY: Special requirements set up for bidders.	شایستگی: شرایط خاص تعیین شده برای داوطلبان میباشد

<p>If not met these will not be allowed to bid or their bids/ offers already submitted will be rejected. Requirements can be the nationality of the bidder, presentation of a specific business license etc.</p>	<p>که داوطلبان دارای چنین شرایط نباشند، اجازه دهی را نداشته و یا آفرهای را قبلاً ارائه نموده اند، رد می شود. این شرایط شامل تابعیت داوطلب، ارائه جواز کار تجارتي مشخص و غیره شده میتواند.</p>
<p>PERSON: A natural or legal person including companies, firms, and the like.</p>	<p>شخص: شخص حکمی یا حقیقی به شمول شرکت ها، نهاد ها و مانند آن میباشد.</p>
<p>LINER TERMS: Terms of affreightment under which loading and discharging expenses will be to the ship owner's account. Liner terms are commonly applied by liner carriers.</p>	<p>شرایط خط کشتیرانی: شرایط قرارداد کشتی میباشد که طبق آن مصارف بارگیری و تخلیه بر عهده مالک کشتی می باشد. شرایط خط کشتی عموماً توسط انتقال دهنده گان با کشتی قابل تطبیق میباشد.</p>
<p>TERMS OF PAYMENT: Conditions for payment for goods or services received, as agreed between procuring entity and supplier, such as: Cash against Documents (CAD); Cash on Delivery (COD); Letter of Credit, etc. see also: Payment</p>	<p>شرایط پرداخت: شرایط پرداخت در مقابل اجناس یا خدمات دریافت شده، طوریکه میان اداره تدارکاتی و اكمال کننده موافقه شده است مانند پول نقد در مقابل اسناد (COD) پرداخت بعد از تحویل (CAD) اعتبارنامه، و غیره میباشد. همچنان: به پرداخت مراجعه شود.</p>
<p>DELIVERY TERMS: Conditions as specified in a sale/ purchase contract as to delivery schedule and methods of transportation. see also: Delivery schedule, Incoterms</p>	<p>شرایط تحویل: شرایطیکه در یک قرارداد خرید و فروش طبق جدول تحویلی و روش های ترانسپورتي مشخص شده است، میباشد. همچنان: به جدول تحویلی و قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>
<p>TERMS OF CONTRACT: Stipulations, explicit or implicit, in a contract setting out the obligations and the rights of the contractual parties, as well as other conditions of contract.</p>	<p>شرایط قرارداد: تصریحات، صریح یا غیر صریح در یک قرارداد که مکلفیت ها و حقوق جوانب قراردادی و سایر شرایط قرارداد را مشخص سازد.</p>
<p>PROVISIONING: The process of determining the range and quantity of items (such as spares and repair parts, special tools, test equipment and support equipment) required for the maintenance of equipment for specified period of service. It includes the identification of items and arrangements with the supplier for their supplies when needed and/ or stocking of these if there are indications that these may not be easily available when required. see also: Certificate of inspection, Design specification, Inspection, Technical specification</p>	<p>شرط گذاری: مراحل تشخیص سلسله و مقدار اقلام (مانند پرزه جات و پرزه جات ترمیم، سامان آلات خاص، تجهیزات آزمایشی و تجهیزات حمایوی) لازم به منظور حفظ تجهیزات برای یک مدت مشخص انجام خدمت میباشد. این پروسه شامل تشخیص اقلام و ترتیبات با تهیه کننده در مورد اكمالات شان بوده زمانیکه لازم و یا ذخیره شوند، اگر نشانی های وجود دارد که اینها در صورتیکه لازم شوند، به آسانی قابل دسترس نمی باشند. همچنان: به تصدیق معاینه، مشخصات دیزاین، معاینه و مشخصات تخنیکي مراجعه شود.</p>
<p>PROCUREMENT OFFICE: In accordance with the public procurement Law, the unit, boards, person or persons within each procuring entity designated to manage and implement, on an ongoing basis, the procurement of a procuring entity, and having the</p>	<p>شعبه تدارکات²⁴: در مطابقت با قانون تدارکات عامه، واحد، بوردها، شخص یا اشخاص در داخل هر اداره تدارکاتی تعیین شده جهت اداره و اجرا، مبنی بر یک جریان، تدارکات یک اداره تدارکاتی، و یادداشتن صلاحیت بولی اعطا مندرج در قانون میباشد.</p>

monetary award authority indicated in the Law.	
PROCUREMENT UNIT: The unit designated to manage and implement all procurements of the relevant procuring entity, and having the monetary award authority indicated in the article 91 of PPL.	شعبه تدارکات²⁵: واحد یا اداره ای است که مسؤل مدیریت و اداره تمام تدارکات اداره مربوطه بوده، و دارای صلاحیت پولی مندرج ماده 91 قانون میباشد.
ص	
ECONOMIES OF SCALE: A concept that, when procuring goods or services, examines the effect of combining like requirements to increase the scale of procurement thereby providing greater leverage in achieving maximum value for money when getting bids/offers from bidders. see also: Aggregation, Bulk buying, Forward purchasing	صرفه جویی در مصرف: این عبارت مفهومی را افاده می نماید که حین تهیه و تدارک اجناس یا خدمات، تاثیر تراکم ضروریات مشابه را به منظور افزایش حجم تدارکاتی مورد آزمایش قرار داده و از این طریق حد اکثر ارزش پولی در هنگام دریافت آفرها یا پیشنهادات از داوطلبان در نظر گرفته شود. همچنان: به جمع کردن، خریداری بزرگ و خریداری پیش از وقت مراجعه شود.
JURISDICTION: The legal power to administer and enforce the law, the exercising of this power, the region within this power is valid or in which a person has authority.	صلاحیت قانونی: صلاحیت قانونی جهت مدیریت و تطبیق قانون، اجرای این صلاحیت، ساحة منطقه تطبیق این صلاحیت و یا اینکه طبق آن یک شخص دارای صلاحیت میباشد.
PROFORMA INVOICE: An invoice prepared by a bidder in advance of a sale to show the form and amount of the invoice which will be rendered to the procuring entity if the sale takes place. Importers often require proforma invoices to support their request to governmental authorities for import permits and for foreign exchange.	صورت حساب مقدماتی: صورت حساب تهیه شده توسط یک داوطلب قبل از فروش به منظور ارائه شکل و مبلغ صورت حساب به اداره تدارکاتی در صورتیکه خریداری صورت گیرد. بسیاری اوقات، واردکننده گان صورت حساب های مقدماتی را به منظور حمایه درخواست های خود به مقامات دولتی جهت اخذ اجازه و تبادلات خارجی، ضرورت دارند.
CONSULAR INVOICE: An invoice (or a prescribed form) made out by the shipper in the presence of a consular representative of the importer's country and/ or to be attested by him giving information as to consignor, consignee, value description, etc., of a shipment being imported. The object is to ensure that goods are not banned and also facilitate imposition of import duties.	صورت حساب مهر شده توسط قونصولگری: صورت حساب (یا فورمه معینه) تهیه شده توسط انتقال دهنده میباشد که در حضور داشت نماینده قونصولگری کشور وارد کننده ارائه و یا بآدمان معلومات به فرستنده، گیرنده بار، توضیح قیمت و غیره از یک محموله وارد شونده، تصدیق شده باشد. این موضوع به منظور اطمینان از اینکه اجناس معطل نشده و جهت تسهیلات دروضع مالیات وارداتی میباشد.
ض	
REQUIREMENT: The maximum overall estimated need of a good or service over a specific period of time for purposes of procurement, budgeting and planning.	ضروریات: حد اکثر سرتاسری ضروریات تخمینی اجناس یا خدمات برای یک مدت معین به منظور تدارکات، بودجه سازی و پلانگذاری میباشد.
WARRANTY: Used in different contexts as an	ضمانت: در مفاهیم مختلف به معنی تعهد استفاده میشود،

<p>undertaking, either expressed or implied, by one part to a contract to another. (a) In the context of marine insurance an implied warranty is that the vessel is seaworthy and fit for voyage. A breach of warranty is sufficient for the insurer to avoid payment on damage to, or loss of, the ship. (b) In the context of supply contracts, it is an assurance by the supplier on the workmanship, quality and serviceability of the item (equipment) for a particular period of use/ time. In case of defect the item may be repaired or completely replaced, free of charge, by the manufacturer. (c) More generally, an express or implied statement of fact amounting to an assurance of something in a contract. If the obligation is not carried out the contract may not be invalidated but damages can generally be claimed.</p>	<p>که توسط یک طرف به طرف دیگر قرارداد خواه شرح داده شده یا معنی شده باشد (الف) در مفهوم کشتی ضمانت ضمنی آن است که کشتی قابلیت سفر دریای را داشته و آماده سفر دریائی می باشد. نقض ضمانت کافی است که بیمه کننده از پرداخت پول به خساره یا زیان کشتی اجتناب نماید. (ب) در مفهوم قرارداد اکمالات، ضمانت اکمال کننده از مهارت، کیفیت و قابل استفاده بودن اقلام و تجهیزات برای یک مدت معین میباشد. در صورت کاستی اقلام، ترمیم یا تعویض کلی دو باره بدون هزینه، توسط تولید کننده می باشد. (ت) بیشتر به صورت عمومی، اظهار یا بیان ضمنی مبلغ واقعی در مقابل ضمانت چیزی در یک قرارداد می باشد. هرگاه مکلفیت ها اجر نشده باشد، قرارداد فاقد اعتبار نشده بلکه خسارات به صورت عمومی مطالبه شده می تواند.</p>
<p>EXPRESS WARRANTY: A written affirmation by a supplier to a procuring entity that the goods are of the same quality and the requisite performance standard as in the contract. An express warranty does not exclude implied warranty. see also: Certificate of quality, Self-certification, Technical specification</p>	<p>ضمانت صریح: تائید نامه تحریری توسط تهیه کننده به اداره تدارکاتی مبنی بر اینکه اجناس دارای عین کیفیت و معیار اجرایی تقاضا شده در قرارداد است، می باشد. ضمانت صریح، مانع ضمانت ضمنی نمی گردد. همچنان: به تصدیق کیفیت، تصدیق خودی و مشخصات تخنیکی مراجعه شود.</p>
<p>ط</p>	
<p>ظ</p>	
<p>ع</p>	
<p>FORWARDER, FREIGHT: A person or a firm engaged in the business of collecting goods, arranging for their transportation from the factory or warehouse for delivery at the port of shipment, arranging for customs clearance and booking freight for shipment to the port of destination as the agent of the supplier or the procuring entity (depending on the terms of contract).</p>	<p>عامل حمل و نقل اجناس: شخص یا شرکتیکه مسئول جمع آوری اجناس، ترتیبات برای انتقال اجناس از کارخانه، تحویلخانه یا گدام جهت تحویل در لنگرگاه کشتی، با پذیرش تصفیه حساب های گمرکی وثبت بارکشتی برای انتقال تا بندر یا محل مورد نظر منحیث نماینده اکمال کننده یا اداره تدارکاتی (بدر نظر داشت شرایط قرارداد) میباشد.</p>
<p>NON-CONFORMANCE: The failure of services and/ or material supplied by a supplier to conform to Technical specification or terms of reference and/ or specifications as incorporated in the contract. see also: Material deficiency</p>	<p>عدم مطابقت: عبارت از عدم موفقیت خدمات ویا مواد تهیه شده توسط یک اکمال کننده در مطابقت با مشخصات تخنیکی یا لائحه وظایف مندرج در یک قرارداد میباشد. همچنان: به نواقص مواد مراجعه شود.</p>
<p>MARK OF CONFORMITY: A mark attesting that a</p>	<p>علامه انطباق: علامت مؤید اینکه یک محصول یا خدمت</p>

<p>product or a service is in conformity with specific standard or technical specifications.</p>	<p>در مطابقت با معیار مشخص یا مشخصات تخنیکي میباشد.</p>
<p>MARKING: Applications of indications on a product or on a package primarily for the purpose of identifying marks, marks of conformity, characteristics of the product, etc. Marking may also be applied to equipment employed in transferring a product to the user; for example, dispensers such as petrol pumps.</p>	<p>علامت گذاری: تطبیق علامات در یک محصول یا بسته در ابتدا به منظور تشخیص علامات، علامت های مطابقت، خصوصیات تولید و غیره میباشد. علامه گذاری همچنان در بکار اندازی تجهیزات جهت انتقال محصول یا تولید به استفاده کننده آن قابل تطبیق میباشد. مثال: به فروشگاه مانند پمپ های پترول مراجعه شود.</p>
<p>TRADEMARK: Any sign, symbol, mark, word, or arrangement of words in the form of a label used by a manufacturer or supplier as identification or symbol of his particular goods, which no other person can legally use without his consent. see also: Brand name, Brand name or equal (description)</p>	<p>علامه تجارتي: هرگونه نشان، سمبول، مارک، کلمه یا ترتیب کلمات به شکل یک لیبل که توسط سازنده آن منحصراً علامه شناخت یا سمبول اجناس خاص می باشد، که کسی دیگر نمیتواند آنها را به صورت قانونی استفاده نماید. همچنان: به نام علامتی و نام علامتی و یا معادل آن مراجعه شود.</p>
<p>غ</p>	
<p>ف</p>	
<p>FREIGHT FORWARDER: see Forwarder, Freight</p>	<p>فرستنده کشتی: به عامل حمل و نقل اجناس مراجعه شود</p>
<p>ORDER: A will often documented in writing with the expression to buy with instructions, issued to a supplier for material and/ or services to be made available at specified price and time. Orders can be issued without any reference to a tender/ offer. see also: Agreement, Procurement contract</p>	<p>فرمایش: بسیاری اوقات یک درخواست مستند کتبی با ذکر خریداری توسط رهنمود های صادر شده توسط اكمال کننده اموال یا خدمات که باید در مقابل قیمت و وقت معین در دسترس قرار داده شود، میباشد. فرمایش ها بدون کدام داوطلبی یا آفر صادر شده می تواند. همچنان: به موافقتنامه و قرارداد تدارکاتی مراجعه شود.</p>
<p>CORRUPT PRACTICE²⁶: defines the offering, giving, receiving, or soliciting, directly or indirectly, of anything of value to influence the action of a public official in the procurement process or in contract execution.</p>	<p>فساد: پیشکش، دادن، دریافت یا درخواست، مستقیم یا غیر مستقیم هر چیز با ارزش که وظیفه یک کارمند رسمی را در مراحل تدارکات یا در اجرای قرارداد تحت تاثیر قرار دهد.</p>
<p>BID FORM: A letter signed by the Bidder (seller) confirming that he will maintain his offer prices valid for a described period of time and in case that he is awarded the contract that he will conform to the conditions of the bidding documents. A model Bid Form is usually provided with the bidding documents.</p>	<p>فورمه آفر: مکتوب یا نامه امضا شده توسط داوطلب (فروشنده) در مورد تائید این مطلب که او پیشنهاد قیم را برای یک مدت معین قابل اعتبار میداند و در صورت عدم اعطای قرارداد به او بار عایت شرایط مندرج شرطنامه عمل خواهد کرد. فورمه نمونوی آفر معمولاً همراه با شرطنامه تهیه میگردد.</p>
<p>CONTENT NOTE: A statement attached to a package, listing the items enclosed in that particular package.</p>	<p>فهرست محتوی بسته بندی: ابلاغیه ضمیمه شده در بسته که حاوی لست اقلامیکه در آن بسته مخصوص قرارداد داده شده اند، میباشد.</p>

ق

<p>INTERCHANGE-ABILITY: The suitability of a product(s) to be used in place of another product(s) to fulfil the relevant requirements. The functional aspect of interchange-ability is called functional interchangeability, and the dimensional aspect, dimensional interchange-ability.</p>	<p>قابل تبادل: مناسبت استفاده یک محصول به عوض تولید دیگر جهت رفع ضرورت های مربوطه میباشد. از نقطه نظر وظیفه وی، قابل تبادل نامیده شده، و از نقطه نظر ابعادی، قابل تبادل ابعادی یاد می شود.</p>
<p>PUBLIC PROCUREMENT LAW (PPL): The law, its amendments and legislations relevant to public procurement.</p>	<p>قانون تدارکات عامه: قانون و ضمایم و تدوینات مربوط به تدارکات عامه میباشد.</p>
<p>ACCEPTANCE OF BID/ OFFER: The assent of the procuring entity to a bid/ an offer made by the bidder. A necessary element of a contract is the unqualified "acceptance" by the procuring entity of a bid/ an offer made by one bidder. If the procuring entity amends or adds elements of the bid/ offer previously received, this leads to a new offer from his side to the bidder to conclude a contract based on revised or changed terms and conditions. see also: Counter offer</p>	<p>قبولی آفر: موافقه اداره تدارکاتی به آفریکه توسط داوطلب ارائه شده است. عنصر ضروری یک قرارداد، عبارت از "قبولی" فاقد شرایط لازم آفریکه داوطلب توسط اداره تدارکاتی میباشد. در صورتیکه اداره تدارکاتی در یک عنصر قرارداد تعدیل میاورد و یا عناصر آفرهایی را که قبلاً دریافت نموده است، علاوه مینماید، این امر منجر به یک پیشکش جدید از جانب وی به داوطلب جهت عقد یک قرارداد مبنی بر شرایط دریافت یا تغییر داده شده میگردد. همچنان: به آفر معکوس مراجعه شود.</p>
<p>ACCEPTANCE OF GOODS: The procuring entity is said to have accepted the goods, works or services supplied by the supplier, when he does not reject them, in whole or part, for non-conformance to contract terms and conditions (e.g. quality, delivery schedule, etc.). see also: Provisional acceptance, Final acceptance</p>	<p>قبولی اجناس: در صورتیکه اداره تدارکاتی اجناس، امور ساختمانی و یا خدمات تهیه شده توسط اكمال کننده را به صورت مکمل یا قسمی به نسبت عدم مطابقت با شرایط قرارداد به گونه مثال در کیفیت، جدول تحویلی، و غیره رد ننماید، به معنی قبولی آن توسط اداره مذکور دانسته میشود.</p>
<p>ACCEPTANCE OF ORDER: In case the contract is not based on any specific bid/ offer made by a bidder this is the confirmation of the recipient and acceptance of the order to supply goods, works or services ordered as stipulated in the order.</p>	<p>قبولی فرمایش: در صورتیکه قرارداد بر اساس کدام آفر خاص ارائه شده توسط داوطلب صورت نیاخذ، این امر به معنی تأیید دریافت کننده و قبول فرمایش تهیه اجناس، امور ساختمانی یا خدمات طوریکه در امر خریداری تصریح شده است، میباشد.</p>
<p>PROVISIONAL ACCEPTANCE: Constitutes technical acceptance, with or without, minor technical reservations of goods and equipment supplied to, or installed on the procuring entity's site. Acceptance should be confirmed by a Certificate of Provisional Acceptance. The date of the provisional acceptance marks the start of the guarantee period and signifies a transfer of property rights from the supplier to the procuring entity. see also: Acceptance of goods, Final acceptance</p>	<p>قبول موقتی: قبولی تخنیکي، با و یا بدون قید اشتباهات کوچک تخنیکي اجناس و تجهیزات اتیکه در ساحه مربوط به اداره تدارکاتی اكمال و یا نصب شده است. قبولی باید توسط تصدیق موقتی تأیید شود. تاریخ قبول موقتی آغاز مدت ضمانت را علامه گذاری نموده و به معنی انتقال حق ملکیت از اكمال کننده به اداره تدارکاتی میباشد. همچنان: به قبولی اجناس و قبولی نهایی مراجعه شود.</p>
<p>FINAL ACCEPTANCE: The procuring entity grants technical acceptance upon expiry of the guarantee</p>	<p>قبولی نهایی: اداره تدارکاتی قبولی تخنیکي خود را به</p>

<p>period provided the supplier has met all his obligations. For items replaced, repaired or modified, the guarantee period shall be prolonged by a period equal to that during which they are unavailable. see also: Acceptance of goods, Provisional acceptance</p>	<p>محض ختم تاریخ تضمین، در صورتیکه اكمال کننده تمام مکلفیت های خود را انجام داده باشد، اظهار مینماید. برای اقلام تعویض، ترمیم یا تغییر داده شده، مدت تضمین باید برابر با زمانی که در جریان آن موجود نبوده اند، تمدید شود. همچنان: به قبولی اجناس، و قبولی موقتی مراجعه شود.</p>
<p>CONTRACT: see Procurement contract</p>	<p>قرارداد: به قرارداد تدارکات مراجعه شود</p>
<p>PRIME CONTRACTOR: see Contractor, prime, subcontractor</p>	<p>قراردادی ابتدائی: به قراردادی ابتدایی و قراردادی فرعی مراجعه شود.</p>
<p>CONTRACTOR, PRIME: In a large project contract involving supply of materials, machinery, equipment, construction works etc. a procuring entity may prefer to appoint a prime contractor who may sub-contract parts of supplies, or fabrication of machinery to other subcontractors, with overall responsibility of project execution remaining with the prime contractor. see also: Contractor, Subcontractor</p>	<p>قراردادی ابتدائی: در یک قرارداد پروژه بزرگ شامل تهیه مواد، ماشین آلات، لوازم، امور ساختمانی و غیره، اداره تدارکاتی میتواند ترجیح بدهد که بیکه قراردادی اصلی را که اونیز میتواند قسمت های از امکانات، یا ساخت ماشین آلات را، با پذیرش مسؤلیت کلی اجرای پروژه بر عهده خود، به قراردادی های فرعی بدهد، تعیین نماید. همچنان: به قراردادی و قراردادی فرعی مراجعه شود.</p>
<p>CHARTER PARTY: A written contract whereby a shipowner agrees to hire his ship (or aircraft) to a charterer (the hirer) for payment of an agreed sum of money. The charterer may enter into such a contract: (a) either to transport all or a part of his cargo from one specified port to another (voyage charter); or (b) the ship and the crew for a definite period, or (c) the ship, without the crew, for a definite period (bare boat charter).</p>	<p>قرارداد اجاره دربست: قرارداد تحریری که مالک کشتی بر اساس آن موافقه مینماید تا کشتی خود یا (هوایما) را به شخص اجاره گیرنده (کرایه گیرنده) در بدل پرداخت مبلغ موافقه شده پول به کرایه بدهد. شخص کرایه گیرنده میتواند داخل قرارداد مانند (الف) خواه تمام و یا قسمتی از محموله خود را از یک بندر به بندر دیگر (دریایی) انتقال بدهد؛ یا (ب) کشتی و خدمه آن برای مدت معین، یا (ج) کشتی بدون خدمه آن، برای یک مدت معین (اجاره دربست و وسیله نقلیه) شود.</p>
<p>RATE CONTRACT: The system of establishing a price for supplies at that price over a specified period of time. It is also sometimes referred to as a running contract. see also: Basic agreement, Blanket order</p>	<p>قرارداد استراتژی تخفیف قیمت: سیستم تعیین قیمت برای اكمالات که برای یک مدت مشخص ثابت باقی می ماند. این سیستم بعضی اوقات به معنی قرارداد جاری نیز دانسته می شود. همچنان: به موافقه ابتدائی و فرمایش عمومی مراجعه شود.</p>
<p>INCOTERMS: A set of trade terms for which precise definitions have been set down by the International Chamber of Commerce, Paris, which, when used in a contract, clearly indicate the rights and obligations of the procuring entity and the supplier.</p>	<p>قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت (اینکوترمز): مجموعه شرایط تجارتي است که تعریفات دقیق توسط اتاق تجارت بین المللی پاریس وضع شده است که هرگاه در یک قرارداد استفاده شود، به صورت روشن حقوق و مکلفیت ها اداره تدارکاتی و اكمال کننده را واضح میسازد.</p>
<p>PROCUREMENT CONTRACT: The written</p>	<p>قرارداد تدارکات²⁶: موافقتنامه تحریری خواسته های جانبین،</p>

<p>agreement of the parties' will, regarding the procurement, of the agreed goods, works or services, on the basis of which rights and obligations of the parties are determined.</p>	<p>در مورد تدارک اجناس، امور ساختمانی یا خدمات موافقه شده که بر اساس آن حقوق و مکلفیت های جانبین تشخیص میگردد، میباشد.</p>
<p>RUNNING CONTRACT: see Rate contract</p>	<p>قرارداد جاری: به قرارداد مشروط به نرخ مراجعه شود</p>
<p>FRAME CONTRACT: see Basic agreement, Blanket order, Rate contract</p>	<p>قرارداد چهارچوبی: به موافقتنامه ابتدائی، فرمایش کلی و تخفیف قیمت مراجعه شود.</p>
<p>SUBCONTRACTOR: A person or a firm who enters into an agreement with a prime (main) contractor and undertakes to perform a part of the prime contractor's obligations with reference to the main contract. In construction and turnkey projects the practice of the procuring entity awarding a contract for the complete job to one (prime) contractor and the latter subcontracting parts to different subcontractors is usual practice. If some of these are defined by the procuring entity, these subcontractors are called nominated subcontractors and the risk of their failure to perform the requested services rests with the supplier. see also: Contractor, prime</p>	<p>قراردادی فرعی: شخص یا نهادیکه با قراردادی ابتدایی (اصلی) داخل یک موافقتنامه شده و تعهد میسپارد که قسمتی از مکلفیت های قراردادی اصلی را با نظر داشت قرارداد اصلی بر عهده می گیرد. در پروژه های ساختمانی و قرارداد های کار تمام عملکرد اداره تدارکاتی اعطای یک قرارداد به منظور تکمیل و وظیفه به یک قراردادی اصلی و بخش های قرارداد فرعی بعدی به قراردادیان فرعی مختلف یک عملکرد معمول میباشد. در صورتیکه بعضی از اینها توسط اداره تدارکاتی تعریف شده باشند، این قراردادیان فرعی بنام قراردادیان فرعی نامزد یاد شده و خطر ناکامی آنها در اجرای خدمات درخواست شده با اكمال کننده قرار میگیرد. همچنان: به قراردادی اصلی مراجعه شود.</p>
<p>CONTRACT, FIR/ FIXED PRICE: A contract that provides for a fixed price not subject to any adjustment on account of cost increases that a supplier may experience in the course of execution of the contract.</p>	<p>قرارداد، قیمت ثابت: قراردادی است که بر اساس آن روی یک قیمت معین توافق صورت میگیرد و به هیچ صورت بنا بر افزایش قیمت که اكمال کننده در اجرای قرارداد به آن رو به رو می شود، قابل تعدیل نمی باشد.</p>
<p>CONTRACT, FIXED-PRICE WITH REVISION: Is a variation of a fixed-price type of contract which provides for the upward or downward changes in prices of specified materials and/ or of labour costs.</p>	<p>قرارداد، قیمت ثابت با تجدید نظر: نوعی از قرارداد قیمت معین است که طبق آن در صورت بالا یا پائین آمدن نرخ های مواد مشخص و یا هزینه کارگر، تجدید نظر در قیمت صورت گرفته می تواند.</p>
<p>TURNKEY CONTRACT: A contract for plant fabrication, its installation and/ or commissioning and/ or the associated civil construction.</p>	<p>قرارداد کار تمام: قرارداد کارخانجات، نصب و یا کاربرد و یا امور ساختمانی آن میباشد.</p>
<p>DIRECT CONTRACTING: Selection of a supplier without obtaining bids/ offers from bidders. Used for small purchase values or in case of extreme urgency. see also: Single-source procurement, Direct procurement</p>	<p>قرارداد مستقیم: انتخاب یک اكمال کننده بدون دریافت آفر از داوطلبان. از این روش برای خریداری های داری قیمت کم یا در صورت ضرورت فوری استفاده می شود. همچنان: به تدارک از منبع واحد و تدارکات مستقیم مراجعه شود.</p>
<p>CONTRACT, COST-PLUS-A-FIXED-FEE: A contract which provides reimbursement of cost of materials used in fabrication of equipment and/ or construction of plant and/ or specific costs of services (for example travel costs) on an actual basis plus a fixed</p>	<p>قرارداد، هزینه جمع حق الزحمه معین: قراردادی است که احکامی در مورد جبران مصرف مواد استفاده شده در ساخت تجهیزات و یا امور ساختمانی دستگاه و یا مصارف خاص خدمات (به طور مثال سفریه) بر مبنای یک واقعیت</p>

<p>(amount) fee for the supplier, the fee bearing no relationship to the cost of materials or services.</p>	<p>جمع حق الزحمه (مبلغ) معین برای تهیه کننده، مبلغیکه هیچ ارتباطی با مصرف مواد یا خدمات ندارد.</p>
<p>CONTRACT, COST-PLUS-INCENTIVE-FEE: A cost reimbursement type of contract for a construction of a turnkey project where the supplier's fee is linked to the actual costs in relation to the estimated or the target cost so that there is an incentive for the supplier for cost reduction.</p>	<p>قرارداد، هزینه جمع امتیاز تشویقی: نوع مصرف قابل جبران قرارداد برای امور ساختمانی قرارداد کار تمام یک پروژه که در آن حق الزحمه اكمال کننده با مصارف واقعی تخمینی یا مورد نظر به گونه ایکه برای اكمال کننده به حیث مشوق جهت تخفیف نرخ ها، مربوط میشود.</p>
<p>CONTRACT, COST-PLUS-A-PERCENTAGE-OF-COST: A contract in which a fee is set at a specified percentage of the supplier's actual cost of accomplishing the work.</p>	<p>قرارداد، هزینه جمع فیصدی مصرف: قراردادی است که در آن مبلغ به شکل فیصدی معین مصرف واقعی اجرای کار اكمال کننده تعیین می گردد.</p>
<p>CONTRACTOR³³: A person under contract with a procuring entity to supply, according to the context, goods, works or services. see also: Contractor, prime, Subcontractor</p>	<p>قراردادی²⁷: شخصی که به منظور تهیه و تدارک اجناس، خدمات و امور ساختمانی با اداره تدارکاتی عقد قرارداد مینماید. همچنان: به متعهد، ابتدائی و قرارداد فرعی مراجعه شود.</p>
<p>NET PRICE: Final price after all adjustments have been made for all discounts and rebates.</p>	<p>قیمت خالص: قیمت نهایی بعد از تمام تعدیلاتیکه بنا بر تخفیفات و پرداخت بخشی از بدهی ها صورت میگردد.</p>
<p>LANDED PRICE: A price including the cost of the goods, transportation, insurance and other cost incidental to delivery to the location specified by the purchaser. It also includes import duty where applicable.</p>	<p>قیمت پائین آمده: قیمت به شمول هزینه اجناس، انتقالات، بیمه و سایر مصارف ضمنی تحویلی در محل مشخص شده توسط فرمایش دهنده میباشد. این قیمت شامل مالیات وارداتی در صورتیکه قابل اجرا باشد، نیز میشود.</p>
<p>CFR: see Cost and freight</p>	<p>قیمت حمل و نقل CFR: به قیمت حمل و نقل مراجعه شود</p>
<p>COST AND FREIGHT (CFR): INCOTERM, defines that the supplier must pay the costs and freight necessary to bring the goods to the named port of destination but the risk of loss of or damage to the goods, as well as any additional costs due to events occurring after the time the goods have been delivered on board the vessel, is transferred from the supplier to the procuring entity when the goods pass the ship's rail in the port of shipment. The CFR term requires the supplier to clear the goods for export. This term can only be used for sea and inland waterway transport. When the ship's rail serves no practical purpose, such as in the case of roll-on/ roll-off or container traffic the CPT term is more appropriate to use. see also: Incoterms</p>	<p>قیمت و بهای حمل و نقل (CFR): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت (اینکوترمز)، واضح میسازد که اكمال کننده باید مصارف و کرایه ضروری انتقال اجناس تا محل نامگذاری شده را بپردازد اما خطر زیان و ضرر اجناس و تمام مصارفی را که بعد از تسلیمی اجناس در بندر کشتی واقع می شود، و اجناس در بندر می گذرد، مسئولیت آن از اكمال کننده خلاص و به اداره تدارکاتی تعلق می گیرد. این شرایط اكمال کننده را وادار میسازد تا تصفیه حساب اجناس برای صدور را انجام دهد. این شرایط صرف برای انتقالات دریایی وزمینی استفاده شده میتواند. وقتیکه قطار کشتی هدف عملی نداشته، مثلاً در صورت لول خوردن یا ازدحام کانتینر استفاده از این شرایط بسیار مناسب می باشد. همچنان: به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>

ک

<p>CARTEL: An organisation or group of organisations which colludes to determine the quantities and/ or prices of goods or services to be provided by each of its members.</p>	<p>کارتل²⁸: تیبانی بین مؤسسات به منظور تعیین مقدار و یا نرخ های اجناس یا خدمات که توسط هریک از اعضای آن تهیه میگردد.</p>
<p>MATERIAL DEFICIENCY: Any deficiency (such as physical, chemical, electrical or functional) noted in material that is attributed to non-conformance to contract specifications. Substandard workmanship is considered to fall within this definition. see also: Non-conformance, Technical specification</p>	<p>کاستی در مواد: هر نوع کمبود یا نقص فزیک، کیمیاوی، برقی یا کارایی ملاحظه شده در مواد که به عدم مطابقت با مشخصات قرارداد نسبت داده شود. معیارات فرعی کارگری، داخل این تعریف شامل میشود. همچنان: به عدم مطابقت و مشخصات تخنیکي مراجعه شود.</p>
<p>CANDIDATE: A physical or legal person invited to take part in public procurement or seeking to be so invited. see also: Bidder</p>	<p>کاندید: شخص حقوقی یا فزیکي که جهت اشتراک در تدارکات عامه از وی دعوت بعمل آید یا خواهش دعوت شدن در آن را داشته باشد. همچنان: به داوطلب مراجعه شود.</p>
<p>CHARTER: Is the mercantile lease of hire of a carrier such as vessel, aircraft, etc., for carriage of cargo on terms and conditions specified in an agreement (called charter-party when an ocean going vessel is involved).</p>	<p>کرایه درستی: اجاره یا کرایه یک انتقال دهنده مانند کشتی، هواپیما و غیره برای انتقال محموله تحت شرایط مشخص در موافقتنامه (در صورتیکه کشتی در آن شامل باشد، قرارداد اجاره در بست نامیده می شود).</p>
<p>CHARTEREE: One who leases a ship or a part of its cargo space for transporting goods. The charterer may himself be the owner of the goods or he may be an intermediary, a broker between the ship-owner and the owner of the cargo.</p>	<p>کرایه دهنده: کسی که کشتی یا قسمتی از خالیگاه محموله را برای انتقال اجناس به کرایه میدهد. کرایه گیرنده می تواند خود مالک اجناس یا وساطت کننده یا دلال میان مالک کشتی و مالک محموله باشد.</p>
<p>PREPAID (FREIGHT): Means that transportation charges have been or are to be paid at the point of shipment and not at the destination.</p>	<p>کرایه کشتی قبلاً پرداخت شده: مصارف ترانسپورتنی پرداخت شده یا قرار است در محل بارگیری نه در منزل نهایی پرداخت شود.</p>
<p>ADMINISTRATIVE REVIEW COMMITTEE: Panel appointed by the Head of the PPU in accordance with the public procurement Law for the purpose of providing administrative review of applications for review filed pursuant to the Law.</p>	<p>کمیته بررسی اداری²⁹: هیئت منصفه ای است که توسط رئیس اداره پالیسی تدارکات به منظور بررسی عرایض وارده به منظور تجدید نظر با رعایت احکام قانون تعیین میگردد.</p>
<p>SPECIAL PROCUREMENT COMMISSION (SPC): The Committee established in compliance with the provisions of article 90 of the public procurement Law to conclude major [high-value] procurement contract awards.</p>	<p>کمیسیون تدارکات خاص³⁰ (SPC): هیئت سه نفری است که در مطابقت با احکام ماده 90 قانون تدارکات عامه جهت اعطای منظوری قراردادهای تدارکاتی (با قیمت بلند) ایجاد شده است.</p>
<p>VARIETY CONTROL: The selection of the optimum number of sizes, other characteristics or types of a product, required to meet prevailing needs. see also:</p>	<p>کنترول تنوع: انتخاب تعداد مناسب تعداد مقدار، سایر خصوصیات یا تنوع محصول که برای مطابقت با</p>

²⁸ توافق رسمی بین فروشنده گان یک جنس که به منظور تعیین قیمت و مقدار فروش و کنترول اعضای بازار صورت میگردد

²⁹ جزء 1 حکم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه

³⁰ جزء 32 حکم 3 احکام طرز العمل تدارکات عامه

<p>mandatory standardization, standard, standardization</p>	<p>ضروریات لازم است، میباشد. همچنان: به معیاری سازی اجباری، معیار و معیاری سازی مراجعه شود.</p>
<p>QUALITY CONTROL: A systematic approach to inspection of products (services) during the process of production (rendering) to ensure that the products (results) meet the expected use or performance standards as well as to identify the source of defects in materials used, workmanship, performance, design or technique of production. see also: Acceptable quality level, Quality assurance</p>	<p>کنترول کیفیت: روش اصولی یا سیستماتیک رسیده گی به تولیدات (خدمات) در جریان مراحل تولید (تحویلی) به منظور اطمینان از اینکه تولیدات (نتایج) با معیارات استفاده یا اجرا و همچنان تشخیص منبع کاستی ها در مواد استفاده شده، طرز کار، اجرا، دیزاین یا تخنیک تولید مطابقت دارد. همچنان: به حد قابل قبول و اطمینان از کیفیت مراجعه شود.</p>
<p>INVENTORY CONTROL: A functional aspect of inventory management, which seeks to ensure that stocks of raw materials, parts and components, are at an optimal level, that is neither too low in relation to expected usage, nor too high as to increase avoidable holding costs. see also: Economic order quantity (EOQ), Order point control, Reorder point, Stock</p>	<p>کنترول موجودی: جنبه وظیفوی مدیریت موجودی که به منظور اطمینان از اینکه ذخایر مواد خام، پرزه جات و اجزاء در حد مطلوب قرار داشته و در ارتباط به استفاده مورد نظر نه بسیار پائین و نه هم بسیار بلند بوده که سطح مصارف قابل اجتناب را بالا ببرد. همچنان: فرمایش اقتصادی مقدار، کنترول حد فرمایش، حد فرمایش دوباره و گدام مراجعه شود.</p>
<p>ORDER POINT CONTROL: A method of inventory control which relies on defining a minimum stock level which when reached must trigger off procurement action of re-ordering. see also: Inventory control, Reorder point</p>	<p>کنترول حد فرمایش: روش کنترول موجودی که بالای تعریف حد اقل سطح گدام زمانیکه به آن حد رسید، باید از اقدام دوباره برای فرمایش تدارکات ممانعت صورت گیرد. همچنان: به کنترول موجودی و نقطه امر خریداری دوباره مراجعه شود.</p>
<p>DEFAULT: Failure of a supplier or a procuring entity to comply with any one or more of the terms and conditions of a contract. see also: Breach of contract</p>	<p>کوتاهی: عدم موفقیت اكمال کننده یا اداره تدارکاتی در رعایت نمودن یک یا بیشتر شرایط و مقررات قرارداد میباشد. همچنان: به نقض قرارداد نیز مراجعه شود.</p>
<p>QUALITY: The term covering any and every characteristics property and/ or performance of a product or service that can be evaluated to determine whether the product or service meets the specified requirements.</p>	<p>کیفیت: اصطلاحی است که تمام خصوصیات دارایی و یا اجرای محصول یا خدمت که جهت تشخیص این موضوع که محصول یا خدمت با شرایط مشخص مطابقت دارد را تحت پوشش قرار دهد.</p>
<h2>گ</h2>	
<p>WAREHOUSE: A place of storage for merchandise and commodities. In addition to the service of storage, some warehouses particularly in the vicinity of a port area perform the functions of freight forwarding and/ or of distribution agents. see also: Inventory, Stock</p>	<p>گدام: عبارت از جای ذخیره برای اجناس و اموال تجارتي میباشد. بر علاوه خدمت ذخیره، بعضی از تحویلخانه ها به خصوص در مجاورت ساحه یک بندر وظایف کرایه کشتی برای تحویلی و یا توزیع نماینده ها میباشد. همچنان: به موجودی و ذخیره مراجعه شود.</p>
<p>BONDED WAREHOUSE: Place owned by persons approved by an appropriate government authority and who have given guarantees or bonds for the strict observance of revenue and/ or import control laws. Such warehouses are used for the storage and custody of</p>	<p>گدام گمرک: محل مربوط به اشخاص که از طرف مقام مربوطه دولتی منظوری داده شده و به منظور نظارت جدی و یا قوانین کنترول واردات تضمینات یا تضمین بانکی داده اند. این گدام ها برای ذخیره و محافظت از</p>

<p>import merchandise, till customs are satisfied that the goods have been imported with the permission of the relevant government authority (e.g. are covered by a proper import licence) and/ or the duties are paid or the goods are being reshipped without entry. In many developing countries with strict import regulations in force, security and supervision over movements is provided by government. see also: Clearance of goods, In bond</p>	<p>واردات تجارتي، تازمانیکه مسؤلین گمرک راضی شونډ که اجناس به اجازه مقامات دولتي مربوطه وارد شده است (به طور مثال توسط یک اجازه نامه مناسب تحت پوشش قرار گرفته اند) ویا مالیات پرداخت یا اجناس بدون اینکه وارد شونډ دوباره انتقال یابد، استفاده میشود. در بسیاری از کشور های رو به انکشاف که مقررات شدید وارداتی دارند، امنیت و نظارت بالای تحرکات توسط حکومت فراهم شده است. همچنان: به تصفیه حساب اجناس و تضمین مراجعه شونډ.</p>
<p>BID OPENING: In procurement through competitive bids/ offers the opening and reading of bids/ offers, conducted at the time and place specified in the bidding documents, and in the presence of anyone who wishes to attend and is allowed to do so according to the provisions of the Public Procurement Law.</p>	<p>گشایش آفرها: در مراحل تدارکاتی که در آن داوطلبی رقابتي راه اندازی می شونډ، گشایش و خواندن آفرها در محل و زمان معینه در شرطنامه، در حضور داشت هر کسیکه بخواهد حضور یابد و طبق احکام قانون تدارکات عامه به وی اجازه داده شده باشد، صورت میگیرد.</p>
<p>CONSIGNEE: A person or a firm in whose name the goods are shipped by the supplier. The consignee may be the procuring entity of the goods, an agent of the supplier (if the goods are intended to be stocked for eventual sale), etc. The consignee referred to in a bill of lading is, therefore, entitled to take delivery of goods on arrival. see also: Consignor</p>	<p>گیرنده بار: شخص یا نهادیکه اجناس عنوانی وی ارسال میگردد. شخص مذکور میتواند خود اداره تدارکاتی اجناس، نماینده اکمال کننده (در صورتیکه اجناس به مقصد ذخیره برای فروشات تدریجی، و غیره بوده باشد) باشد. گیرنده بار مذکور در بارنامه به همین منظور مسؤلیت تحویلی اجناس را بعد رسیدن آن بر عهده میگیرد. همچنان: به فرستنده اجناس مراجعه شونډ.</p>
<p>ل</p>	
<p>LOCATION CLAUSE: A clause in a cargo insurance contract which limits insurance cover for a loss at any place prior to loading on to the vessel. This means that the value of the assured cargo in any one location can be higher than the stated limit and it will continue to be insured for that higher value but if it is damaged by, say a fire in a warehouse, the claim will extend only up to the stated limit.</p>	<p>لانحه موقعیت: بندی از قرارداد بیمه میباشد که بیمه را برای پوشش خساره در هر جا را قبل از بارگیری در کشتی محدود میسازد. این بدان معنی است که ارزش محموله بیمه شده در هر یکی از محل میتواند نسبت به حدود تعیین شده بلند تر باشد و این بیمه با آن ارزش بلند تر ادامه داشته باشد اما در صورتیکه بواسطه مثلاً یک آتش سوزی در گدام خساره مند شونډ، ادعای حقوق صرف در محدوده معینه آن می تواند باشد.</p>
<p>TERMS OF REFERENCE (TORS): Scope of work for a service contract equivalent to the specification of goods in a contract for the purchase of goods. see also: Specification, Technical specification</p>	<p>لانحه وظایف (TOR): عبارت از ساحة کار در یک قرارداد خدمت معادل مشخصات اجناس در قرارداد برای خریداری اجناس میباشد. همچنان: به مشخصات و مشخصات تخنیکي مراجعه شونډ.</p>
<p>PACKING LIST: A statement which lists in detail the contents of a particular package. It is also called PACKING NOTE.</p>	<p>لست بسته بندی: سندیکه تمام محتویات یک بسته خاص در آن به صورت مفصل لست وار تهیه شده است. به نام یادداشت بسته بندی نیز یاد میشود.</p>
<p>TALLY: A listing of items in a shipment by quantity and description.</p>	<p>لست مکمل اجناس (تالی): لست اقلام در یک محموله بامقدار و توضیحات آن میباشد</p>

<p>LIST PRICE: The prices published in a catalogue or any similar publication by a producer (or trader) from time to time. Often list prices are indicative prices on which discounts are offered. see also: Cash discount, Concealed discount, Discount, Price discrimination, Quantity discount, Rebate, Trade discount</p>	<p>لست نرخ ها: نرخ های که در یک کتلاگ یا نشریه مشابه توسط یک تولید کننده (یا تاجر) گاهگاهی به نشر میرسد. اکثر اوقات لست نرخ ها اخباری بوده که از طریق آن تخفیفات پیشنهاد میگردد. همچنان: به تخفیف پول نقد، تخفیف لغوشده، تخفیف، تفاوت قیمت، تخفیف در مقدار، کاهش و تخفیف تجارتي مراجعه شود.</p>
<p>م</p>	
<p>IMPORT DUTIES: Taxes imposed by governments on imports of goods from abroad. The duties are levied to (a) raise revenues and/ or to (b) provide protection to domestic industry. see also: Bill of Entry, Customs duties, Customs tariff</p>	<p>مالیات وارداتی گمرک: مالیاتی است که توسط حکومت ها بالای اجناس وارداتی وضع می گردد. این مالیات به (الف) به منظور بلند بردن عواید ویا (ب) برای محافظت از صنایع داخلی کشور میباشد. همچنان: به اظهارنامه ورودی، مالیات و تعرفه های گمرکی مراجعه شود.</p>
<p>BARTER: Trade effected through exchanging one kind of goods for another, without involving money or any financial instrument of exchange.</p>	<p>مبادله اجناس: دادوستد تجارتي که با مبادله یک نوع جنس درمقابل دیگر، بدون شامل ساختن پول یا امکانات مالی دیگر صورت میگیرد.</p>
<p>CIRCULARS: Circulars means circulars or guidelines issued by the PPU under the provisions of article 95 (2) of the Law.</p>	<p>متحدالمالها³¹: متحد المال ها یا رهنمود های است که توسط اداره پالیسی تدارکات با نظر داشت بند (2) ماده نود و پنج 95 قانون تدارکات صادر میگردد.</p>
<p>IMPORT RESTRICTIONS: Direct regulation of the quantity or types of goods imported into a country, largely through licences or quotas.</p>	<p>محدودیت های وارداتی: مقررات مستقیم مقدار یا انواع اجناسیکه به صورت هنگفت از طریق اجازه نامه ها یا سهمیه وارد کشور میشوند.</p>
<p>CONTRACT PERIOD: An arrangement for the supply of goods or services established for a fixed period of time.</p>	<p>مدت قرارداد: ترتیباتیکه جهت تهیه اجناس یا خدمات برای یک مدت معین گرفته شود، میباشد.</p>
<p>LEAD TIME: The period of time from date of placing the order with a supplier to the date by which the goods are delivered by him and received by the procuring entity. In inventory management, one has to allow for reasonable lead time (based on experience) so that orders are placed well ahead of requirements, providing for the delivery time as well as the time for haulage of the goods to the procuring entity's warehouse, so as to avoid the possibility of a stock out. see also: Administrative lead time</p>	<p>مدت میان سفارش و دریافت اجناس: مدت زمان از وقت فرمایش به اكمال کننده الی زمانیکه اجناس توسط او تحویل و توسط اداره تدارکاتی دریافت می گردد. در مدیریت موجودی باید وقت کافی و معقول (بر اساس تجربه) داده شود که فرمایشات خریداری قبل از ضروریات وقت تحویلی و همچنان برای انتقال اجناس به تحویلخانه اداره تدارکاتی، جهت اجتناب از خالی شدن گدام در نظر گرفته شود. همچنان: به میعاد اداری تحویلی مراجعه شود.</p>
<p>NEGOTIATION: The term refers to the bargaining process between a procuring entity and a bidder each advancing his arguments in trying to get the best contract terms from his viewpoint. It is allowed only in</p>	<p>مذاکره: این اصطلاح به پروسه چانه زنی میان یک اداره تدارکاتی و داوطلب که هر یک با ارائه استدلال خود جهت بدست آوردن بهترین شرایط قرارداد از نقطه نظر خود تلاش مینماید، اطلاق میگردد. این اصطلاح صرف</p>

specific procurement methods.	در روش های مشخص تدارکاتی اجازه داده میشود.
PROCUREMENT PROCEEDING: The procurement activities that follow the decision by the initiation authority as mentioned in the PPL Annex A, to conduct a procurement, including any pre-qualification proceedings, and terminates with the completion of the procurement in accordance with the procurement contract.	مراحل تدارکات ³² : فعالیت های تدارکاتی که بعد از تصمیم توسط مقامات ذیصلاح، طوریکه در قانون تدارکات عامه ذکر شده است، جهت راه اندازی تدارکات به شمول پروسه ارزیابی قبلی اهلیت بوده و با تکمیل تدارکات در مطابقت با قرارداد خاتمه می یابد.
REQUEST FOR QUOTATIONS PROCEEDINGS: Is the simplified procurement method, provided by Law, used to carry out low-value procurement of standard goods or routine works or non-consultancy services.	مراحل درخواست نرخ دهی ³³ : عبارت از روش ساده تدارکاتی طبق احکام قانون میباشد که جهت تدارکات اجناس معیاری یا امور ساختمانی و خدمات غیر مشورتی عادی دارای قیمت کم استفاده میشود.
REQUEST FOR PROPOSALS PROCEEDINGS: Is the procurement method provided by the Public procurement Law, to be utilised for procurement of consultants' and other intellectual services.	مراحل مطالبه پیشنهادات ³⁴ : عبارت از روش مندرج قانون تدارکات عامه است که برای تدارک خدمات مشورتی و سایر خدمات ذهنی استفاده میشود.
LETTER OF INTENT: A preliminary quasi-contractual arrangement by letter customarily used in circumstances where the goods, works or services, quantities, price and delivery dates are known, but where principal contract provisions may require additional time-consuming negotiations. A letter of intent is used to enter into interim agreement, pending a definite contract so as to permit the start of services, construction, production, or delivery of supplies or materials.	مرام نامه: موافقتنامه ابتدایی شبیه یک قرارداد توسط نامه ای که به صورت عادی در حالاتیکه اجناس، امور ساختمانی یا خدمات، کمیت، قیمت و تاریخ تحویلی معلوم بوده استفاده می شود، اما در صورتیکه طبق احکام قرارداد اصلی مذاکرات اضافی لازم شده می تواند. مرامنامه به منظور داخل شدن در یک موافقتنامه مؤقتی، قراردادیکه به تعویق افتیده است جهت اجازه آغاز اجرای خدمات، ساختمان، تولیدات، ویا تحویلی اجناس یا مواد استفاده میشود.
INITIATION AUTHORITY: The entity or person with authority to initiate procurement proceedings, in accordance with the levels of authority prescribed in the Public Procurement Law.	مرجع آغاز: نهاد یا شخصی که صلاحیت آغاز مراحل تدارکاتی را با در نظر داشت حدود صلاحیت مندرج قانون تدارکات عامه دارا باشد.
SPECIFICATION: A statement of a set of requirements to be satisfied by a product, material or process, indicating, whenever appropriate, the procedures by means of which it may be determined whether the requirements given are satisfied. It will generally include physical, chemical and/ or metallurgical properties of a product and/ or its design characteristics and/ or performance standards. It may also include terminology, testing and test methods, packaging, marking and/ or labelling requirements. see also: Technical specification	مشخصات: ذکر تعدادی از شرایط که یک محصول، مواد یا مراحل باذکر این مطلب که در صورت لزوم، طرز العمل هابیکه طبق آن تصمیم گرفته می شود که آیا اموال تحویل داده شده قابل قبول است یا خیر، داشته باشد. عموماً این مشخصات شامل اشیای فزیک، کیمیاوی ویا وابسته به فن استخراج و ذوب فلزات یک محصول ویا خصوصیات دیزاین ویا معیارات اجرا بوده و شامل اصطلاحات فنی، آزمایش و روش آزمایش، بسته بندی، علامه گذاری ویا ضروریات لیبل زنی نیز میباشد.

³² جزء 11 ماده سوم 3 قانون تدارکات عامه (تعدیل، ایزاد و حذف برخی از مواد آن)

³³ جزء 6 ماده سوم 3 قانون تدارکات عامه (تعدیل، ایزاد و حذف برخی از مواد آن)

³⁴ جزء 12 ماده سوم 3 قانون تدارکات عامه

	همچنان: به مشخصات تخنیکي مراجعه شود.
TECHNICAL SPECIFICATION: Part of purchase specifications on design, quality and/ or performance excluding those on packaging, labelling marking, etc. see also: Certificate of inspection, Design specification, Inspection, Provisioning, Specification, Terms of reference	مشخصات تخنیکي: بخشی از مشخصات خریداری در مورد دیزاین، کیفیت و یا اجرا به استثنای مشخصات بسته بندی، لیبل زنی و علامه گذاری و غیره میباشد. همچنان: به تصدیق معاینه، مشخصات دیزاین، معاینه، تأمین ذخیره، مشخصات و لائحه وظایف مراجعه شود.
DESIGN SPECIFICATIONS: Specifications which indicate the essential characteristics which a product to be fabricated and supplied should possess. These have to be as detailed as possible, illustrated with drawings where necessary so as to enable the bidders to know precisely what the procuring entity needs are and what he wants. On the other side they should leave enough room for a competition between the makes of several bidders to secure as much competition (also quality competition) as possible. see also: Certificate of inspection, Inspection, Specification, Technical specification	مشخصات دیزاین: مشخصاتی که بیانگر خصوصیات ضروری که یک جنس در هنگام تولید یا اكمال، باید داشته باشد، بیان می نماید. این مشخصات باید تاحد امکان با جزئیات و با نقشه ها در صورت لزوم تصریح شده باشد تا داوطلبان را در فهم دقیق ضروریات و خواستهای اداره تدارکاتی قادر سازد. از جانب دیگر آنها باید تا حد ممکن زمینه برای رقابت و رقابت در کیفیت میان چندین داوطلب را فراهم سازد. همچنان: به تصدیق معاینه، معاینه، مشخصات و مشخصات تخنیکي مراجعه شود.
PRECLUSIVE SPECIFICATION: Specifications which are so restrictive as to limit or exclude competition.	مشخصات مانعه: مشخصات تا اندازه محدود که باعث محدودیت یا ممانعت رقابت شود.
RESTRICTIVE SPECIFICATIONS: see Preclusive specifications	مشخصات محدود: به مشخصات مانعه مراجعه شود.
INVENTORY CARRYING COSTS: Monetary cost of holding stocks. These consist of: (a) interest on blocked capital; (b) cost of handling the material; (c) storage or warehousing costs; (d) premium on insurance (for theft, fire, etc.); (e) deterioration; and (f) obsolescence.	مصارف اجرای موجودی: مصارف پولی نگهداری ذخایر میباشد. اینها شامل: (الف) منفعت سرمایه بند انداخته شده؛ (ب) مصرف نگهداری مواد (ج) مصارف ذخیره یا گدام داری؛ (د) حق بیمه (برای دزدی، حریق، و غیره)؛ (ه) بدتر شدن؛ (و) کهنگی میباشد.
ORDERING COSTS: Cost of placing an order.	مصارف امر خریداری: مصرف یک امر خریداری میباشد
DEVELOPMENT COSTS: Supplier's expenses in development of a design or a prototype to help the procuring entity (contracting authority) decide whether the product conforming to this would meet his intended use. As part of a two-stage tendering procedure, these costs will not be reimbursed by the procuring entity.	مصارف انکشافی: مصارف اكمال کننده در تهیه دیزاین یا نمونه اصلی جهت کمک به اداره تدارکاتی مقامات قرارداد کننده مبنی بر این که آیا تولید با ضروریات قابل استفاده وی مطابقت دارند یا خیر میباشد. منحصی بخشی از طرز العمل مناقصه دومرحله ای، این مصارف توسط اداره تدارکاتی قابل جبران نخواهد بود.
STOWAGE: Charges connected with stowing of goods in a ship.	مصارف بارگیری: مصارف و مخارج مربوط به جا سازی اجناس در یک کشتی میباشد
CIF: see Cost, Insurance and freight	مصرف بیمه و حمل CIF: به مصرف بیمه و حمل مراجعه شود.
COST, INSURANCE AND FREIGHT (CIF): INCOTERM, defines that the supplier has the same obligations as under CFR but with the addition that he	مصارف حمل و نقل و بیمه پرداخت شده (CIF): قرارداد های تهیه شده توسط اطاق تجارت بین المللی (اینکو ترمز)، واضح میسازد که اكمال کننده همان مکلفیت

<p>has to procure marine insurance against the procuring entity risk of loss of or damage to the goods during the carriage. The supplier contracts for insurance and pays the insurance premium. The procuring entity should note that under the CIF term the supplier is only required to obtain insurance on minimum coverage. The CIF term requires the supplier to clear the goods for export. This term can only be used for sea and inland waterway transport. When the ship's rail serves no practical purposes such as in the case of roll-on/ roll-off or container traffic, the CIP term is more appropriate to use. see also: Incoterms</p>	<p>ها را تحت قرارداد مصرف بیمه و حمل خواهد داشت، اما علاوه بر آن او باید بیمه دریایی خطرزیان یا خساره اجناس را در جریان انتقال به اداره تدارکاتی نیز تهیه نماید. اكمال کننده قرارداد بیمه را نموده و وثیقه بیمه را نیز می پردازد. اداره تدارکاتی باید بداند که تحت شرایط قرارداد مصرف بیمه و حمل، اكمال کننده صرف مکلف به بدست آوردن حد اقل پوشش بیمه می باشد. این قرارداد، اكمال کننده را وادار به تصفیه حساب اجناس صادراتی مینماید. این شرایط صرف برای انتقالات دریایی وزمینی استفاده شده میتواند. وقتیکه قطار کشتی اهداف مانند حوادث لول خوردن یا چپ شدن یا ازدحام کانتینر را نداشته باشد، CIP برای استفاده بسیار مناسب به نظر می رسد. همچنان: به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت مراجعه شود.</p>
<p>LIFE-CYCLE COSTING: A procurement technique forevaluation of bids/ offers that considers, besides acquisition costs (price), other cost elements of maintenance, operating, etc., in evaluating different supply bids/ offers to compare and to select the one with the lowest total cost for the entire period over which the product is expected to be in use. see also: Analysis of bids, Tabulation of bids/ offers, Bid evaluation</p>	<p>مصارف کارایی: تخنیک تدارکاتی برای ارزیابی آفرها که بر علاوه مصارف خریداری (قیمت)، سایر مصارف حفظ و نگهداشت، کاربرد و غیره، در ارزیابی آفرهای مختلف جهت مقایسه و انتخاب آفر دارای نازلترین قیمت برای مدتیکه جنس قابل استفاده است، میباشد. همچنان: به تحلیل و تجزیه، جدول بندی و ارزیابی آفرها مراجعه شود.</p>
<p>COMPATIBILITY: The suitability of products or systems to be used together under specified conditions to fulfil the relevant requirements without causing unacceptable interactions.</p>	<p>مطابقت یا سازش پذیری: مناسب بودن تولیدات یا سیستم هاییکه یکجا تحت شرایط خاص، به منظور تکمیل ضروریات مربوطه بدون اینکه باعث تعاملات غیر قابل قبول شود مورد استفاده قرار میگیرند.</p>
<p>REQUEST FOR PROPOSALS (RFP): The document package utilised for procurement of, consultants' services using request-for-proposals proceedings, in accordance with the Law, in which the procedures and conditions for submission and evaluation of proposals, and the contractual terms are described.</p>	<p>مطالبه پیشنهادات: مجموعه ای اسناد است که به منظور تدارک خدمات مشورتی با استفاده از مراحل مطالبه پیشنهادات، در مطابقت با قانون که در آن طرز العمل ها و شرایط برای ارائه و ارزیابی پیشنهادات و قرارداد در آن توضیح گردیده است، مورد استفاده قرار می گیرد.</p>
<p>INSPECTION: A survey carried out by a procuring entity or his agent to determine whether the goods or services conform to the specifications respectively the terms of reference laid down in the contract. This inspection may be carried out while goods are in the process of manufacture, before shipment or after shipment as well as throughout the implementation of a project. It includes the process of measuring, examining, testing, gauging or otherwise comparing activities and results with applicable requirements as</p>	<p>معاینه: راه اندازی سروی توسط اداره تدارکاتی یا نماینده او به منظور اطمینان از اینکه آیا اجناس یا خدمات در مطابقت با مشخصات مندرج قرارداد بوده است. این معاینه زمانیکه اجناس در مرحله ساخت، قبل از انتقال یا بعد از انتقال و در تمام مدت اجرای پروژه، اجرا شده میتواند. این امر شامل مراحل اندازه گیری، امتحان، آزمایش، اندازه گیری ویا مقایسه فعالیت ها و نتایج آن با شرایط قابل اجرا طوریکه در قرارداد ذکر شده است، میباشد. همچنان: به تصدیق معاینه، طرح مشخصات،</p>

specified in the contract. see also: Certificate of inspection, design specification, Provisioning, Specification, Technical inspection, Terms of reference	شرایط، مشخصات، مشخصات تخنیکي و لائحه وظایف مراجعه شود.
INSPECTION LOT-SAMPLING: Where the number of items is large and 100% inspection time consuming, inspection is carried out by taking a sample from a lot and accepting or rejecting the lot depending on the number of detectives in the sample being less or greater than the acceptable number. For services a similar activity can be carried out focusing on milestones identified for the particular project. see also: Acceptable quality level (AQL), Quality control	معاینه سمپل گیری بخش: در صورتیکه تعداد اقلام زیاد و 100 % معاینه آن باعث ضیاع وقت شود، اجرای معاینه بخشی از آن منحصیث نمونه بادر نظر داشت تعداد کاستی ها در نمونه که نسبت به تعداد قابل قبول کم و یا زیاد باشد، رد و یا قبول شده میتواند. برای خدمات و فعالیت های مشابه با توجه به معیارات شناخته شده در پروژه خاص راه اندازی شده میتواند. همچنان: به سطح کیفیت قابل قبول و کنترل کیفیت مراجعه شود.
VISUAL INSPECTION: A term generally used to indicate inspection performed without the help of measuring and testing instruments or a laboratory.	معاینه نظری: اصطلاح عمومی جهت بیان این مطلب که معاینه بدون کمک ابزار اندازه گیری و آزمایش یا لابراتوار صورت گرفته است، استفاده میشود.
DESTINATION INSPECTION: Inspection by the procuring entity or his agents of goods on receipt at destination to assess whether the goods conform to the specifications laid down in the purchase contract.	معاینه محل نهایی: معاینه اجناس توسط اداره تدارکاتی یا نماینده های آن بعد از رسیدن در محل نهایی جهت اطمینان از اینکه آیا اجناس با مشخصات معینه در قرارداد مطابقت دارند یا خیر، میباشد.
DETENTION: An owner of a vessel which is delayed beyond the period specified for demurrage in a charterparty can claim unlimited damages for any further delays called detention. see also: Demurrage	معطلی: مالک کشتی که فراتر از مدت معینه معطلی در قرارداد اجاره کشتی تاخیر نموده است، ادعای خساره بدون محدودیت خساراتی را که به اثر این تاخیر صورت گرفته مطالبه می شود، بنام معطلی یاد میشود. همچنان: به هزینه معطلی مراجعه شود.
CARGO MANIFEST: see Consist, Manifest	معلوماتنامه محموله: به است شمول و معلوماتنامه مراجعه شود
MANDATORY STANDARD: A standard of which the application has been made mandatory by a regulation. see also: Standard, Standardisation, Variety control	معیار اجباری: معیاری است که تطبیق آن طبق مقرر اجباری می باشد. همچنان: به معیار، معیاری سازی و کنترل تنوع مراجعه شود.
STANDARD: Is the result of a particular standardisation effort, approved by a recognised authority. It may take the form of (a) a document containing a set of conditions to be fulfilled; (b) a fundamental unity; or (c) an object for physical comparison. see also: Mandatory standard, Standardisation, Variety control	معیاریا استندرد: نتیجه خاص معیاری سازی منظور شده از طرف یک مرجع شناخته شده میباشد. معیار میتواند (الف) شکل یک سند حاوی تعدادی از شرایط که باید تکمیل شود باشد؛ (ب) سازگاری بنیادی؛ یا (ج) به منظور مقایسه فزیکي باشد. همچنان: به معیار اجباری، معیاری سازی و تنوع کنترل مراجعه شود.
STANDARDISATION: The process of defining and selecting through an agreement characteristics of products, testing and measuring methods, specification of characteristics of products for defining their quality, regulation of variety, interchange-ability, etc.. Many countries have set-up national standard organisations setting out for a large number of products, the essential	معیاری سازی: مراحل معرفی و انتخاب تولیدات، از طریق یک توافق روی خصوصیات جنس، روش های آزمایش و اندازه گیری، مشخصات خصوصیات جنس به منظور تعریف کیفیت، تنظیم تنوع، قابلیت تبادل میباشد. بسیاری کشورها تاسیسات ملی معیاری را ایجاد نموده اند که برای تعداد زیادی از محصولات، شرایط ضروری را

<p>requirements which a product should measure up to. The International Organisation for Standardisation (ISO) has been laying down standards for acceptance and adoption of these by member countries. In a tender invitation or enquiry a reference to a national standard or an international standard (or that of any other country) is usually sufficient for suppliers to know precisely what the procuring entity's requirements are. Standardisation is also used in the sense of variety control, i.e., reducing the number of types of products within a definite range to that number which is adequate to meet prevailing needs at a given time. see also: Mandatory standard, Standard, Variety control</p>	<p>که یک تولید با آن اندازه گیری شود، طرح می نمایند . مؤسسه بین المللی برای معیاری سازی (ISO) در حال ایجاد معیارات برای قبولی و پذیرش آنها توسط کشور های عضو می باشد. در یک دعوت به داوطلبی یا استعلام مراجعه به معیار ملی یا بین المللی (یا اینکه هر کشور دیگر) معمولاً برای اكمال کننده گان جهت فهم دقیق این موضوع که شرایط اداره تدارکاتی چه است، کافی می باشد. معیاری سازی به معنی کنترل تنوع نیز دانسته می شود. به طور مثال، کاهش تعداد انواع تولیدات در یک حد قطعی که به ضروریات موجود جواب باشند کافیهست. همچنان :به معیار اجباری، معیار و کنترل تنوع مراجعه شود.</p>
<p>PUBLIC AUTHORITIES: State, regional and local authorities and bodies governed by public law. see also: Procuring entity</p>	<p>مقامات ادارات عامه: مقامات دولتی، منطقه ای و محلی و اشخاص مندرج در قانون تدارکات عامه میباشد. همچنان :به اداره تدارکاتی مراجعه شود.</p>
<p>CONTRACTING AUTHORITY: The legal entity requesting and buying goods, works or services through contracts and -in most cases- in return pay for these. See also: Procuring entity</p>	<p>مقامات باصلاحیت عقد قرارداد: اداره قانونی که اجناس، امور ساختمانی یا خدمات را از طریق قراردادها درخواست و خریداری نموده و اکثراً در مقابل آن می پردازند. همچنان :به اداره تدارکاتی مراجعه شود.</p>
<p>INDEFINITE QUANTITY BUYING: see Blanket order, Basic agreement, Rate contract</p>	<p>مقدار خریداری نامحدود: به امر عمومی خریداری، موافقتنامه ابتدائی و قرارداد قیمت ثابت مراجعه شود.</p>
<p>DESTINATION: The port or place to which goods are shipped for delivery.</p>	<p>منزل نهایی: بندر یا جاییکه اجناس برای تحویل در آنجا انتقال داده میشوند.</p>
<p>SOURCING: Act of searching for suitable sources of supply. see also: Market analysis</p>	<p>منابع یابی: اقدامات تحقیقی برای پیدانمودن منابع مناسب اكمالات میباشد. همچنان :به تحلیل و تجزیه بازار مراجعه شود.</p>
<p>MATERIAL: see Goods</p>	<p>مواد: به اجناس مراجعه شود</p>
<p>NON EXPENDABLE MATERIAL: Items that are not consumed in use and that ordinarily retain their original features and characteristics during the period of use (e.g. typewriters, micro-computers, vehicles, etc.). see also: Expendable material</p>	<p>مواد نشدنی: اقلام یا اجناسیکه با استفاده از بین نرفته و به صورت عادی ماهیت اصلی و خصوصیات خویش را در جریان مدت استفاده (به گونه مثال :ماشین تایپ، کمپیوترهای کوچک، موترها، و غیره) از دست ندهند، میباشد. همچنان :به مواد مصرفی مراجعه شود</p>
<p>CONSUMABLE MATERIAL: see Expendable material</p>	<p>مواد مصرف شدنی: به مواد قابل مصرف مراجعه شود</p>
<p>EXPENDABLE MATERIAL: Items that are consumed in use and that do not ordinarily retain their original features during the period of use (e.g. paper, fertilisers. etc.). see also: non-expendable material</p>	<p>مواد مصرف شدنی: اقلامی مانند کاغذ، کود و غیره که در اثر استفاده مصرف شده و به صورت معمول ماهیت اصلی خود را در جریان مدت استفاده، حفظ کرده نمیتوانند. همچنان :به مواد مصرف نشدنی مراجعه شود.</p>
<p>PENALTY CLAUSE: A clause in a contract specifying the sum to be paid by the defaulting party to the other if</p>	<p>مواد مربوط به جریمه: بخشی از مندرجات قرارداد میباشد که مبلغ قابل تادیه توسط جانب مسئول کاستی به</p>

<p>the contract is not fulfilled. The sum is usually an estimate of the loss likely to be suffered by the party as a result of default. see also: Liquidated damages</p>	<p>جانب دیگر را در صورتیکه قرارداد اجرا نشده باشد، مشخص میسازد. این مبلغ معمولاً برای خساره تخمینی که احتمالاً بالای یکی از جانبین در نتیجه تعلل از جانب دیگر صورت گرفته، میباشد. همچنان: به جریمه نقدی مراجعه شود.</p>
<p>DEFICIENT MATERIAL: Material found to be not conforming to the specifications as to design and quality and, therefore, not fit for the intended use. see also: Technical specification</p>	<p>مواد ناقص: موادی که در هنگام دریافت در مطابقت با مشخصات و کیفیت نبوده و از اینرو برای استفاده مورد نظر مناسب نمی باشد. همچنان: به مشخصات تخنیکی مراجعه شود.</p>
<p>INVENTORY: A complete list or statement of the stock of all raw materials, parts, components, work-in-progress and/ or finished goods in possession of an organisation at a point of time. For stock control purposes, particularly of raw materials, an enumeration of goods received, issues effected and balance at hand is done on a day to day basis or at periodical intervals, as part of efficient inventory and stores management. For balance sheet purposes the usual approach is to take stock of inventories and evaluate them at the end of an accounting year. However, the practice of a perpetual inventory system, indicating day to day changes is now being used more and more for better financial control. see also: Stock, Warehouse</p>	<p>موجودی: لست مکمل یا سند تمام مواد خام، پرزه جات، اجزا، کار در حال پیشرفت و یا اجناس تمام شده در ملکیت یک موسسه در یک وقت معین میباشد. به منظور کنترل گدام علی الخصوص مواد خام، شمارش اجناس دریافتی، مسایل و بلانس دست داشته بر اساس روزتا روز یا دروقفه های میعاد، منحیث بخشی از موجودی مؤثر و مدیریت ذخایر میباشد. به منظور جدول بلانس روش معمول این است که گدام موجودی را گرفته و در پایان سال ارزیابی نمود. به هر حال، سیستم موجودی همیشگی با ذکر تغییرات روزتاروز حالا بیشتر و بیشتر برای کنترل بهتر مالی استفاده میشود. همچنان: به ذخیره و گدام مراجعه شود.</p>
<p>AGREEMENT: An affirmation of mutual understanding or as consent between two or more parties. see also: Order, Procurement contract</p>	<p>موافقتنامه: تائید از تفاهم بین هم یا موافقت میان دو یا بیشتر اشخاص میباشد. همچنان: به فرمایش یا قرارداد تدارکات مراجعه شود</p>
<p>BASIC AGREEMENT: An agreement between a procuring entity and a supplier setting down some of the contract clauses that shall be applicable to future procurements over a specified period of time (or till such time as either party seeks renegotiations or annulment of the agreement). Particular procurements are covered by the execution of a specific contract which incorporates, besides other relevant and agreed clauses, those already in the basic agreement. In the context of longterm contracting such basic agreements are sometimes referred to as frame contracts. Basic agreements are often used for recurrent provision of material or services for the same or similar purposes in order to secure a more economic procurement procedure. see also: Blanket order, Rate contract</p>	<p>موافقتنامه ابتدائی: توافق میان اداره تدارکاتی و اکمال کننده با درج بعضی از اجزای قرارداد که برای تدارکات آینده طی یک مدت معین (یا تا زمانیکه هریک از طرفین خواهان مذاکره مجدد یا لغو موافقتنامه شوند) قابل اجرا می باشد. تدارکات خاص با اجرای یک قرارداد مشخص که علاوه بر سایر اجزای مربوطه و آنهاي راکه قبلاً در موافقتنامه ابتدائی روی آن موافقت صورت گرفته نیز شامل بوده و تحت پوشش قرار میدهد. قراردادهای طویل مدت مانند موافقتنامه ابتدائی بعضی اوقات منحیث قراردادهای چهارچوبی به آنها مراجعه میشود. موافقتنامه های ابتدائی بسیاری اوقات برای تهیه مکرر عین مواد یا خدمات یا اهداف مشابه به مقاصد اقتصادی بودن در مراحل تدارکاتی استفاده میشود. همچنان: به فرمایش عمومی یا قرارداد قیمت ثابت مراجعه شود</p>
<p>AFREIGHTMENT: A contract for the carriage of goods by a carrier. Charter-parties and Bills of Lading</p>	<p>موافقتنامه حمل و نقل: قرارداد جهت انتقال اجناس توسط انتقال دهنده میباشد. اجازه نامه و بارنامه همان موافقتنامه</p>

are contracts of afreightment by ship.	های حمل و نقل توسط کشتی میباشد.
ADMINISTRATIVE LEAD TIME: The time interval between the identification of the need to buy and the placing of the contract. see also: Lead time	مهلت اجرای اداری: فاصله زمانی میان تشخیص ضروریات خریداری و محل قرارداد. همچنان: به مهلت اجرا مراجعه شود.
ن	
BRAND NAME: A name or trade mark normally registered by which one producer distinguishes his product from those of similar products by other producers in the same industry. A brand name identifies both the product and the producer of the product. see also: Brand name or equal (description), Trademark	نام تجارتي: نام یا علامه تجارتي راجستر شده که توسط آن یک تولید کننده محصولات خود را از تولیدات مشابه تولید کننده گان دیگر در عین صنعت متمایز می سازد. نام تجارتي که هم تولید کننده و هم تولید را تشخیص مینماید. همچنان: به نام تجارتي یا معادل (وصف)، علامت تجارتي مراجعه شود.
BRAND NAME OR EQUAL (DESCRIPTION): A requisition by the user which indicates that his need will be met by a particular (named) brand or products of other producers which have the same physical, chemical, metallurgical and/ or other characteristics and will be able to satisfy the required need as effectively and efficiently. In bidding documents the same phrase is used to describe the product requirement precisely so that prospective bidders know that their goods have to be similar in all respects to the named brand product. The purchaser can and often does require proof of equivalence. This is done to increase competition so that the producer of the particular brand does not exploit his monopoly position. see also: Brand name, Trademark	نام تجارتي یا معادل آن (وصف): تقاضای استفاده کننده با بیان این مطلب که ضرورت او با علامت تجارتي خاص (نامگذاری شده) یا تولیدات سایر تولید کننده گانیکه دارای تولیدات مشابه از لحاظ فزیکي، کیمیای، استخراج و ذوب فلزات و یا سایر خصوصیات بوده و قادر به برآورده نمودن ضرورت لازم به صورت مؤثر و کافی خواهد بود. در شرطنامه عین همان عبارت استعمال میشود که محصول لازم را به صورت دقیق تشریح و بدین ترتیب داوطلبان بدانند که اجناس آنها باید در تمام بخش ها مشابه تولید دارای نام تجارتي باشد. فرمایش دهنده میتواند و اکثر اوقات دلیل برای تعادل را لازم دارند. این کار به منظور از دید رقابت که تولید کننده علامت خاص، موقف انحصاری وی را بکار نیندازد، میباشد. همچنان: نام تجارتي و علامت تجارتي مراجعه شود.
QUOTATION: Another term used for bid or offer for small value purchase. see also: Bid, Offer	نرخ گیری: اصطلاح دیگریکه برای آفردهی خریداری های کوچک استفاده میشود. همچنان: به آفر مراجعه شود.
PUBLICITY: Is secured by means of procurement notices on business opportunities as well as invitations to bid within the open tender procedure. Publicity can be secured locally and international by selecting corresponding media.	نشر اعلان: اطلاعیه ای می باشد که از طریق اعلانات تدارکاتی در مورد فرصت های تجارتي و همچنان دعوت به آفردهی در مدت معینه مراحل داوطلبی باز صورت میگیرد. اعلامیه از طریق رسانه ها به صورت داخلی و بین المللی با انتخاب رسانه های خبری صورت گرفته میتواند.
LATENT DEFECT: A defect in a product that is normally difficult to notice visually or through ordinary and reasonable inspection and which becomes apparent in the course of its use.	نقص پوشیده: نقص یا کاستی در تولید که معمولاً برای مشاهده نظری مشکل بوده و از طریق بررسی معمولی معقول که در جریان استفاده آشکار میشود.
QUALITY DEFICIENCY: A defect or a deficiency as a result of which an item is not fit for the intended use or does not perform as expected. This may include	نقص در کیفیت: نقص یا کاستی که در نتیجه یک قلم برای استفاده مورد نظر مناسب نبوده یا اجرای آن طوریکه

<p>deficiencies in the technical requirements of material, drawing and specification requirements. A quality deficiency may be attributable to a deficiency in design, in material or workmanship.</p>	<p>انتظار آن میرفت نمی باشد. این کاستی میتواند شامل نواقص در شرایط تکنیکی مواد، نقشه ها، شرایط و مشخصات باشد. نقص در کیفیت میتواند به نقص در دیزاین، مواد یا کارگرنسبت داده شود.</p>
<p>BREACH OF CONTRACT: A failure of the supplier or the procuring entity without a legally acceptable defensible excuse to carry out his part of the duties and obligations as implied by the terms and conditions of a contract. see also: Default</p>	<p>نقض قرارداد: عدم موفقیت اكمال کننده یا اداره تدارکاتی بدون کدام عذر قانونی قابل قبول و قابل دفاع در انجام بخشی از وظایف و مکلفیت های خویش طوریکه در شرایط قرارداد آمده است، میباشد. همچنان: به کاستی مراجعه شود.</p>
<p>AGENT: One appointed or authorised, by another, to act on his behalf. The latter is called the "principal". In commercial law, agent is appointed to bring the principal in legal relationship with third parties.</p>	<p>نماینده: شخصی است که از جانب شخص دیگر به وی صلاحیت داده شده یا جهت انجام وظایف به نماینده گی از او تعیین شده باشد. شخص بعدی شخص اصلی یا رئیس دانسته میشود. طبق قانون تجارت، نماینده به منظور برقراری ارتباطات قانونی رئیس با اشخاص سوم تعیین میشود.</p>
<p>SAMPLE: A sample to be furnished by bidders along with their bids/ offers to establish the quality of the products being offered.</p>	<p>نمونه: آن است که توسط داوطلبان همراه با آفرها جهت ارائه کیفیت اجناس پیشکش میگردد.</p>
<p>CERTIFICATION BODY: An independent and impartial body, governmental or non-governmental, possessing the necessary competence and reliability to operate a certification system, and in which the interests of all parties concerned with the functioning of the system are represented. see also: Quality certification</p>	<p>نهاد تصدیق کننده: نهاد مستقل و بی طرف دولتی یا غیر دولتی، دارای شایستگی ضروری و قابل اعتماد جهت به کار اندازی سیستم تصدیق که منافع تمام طرف های ذیربط در این سیستم را نماینده گی نماید. همچنان: به تصدیق کیفیت مراجعه شود.</p>
<p>و</p>	
<p>UNIT LOAD: The optimum quantity of any item or commodity which may be unitized for storage, handling and transportation on a pallet or container of a given type and size. see also: unitization</p>	<p>واحد بار: مقدار مطلوب هر قلم یا اموال که میتواند برای ذخیره، تسلیمی و انتقال به یک کفه بارگیری یا کانتینر نوع و اندازه تعیین شده میباشد. همچنان: به تعیین واحد مراجعه شود.</p>
<p>ABANDONMENT: Surrendering of the claim to goods (and/ or a ship) so damaged during a voyage as to render them worthless to the owners who choose to abandon their rights and interest in these in favour of the underwriter and prefer their claims under the insurance cover. Abandonment is the basis for a claim to be preferred under a policy of marine insurance for "CONSTRUCTION TOTAL LOSS". See also: Freight abandonment</p>	<p>واگذاری: تسلیمی مطالبه اجناس (ویا کشتی) خساره مند شده در جریان سفر دریایی طوریکه گویا فاقد ارزش بوده متعهد در مورد اجناس) ویا یک کشتی (که در جریان سفر دریایی خساره مند و فاقد ارزش به صاحب اصلی آن، که تصمیم بر واگذاری حقوق و منفعت خود در آنها را به نفع صادر کننده سند بیمه دریایی و ترجیح میدهد تا مطالبات را تحت پوشش بیمه قرار دهد. واگذاری اساس ادعای حقوق است که تحت بیمه نامه دریایی برای خساره کلی ساختمان می باشد. همچنان: به واگذاری حمل و نقل کشتی مراجعه شود.</p>
<p>FREIGHT ABANDONMENT: A term in a hull policy</p>	<p>واگذاری کرایه کشتی: اصطلاح دریایی کشتی (پالیسی</p>

<p>(an insurance policy on the ship and not the cargo) whereby the underwriter waives his right to freight earned or to be earned by a ship that is the subject of a total loss claim. see also: Abandonment</p>	<p>بیمه نامه در کشتی نه در محموله) که متعهد از حق خود هزینه کشتی حاصله یا قابل دستیابی از کشتی که مربوط به ادعای خسارهٔ مجموعی می باشد، منصرف میگردد. همچنان: به واگذاری مراجعه شود.</p>
<p>PUBLIC FUNDS: The moneys or other financial assets defined in Art.8 of the Public Finance and Expenditure Management Law, and includes any monetary resources appropriated to procuring entities through budgetary processes, as well as extra budgetary funds including aid grants and credits put at the disposal of procuring entities by foreign donors, and revenues of procuring entities.</p>	<p>وجوه عامه³⁵: پول یا سایر دارایی های مالی است که در ماده هشتم قانون اداره امور مالی و مصارف عامه مشخص و شامل تمام منابع پولی که از طریق طی مراحل بودجوی به ادارات تدارکاتی اختصاص داده شده، و وجوه اضافی بودجوی به شمول کمک های بلاعوض و اعتباراتی که توسط کشور های کمک کننده خارجی در اختیار ادارات قرار داده شده، و عواید خود ادارات تدارکاتی میباشد.</p>
<p>WEIGHT: see Gross weight, Net weight, Tare weight</p>	<p>وزن: به وزن اصلی، وزن خالص، و وزن خاص مراجعه شود</p>
<p>GROSS WEIGHT: Is the weight of a package/ article, in a consignment, including that of its container and other packaging material. see also: Net weight, Tare weight</p>	<p>وزن ناخالص: وزن بسته و یا مواد، در یک محموله به شمول وزن کانتینر و سایر مواد بسته بندی شده میباشد. همچنان: به وزن خالص و وزن اصلی مراجعه شود.</p>
<p>NET WEIGHT: The weight of the contents of a package/ container/ wagon net of packaging material and/ or tare weight. see also: Gross weight, Tare weight</p>	<p>وزن خالص: وزن خالص محتویات یک بسته یا کانتینر و یا واگون بسته های مواد و یا وزن خالص میباشد. همچنان: به وزن اصلی یا وزن خالص مراجعه شود.</p>
<p>TARE WEIGHT: The weight of a container (and other packaging material), vehicle or wagon in which goods are packed or stowed. The net weight of goods is gross weight less tare. Actual tare is determined when each cask/ bag/ box/ wagon, etc., is weighed; average tare when one is weighed and used as a standard; and estimated tare when a fixed percentage is deducted from the gross weight. see also: Net weight, Gross weight</p>	<p>وزن خالص: وزن کانتینر (و سایر بسته بندی مواد)، موتریا واگون که در آن اجناس بسته بندی یا بار میشوند. وزن اصلی اجناس وزن اصلی کمتر از وزن خالص میباشد. وزن خالص واقعی زمانی تشخیص میشود که هر بشکه، بیک، بکس، واگون و غیره وزن کرده شود؛ اوسط وزن خالص زمانی که یکی آن وزن شده و منحیث معیار استفاده شود؛ و وزن خالص تخمینی و قتی که فیصدی معین از وزن اصلی کم کرده شود، میباشد. همچنان: به وزن خالص و وزن اصلی مراجعه شود.</p>
ه	
<p>ACQUISITION COST: The total sum of the procurement costs in order to obtain a contract.</p>	<p>هزینه تدارکات: مبلغ مجموعی مصارف تدارکات به منظور عقد قرارداد میباشد.</p>
<p>CIP: see Carriage and insurance paid to</p>	<p>هزینه حمل و بیمه پرداخت شده CIP: به پرداخت انتقال و بیمه مراجعه شود</p>
<p>CARRIAGE AND INSURANCE PAID TO (CIP): INCOTERM, defines that the supplier has the same obligations as under CPT but with the addition that the supplier has to procure cargo insurance against the</p>	<p>هزینه حمل و بیمه پرداخت شده (CIP): قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت بین المللی واضح میسازد که اكمال کننده عین مکلفیت های را دارد که تحت</p>

<p>procuring entity's risk of loss of or damage to the goods during the carriage. The supplier contracts for insurance and pays the insurance premium. The procuring entity should note that under the CIP term the supplier is only required to obtain insurance on minimum coverage. The CIP term requires the supplier to clear the goods for export. This term may be used for any mode of transport including multimodal transport. see also: Incoterms</p>	<p>شرایط هزینه حمل و بیمه پرداخت شده قرار داشته اما علاوه بر آن موصوف باید در مقابل خطر مفقودی یا خساره اجناس اداره تدارکاتی در جریان انتقال بیمه محموله تدارکات را فراهم نماید. اکمال کننده قرارداد بیمه را نموده و حق بیمه را پرداخت مینماید. اداره تدارکاتی باید بیاد داشته باشد که تحت شرایط هزینه حمل و بیمه پرداخت شده، اکمال کننده بیمه را صرف بر اساس حد اقل پوشش بدست می آورد. طبق شرایط هزینه حمل و بیمه پرداخت شده اکمال کننده باید اجناس صادراتی را تصفیه نماید. این شرایط برای تمام روش های ترانسپورتهای به شمول انتقالات چندین روشی استفاده شده میتواند. همچنان به قرارداد بین المللی تهیه شده توسط اتاق تجارت بین المللی مراجعه شود</p>
<p>MARGINAL COSTING: The extra cost of increasing production by one unit. It includes only the variable costs (direct costs) and no element of fixed costs (overheads).</p>	<p>هزینه نهایی: مصرف اضافی افزایش تولید با یک واحد میباشد. این مصرف تنها شامل مصارف قابل تغییر (مصارف مستقیم) و عنصر قیمت معین (مخارج کلی) نمی باشد.</p>
<p>PROCUREMENT COMMITTEE: A Committee of Directors and Officials appointed by the entity to carry out procurement proceedings as provided in the Law.</p>	<p>هیئت تدارکات³⁶: رؤسا و سایر مسئولین اداره است که طبق احکام قانون تدارکات عامه جهت تنظیم و پیشبرد امور تدارکات، از طرف اداره توظيف میگردد.</p>
<p>ی</p>	
<p>REJECTION ADVICE (NOTE): A communication by the procuring entity to the supplier notifying him of the rejection of goods supplied or services rendered for non-conformity to quality or breach of any other contractual commitment.</p>	<p>یادداشت رد: مکاتبه اداره تدارکات به اکمال کننده با دادن اطلاع در مورد رد اجناس یا خدمات تهیه و تدارک شده به خاطر عدم مطابقت با کیفیت یا نقض هر نوع تعهدات دیگر قرارداد میباشد.</p>